

پژوهش در هنر و علوم انسانی

دوماهنامه پژوهش در هنر و علوم انسانی
سال سوم، شماره شش (پیاپی: ۱۴)، اسفند ۱۳۹۷، جلد دو
شاپا: ۲۵۳۸-۶۲۹۸

تحلیل اثرات کالبد-عملکردی بازارچه‌های مرزی با تاکید
بر توسعه پایدار و آمایش نواحی شهری؛ شهر پیرانشهر
سلیمان احمد مرادی، ابراهیم الیاسی

مطالعه و طرح معماری خانه کودک در کاشان مبتنی بر پرورش
خلاقیت کودک؛ برای کودکان ۴ تا ۷ سال
حمیدرضا فرشچی، زهره غلامی

کمدی دلآرته و شخصیت‌های نمایشی آن
سمانه عشقی، احمد حیدری

ساختار پرسپکتیو در نگارگری ایرانی و نظریه ابصار ابن هیثم
پروانه دلفانی ارکسی، اسماعیل بنی اردلان

نگاهی به آزادی‌های فردی و جمعی در پرتو حقوق بینالملل
عباس شجاعی، زهرا قاسمی، فاطمه بیرجندی

پژوهش در هنر و علوم انسانی

دوماهنامه پژوهش در هنر و علوم انسانی
سال سوم، شماره شش (پیاپی: ۱۴)، اسفندماه ۱۳۹۷
شاپا: ۶۲۹۸-۲۵۳۸

صاحب امتیاز و مدیر مسئول:
میلاد فتحی
سر دبیر: امیر حسین یوسفی
مدیر داخلی: منیژه ملائی

اعضای شورای علمی نشریه:

سرکار خانم دکتر پریسا آروند، دانشگاه گیلان
جناب آقای دکتر حسنعلی آقاچانی، دانشگاه مازندران
جناب آقای دکتر سجاد اکبری، دانشگاه ارومیه
جناب آقای دکتر علیرضا اکرمی، دانشگاه گیلان
جناب آقای دکتر بهرام ایمانی، دانشگاه محقق اردبیلی
جناب آقای دکتر اعظم بابکی راد، دانشگاه آزاد اسلامی مشهد
جناب آقای دکتر محمد باقری، دانشگاه زنجان
سرکار خانم دکتر مرضیه تراچی، دانشگاه گیلان
سرکار خانم دکتر نغمه خرازیان، دانشگاه زنجان
جناب آقای دکتر روح الله رحیمی، دانشگاه مازندران
جناب آقای دکتر احمد جعفری صمیمی، دانشگاه مازندران
جناب آقای دکتر داود رضائی، دانشگاه زنجان
جناب آقای دکتر بهادر زمانی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز
سرکار خانم دکتر میلو شفائی، دانشگاه هنر اصفهان
جناب آقای دکتر جواد شکاری نیری، دانشگاه بین المللی امام خمینی
جناب آقای دکتر ناصر صنوبر، دانشگاه تبریز
جناب آقای دکتر محمدرضا طبیبی، دانشگاه مازندران
جناب آقای دکتر مظفر عباس زاده، دانشگاه ارومیه
جناب آقای دکتر علی عمرانی پور، دانشگاه کاشان
جناب آقای دکتر افشین عموزاده، دانشگاه گیلان
سرکار خانم دکتر غزال کرامتی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز
جناب آقای دکتر امیررضا کریمی آذری، دانشگاه گیلان
جناب آقای دکتر محسن کشاورز، دانشگاه شهید باهنر کرمان
جناب آقای دکتر محمد مهدی گودرزی، دانشگاه آزاد اسلامی همدان
جناب آقای دکتر مهرداد متین، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز
جناب آقای دکتر بهزاد محبی، دانشگاه محقق اردبیلی
جناب آقای دکتر علیرضا محمدی، دانشگاه محقق اردبیلی
جناب آقای دکتر حسین مدی، دانشگاه بین المللی امام خمینی
جناب آقای دکتر مهدی مقیمی، دانشگاه زنجان
جناب آقای دکتر علیرضا مهدی زاده، دانشگاه شهید باهنر کرمان
جناب آقای دکتر سید محسن موسوی، دانشگاه مازندران
جناب آقای دکتر کیانوش ناصرالمعمار، دانشگاه آزاد اسلامی قزوین
جناب آقای دکتر امیر هوشنگ نظر پوری، دانشگاه لرستان



۰۲۱ ۳۳ ۲۰ ۲۴ ۸۷
۰۲۶ ۳۴ ۴۳ ۶۹ ۵۹



۰۲۱ ۴۳ ۸۵ ۷۱ ۲۴

نشانی: کرج، بلوار امام خمینی (باغستان)، بین
خیابان پنجم و ششم، روبروی مجموعه ورزشی
انقلاب، پلاک ۷۳۵، ساختمان پرنده، واحد ۱

انتشارات هنر و علوم دانشگاهی
تهران، افسریه، ۱۵ متری اول، کوچه ۲۸،
پلاک ۲۹۳ تلفن: ۰۲۱ ۳۳ ۸۴ ۰۷ ۹۲

۹۰
۰۰۰

فراخوان پذیرش مقاله

نقش علوم انسانی و هنر با کارکرد انتقادی در خصوص طرح سوالات بنیادین در فلسفه و مبانی علمی به عنوان ابزاری برای دستیابی به تفکر نواندیش، خلاق و کارآفرین در زیرساخت‌های سایر علوم و دستاوردهای آن نیز از اهمیت بسیاری در فرآیند توسعه برخوردار است. از اینرو می‌توان گفت دستیابی به توسعه بومی، همه جانبه و پایدار، جز با بذل توجه به پژوهش و مطالعه در حوزه علوم انسانی و هنر میسر نخواهد شد.

ارتقاء کیفیت پژوهش‌ها و مطالعات علمی، از مسیر انتشار نتایج مطالعات علمی و تخصصی پژوهشگران می‌گذرد. با این نگاه نشریه پژوهش در هنر و علوم انسانی توسط موسسه تحقیقاتی مدیریت دانش شباک و با همکاری علمی اساتید برجسته دانشگاه‌های کشور به انتشار مقالات علمی در زمینه پژوهش هنر و مطالعات علوم انسانی می‌پردازد.

از اینرو از تمام اساتید، صاحب‌نظران، کارشناسان، دانشجویان، پژوهشگران و علاقمندان به مطالعات علوم انسانی و هنر دعوت می‌نماید با ارسال مقالات علمی خود به از طریق وبسایت نشریه به نشانی www.rahs.ir در پربارتر کردن این نشریه ما را یاری نمایند.

محورهای نشریه پژوهش در هنر و علوم انسانی:

- | | |
|---|--|
| مطالعات هنر: | پژوهش‌های علوم انسانی: |
| ۱- هنرهای پژوهشی و پژوهش در هنر | ۱- علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی |
| ۲- هنرهای نمایشی و سینما | ۲- زبان‌شناسی، ادبیات و آموزش |
| ۳- مرمت، احیا و بازسازی | ۳- علوم جغرافیایی |
| ۴- هنرهای تصویری و طراحی | ۴- علوم تاریخ و باستان‌شناسی |
| ۵- موسیقی | ۵- فلسفه، الهیات و معارف اسلامی |
| ۶- معماری و شهرسازی | ۶- روانشناسی و علوم تربیتی |
| ۷- هنرهای تجسمی و موضوعات دیگر در هنر | ۷- حقوق |
| ۸- دیگر موضوعات در مطالعات هنر و پژوهش‌های میان رشته‌ای | ۸- علوم سیاسی و روابط بین‌الملل |
| | ۹- حسابداری، مدیریت و علوم اقتصادی |
| | ۱۰- دیگر موضوعات در علوم انسانی و پژوهش‌های میان رشته‌ای |

فهرست مقالات

صفحه	عنوان مقاله
۱	تحلیل اثرات کالبد-عملکردی بازارچه‌های مرزی با تاکید بر توسعه پایدار و آمایش نواحی شهری (شهرپیرانشهر) سلیمان احمد مرادی، ابراهیم الیاسی
۲۱	مطالعه و طرح معماری خانه کودک در کاشان مبتنی بر پرورش خلاقیت کودک (برای کودکان ۴ تا ۷ سال) حمیدرضا فرشچی، زهره غلامی
۳۳	کمدی دل‌آرته و شخصیت‌های نمایشی آن سمانه عشقی، احمد حیدری
۴۳	ساختار پرسپکتیو در نگارگری ایرانی و نظریه ابصار ابن هیثم پروانه دلفانی ارکسی، اسماعیل بنی اردلان
۵۵	نگاهی به آزادی‌های فردی و جمعی در پرتو حقوق بین‌الملل عباس شجاعی، زهرا قاسمی، فاطمه بیرجندی

تحلیل اثرات کالبد-عملکردی بازارچه های مرزی با تاکید بر توسعه پایدار و آمایش نواحی شهری (شهر پیرانشهر)

سلیمان احمد مرادی^۱، ابراهیم الیاسی^{۲*}

۱- دانشجوی دکترای معماری، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی، مرکز پیرانشهر.

۲- کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات زنجان.

e.urbandesign@yahoo.com

چکیده

بازارچه های مرزی با توجه به ساختارشان توانسته اند مسئله امنیت مرزها را تا حدودی برآورده نمایند و این مسئله روی شرایط اقتصادی مناطق مرزی تأثیر به سزایی داشته است. این نوشتار حاصل پژوهشی میدانی از بازارچه های مرزی شهر پیرانشهر در استان آذربایجان غربی است که با استفاده از روش تحقیق کمی صورت گرفته است. روش انجام آن در بخش نظری، کتابخانه ای و اسنادی و در بخش عملی، پیمایشی می باشد. در روش اسنادی از فیش، اسناد و نامه های اداری، گزارشات و مقالات مؤسسات و وزارتخانه ها و سازمان های ذیربط و در شیوه میدانی از پرسشنامه، مصاحبه و جامعه آماری طبق فرمول کوکران ۳۸۴ نفر بوده و داده های آن نیز همچنین از طریق پیمایش و با ابزار پرسشنامه و تحلیل آنها با استفاده از نرم افزار SPSS به دست آمده است. نتایج مطالعات و بررسی حاکی از آن است که فعالیت و استقرار بازارچه ها در منطقه توانسته است در بسیاری از متغیرهای رفاهی از قبیل ایجاد اشتغال، تحرک شغلی مرزنشینان، افزایش درآمد، تأمین مایحتاج نیازهای ساکنان مرزنشین، تغذیه، بهداشت، مسکن و محیط زیست، بهبود نسبی ایجاد کنند. همچنین استقرار بازارچه از اقتصاد غیر رسمی در این منطقه تا حد زیادی کاسته است اما نتوانسته از خیل عظیم مهاجران روستایی به ویژه جوانان به شهر بکاهد. به علاوه، اینکه بازارچه ی تمرچین توانسته است امنیت نسبی از لحاظ اقتصادی در منطقه ایجاد کند. نتایج فرضیات نشان می دهد بین عوامل موجود در بازارچه ی مرزی تمرچین و شاخص های کالبدعملکردی رابطه نسبتاً معناداری وجود دارد.

واژگان کلیدی: کالبد-عملکردی، بازارچه های مرزی، آمایش، نواحی شهری، توسعه پایدار.

۱- مقدمه

در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، رشد سریع و نامتقارن شاخص های توسعه ای پایدار، باعث عدم تعادل اقتصادی-اجتماعی و زیست محیطی و نابرابری معیشتی میان مناطق و استانهای مختلف شده است. به عبارت دیگر، اختصاص غیراصولی منابع و امکانات به مناطق برخوردار و محرومیت سایر مناطق موجب نابرابری هایی از لحاظ توسعه اقتصادی می شود. نتیجه این اقدامات، منجر به فاصله گرفتن این کشورها از اهداف ترسیم شده برای توسعه اقتصادی شده که تأثیر مستقیم و بلافاصله خود را بر شهرهای استانهای محروم و عمدتاً حاشیه ای و مرزی این کشورها، در روی آوردن به اشکال مختلف اقتصاد پنهان از جمله قاچاق کالا می شود. قاچاق کالا عمدتاً از طریق مناطق مرزنشین صورت می گیرد که دلایل متعددی در این زمینه از سوی پژوهشگران بیان شده است. مطمئناً نزدیکی این استانها با کشورهای همسایه و زمینه های موجود در مراودات اقتصادی غیررسمی با آنها و نیز اشتراکات فرهنگی و نزدیکی سبک زندگی میان مردم در اطراف مرزهای مشترک، بر گسترش قاچاق در مناطق مرزی تأثیرگذار است. اما به استناد شواهد آماری و نیز با توجه به روند توسعه در کشور به نظر می رسد یکی از عوامل تأثیرگذار در این زمینه، توسعه نیافتگی مناطق مرزی است که عمدتاً برآمده از رهیافت ها و برنامه های توسعه در کشور در طی دهه های اخیر است. عدم توازن در بین مناطق در جریان توسعه، موجب ایجاد شکاف و تشدید نابرابری منطقه ای

می شود که خود مانعی در مسیر توسعه است (ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز، ۱۳۹۲). هرکنشی که در فضا صورت می گیرد با جهان اجتماعی و فیزیکی ارتباط پیدا می کند. فضا واقعیت تجربی وحسی نیست بلکه چهارچوب قراردادی جهت آرایش و ترتیب پدیده هاست. این چارچوب مفهومی از فضا، ما را قادر به مقایسه اثرات کنش، مبادلات مرزی در ارتباط با جهان های سه گانه (دهنی، فرهنگی، فیزیکی) می کند (ورلن، ۱۹۹۳: ۳). مبادلات منطقه ای، همواره یکی از قدیمی ترین ابزارهای رشد، توسعه و رفاه اجتماعی مناطق مرزی بوده است. در مرزهای اکثر کشورهای در حال توسعه، سطح قابل توجهی از نیاز مردم مرزنشین از طریق مبادلات مرزی تأمین می شود. اینگونه مبادلات در جهت توسعه محلی و توسعه تجارت و همکاری های منطقه ای مفید بوده است. کشورهایی که سطح بالایی از آزادی تجارت دارند، معمولاً ثروتمندتر از سایر کشورها هستند، بنابراین ارتباط مستقیمی بین فقر و تجارت وجود دارد. تجارت می تواند فقر را شناسایی، نابرابریها را کاهش و آزادی را به میزان بسیار زیادی افزایش دهد (افتخاری و همکاران، ۱۳۸۷). از این رو برنامه ای کردن چنین مبادلات و جریان هایی در نوع خود به توسعه و گسترش بازارهای محلی، ایجاد صلح و ثبات در مناطق مرزنشین و بالاخره بهبود امنیت و زیرساختها و خدمات مورد نیاز منطقه کمک می کند (مراتب، ۱۳۸۴: ۲). یکی از سیاست های موفق دولت در دودهده اخیر ایجاد بازارچه های مرزی بوده است. این بازارچه ها در نواحی مرزی، بسته به میزان فعالیت و ارتباط تجاری با کشورهای همسایه در ابعاد ملی و منطقه ای اثرات مثبتی را داشته و در سطح محلی نیز تأثیرات قابل توجهی را داشته اند (احدزادروشتی، معتمدی، ۱۳۹۳: ۲).

با توجه به اینکه نقش تجاری شهر پیرانشهر در دهه های اخیر بسیار پررنگ شده، تأثیرات زیادی بر تمام ابعاد اقتصادی، اجتماعی و کالبدی - عملکردی شهر گذاشته است. بخش بزرگی از کالاهای قاچاق در فروشگاه های شهر پیرانشهر و در فضایی متمرکز به شعاع ۵۰۰ متر از مرکز شهر در مجتمع های تجاری و پاساژها عرضه می شوند. علاوه بر مجتمع های تجاری، وجود تعداد بسیار زیاد دستفروش و دوره گرد، زمینه را برای افزایش مشاغل غیررسمی در محدوده مرکزی شهر فراهم کرده است. عدم امکان اخذ عوارض گمرکی از کالاهای وارداتی و همچنین ارائه کالاها با قیمت نسبتاً پایین سبب شده است، بسیاری از مسافران و گردشگران، برای خرید به این شهر مسافرت کنند (Hajinezhad & Ahmadi, 2010).

بنابراین فعالیت های تجاری و بالتبع مبادلات مرزی، باعث تحولاتی در بافت کالبدی - عملکردی سکونت گاه های شهری می شود. فعالیت های تجاری در شهر و روستا دو دلیل بارز دارد؛ ۱. نبود زیرساخت های تولیدی و زیربنایی در منطقه ۲. وجود بیکاری فراوان، بدین ترتیب مبادلات مرزی به عنوان یک کنش انسانی، محصول خوداگاهی و اراده عامل ها، جهان خاص خود را بوجود آورده است و اثرات مبادلات مرزی به عنوان یک کنش انسانی در چارچوب فضایی - کالبدی مورد بررسی قرار می گیرد (سعیدی، رمضانی، ۱۳۹۴: ۳۳). از سال ۱۳۸۰ به بعد شهر پیرانشهر کم کم کارکرد تجاری - توریستی پیدا می کند و در برابرتجربه جدیدی قرار می گیرد و آن سیل مسافران برای خرید کالا از مراکز تجاری شهر است. این امر موجب می شود که کاربری های شهر پیرانشهر تغییر جهت محسوسی به سمت کاربری های مسکن، تجاری، مراکز اقامتی و پذیرایی که موجب تغییر در ساختار کالبدی - عملکردی در شهر صورت بگیرد. رشد بخش تجاری که در نتیجه بخش فعالیت بازارچه مرزی و مبادلات غیررسمی به وجود آمد، به صورت مجتمع های تجاری و بازارچه ها نمود پیدا می کند. در نتیجه این امر باعث مهاجرت ها به شهر پیرانشهر و نیار به مسکن و سایر فعالیت های دیگر در ساختار کالبد - عملکردی شهر پیرانشهر تأثیر داشته است. شهر پیرانشهر طی چند سال اخیر پذیرای مسافران بسیاری بوده است. اکثر مسافران ورودی به شهر پیرانشهر، به قصد خرید از مراکز و بازارهای تجاری این شهر به پیرانشهر مسافرت کرده اند. با توجه به موقعیت مرزی شهر پیرانشهر و همسایگی با عراق و به دلیل رکود بخش هایی مانند صنعت و کشاورزی، عده زیادی از جمعیت فعال شهر به کار قاچاق و وارد کردن کالا از مرز می پردازند. به دلیل وضع نشدن تعرفه های گمرکی بر این کالاها، قیمت تمام شده آنها نیز نسبتاً پایین تر از کالاهای داخلی و یا کالاهایی است که به صورت رسمی وارد کشور شده اند. اگر چه رونق تجارت غیررسمی در شهر پیرانشهر سبب افزایش درآمد مردم و جذب سرمایه به این شهر شده است اما تغییراتی مانند افزایش قیمت زمین و مسکن در شهر را میتوان از جنبه های منفی این پدیده دانست که باعث بروز ناهنجاری هایی در کالبد - عملکردی در شهر پیرانشهر شده است. همچنین بخش زیادی از کاربری های مسکونی در بافت مرکزی شهر تبدیل به مجتمع های تجاری شده و مشکلات فزاینده ای را ایجاد کرده است. از جمله این مشکلات می توان به ازدحام و ترافیک، ایجاد آلودگی ها، عدم خدمات رسانی مناسب و کمبود تأسیسات و تجهیزات شهری خصوصاً در محدوده مرکزی شهر اشاره نمود. تحولات شدید کالبدی - فضایی شهر پیرانشهر و نقش مبهم مدیریت شهری در توسعه ساماندهی شهر بدون شک پویایی اقتصادی بر فضا و کالبد شهر نیز تأثیر گذار خواهد بود. ساختار کالبدی شهر پیرانشهر در چند سال اخیر به شدت تحت تأثیر پیامدهای اقتصاد مرزی قرار گرفته است. سرانه ها، فضاها و کاربری های شهری به ویژه در

مرکز جدید شهر متأثر از فضای کنونی متحول شده اند. جریان سرمایه مالی گسترده در این شهر به حوزه ساخت و ساز هدایت شده است. ساخت و ساز گسترده چند سال اخیر منجر به پراکنده رویی شهری شده است.

ما در این پژوهش در نظر داریم با توجه به مطالب ذکر شده، در پی پاسخ گویی به فرضیات زیر می باشیم:

۱. به نظر می رسد اثرات مبادلات مرزی بر کالبدی-عملکردی بازارچه های مرزی شهر پیرانشهر تاثیرگذار است.
۲. به نظر می رسد اثرات فضای شهری بر کالبدی-عملکردی بازارچه های مرزی شهر پیرانشهر تاثیرگذار است.
۳. به نظر می رسد اثرات توسعه پایدار بر کالبدی-عملکردی بازارچه های مرزی منطقه مرزی تاثیر گذار است.
۴. به نظر می رسد اثرات آمایش نواحی شهری بر کالبد -عملکردی بازارچه های مرزی شهر پیرانشهر تاثیرگذار است.
۵. به نظر می رسد اثرات اقتصاد شهری بر کالبد -عملکردی بازارچه های مرزی شهر پیرانشهر تاثیرگذار است.

۲- اهمیت و ضرورت تحقیق

یکی از معیارهای مورد بحث در این پژوهش، بررسی اثرات کالبدی - عملکردی بازارچه های مرزی بر نواحی شهری است. بازارچه های مرزی یکی از عوامل تاثیرگذار بر اقتصاد و تجارت و توسعه شهری محسوب می شود. بازارچه های مرزی با فراهم کردن زمینه سرمایه گذاری و معاملات اقتصادی باعث اشتغال و افزایش درآمد برای مردم شهر پیرانشهر شده است. در شهر مرزی پیرانشهر افزایش سرمایه و اقتصاد و مسکن بعد از احداث بازارچه های مرزی روند صعودی داشته است و با توجه به ضرورت و اهمیت تاثیر کالبد -عملکردی بازارچه های مرزی بر روی ساختار فضایی شهر و اینکه در کدام قسمت از شهر بیشتر تاثیر گذاشته است انجام این تحقیق ضروری به نظر می رسد.

۳- پیشینه تحقیق

جدول (۱): نمونه هایی از مهمترین مطالعات خارجی و داخلی مرتبط با موضوع تحقیق

محقق	عنوان مطالعه	نکات کلیدی و نتایج
Herzog, Lawrence A. (1991)	ساختار شهری فراملی در دوره شهرهای جهانی (مادرشهرهای فرامرزی ایالات متحده و مکزیک)	بر اساس یافته های تحقیق، یکی از پدیده های منطقه ای حرکت جمعیت، صنعت و سرمایه به سوی مناطق مرزی و سپس تغییر شکل نواحی شهرنشین فراملی در امتداد برخی مرزهای ملی است. ظهور مراکز شهری در امتداد مرزهای بین المللی منعکس کننده یک الگوی ادغام تدریجی مناطق مرزی در چرخه اقتصادی و مالی نظام سیاسی-اقتصادی جهانی است. شهرهای فرامرزی، ساختار و تشکیلات خود را مدیون نقش در حال تغییر مرزهای بین المللی می دانند.
Arreola, Daniel D. & Curtis, James R. (1993)	شهرهای مرزی مکزیک: استخوان بندی چشم انداز و شخصیت مکان	محققان با اعام اینکه "مرز ایالات متحده با مکزیک منطقه ای فعال از نظر تعاملات و تبادلات فرامرزی است و مردم و محصولات، ایده ها و اطلاعات و سرمایه و فناوری به آسانی از مرز می گذرد"، تأیید می کنند که نیروهای فرامرزی همراه با شرایط اجتماعی اقتصادی، فناوری، روابط بین شهرها، ارزشهای فرهنگی و ایدئولوژی و... شهرهای مرزی را به شدت تحت تأثیر قرار داده اند؛ به طوری که ساختار شهری متفاوتی با سایر مناطق کشور در منطقه مرزی مورد مطالعه شکل گرفته است.
Portnov, Boris A. & Pearlmuter, David (1999)	رشد پایدار شهرها در نواحی مرزی	محققان در این مطالعه تأثیر عوامل متعددی همچون شرایط اقلیمی نامساعد، موقعیت مکانی، شرایط اقتصادی و سیاست های دولتی را بر رشد جمعیت شهری در مناطق مرزی بررسی می کنند و به تحلیل میزان نقش هر یک از آنها در ناپایداری جمعیت مناطق مرزی فلسطین اشغالی می پردازند. نتایج تحقیق نشان می دهد که شرایط رکود اقتصادی ناشی از کارکرد بازدارندگی مرزها از مهمترین عوامل مؤثر بر ناپایداری رشد جمعیت در این نواحی به شمار می رود.
Brzosko-Sermak, Agnieszka (2007)	بررسی اندیشه های نظری موقعیت مرزی شهرها	بر اساس یافته های تحقیق، مرزهای باز برای شهرها و حتی شهرهای غیرمرزی، شانس توسعه ایجاد می کنند. به نظر آنها شهرهای کوچک و بزرگ در مناطق مرزی، هدف اصلی اثرات مرزی هستند. این مکانها نه تنها موتور توسعه اقتصادی منطق های هستند، بلکه مراکز ابداع ایده ها و نوآوری فرهنگی، دگرگونی اجتماعی و تغییرات سیاسی می باشند.

محقق	عنوان مطالعه	نکات کلیدی و نتایج
Ni, Pengfei (2011)	شهرها به عنوان موتور جدید توسعه همکاری های چین و هند	یافته های تحقیق نشان می دهد که تعامل و همکاری شهرهای مرزی ناشی از تحول کارکرد مرزها می تواند همکاری در سطح ملی را تقویت کند، تجارت کالا و خدمات مورد نیاز را افزایش دهد و از تقسیم نیروی کار بهره برد و بنابراین یک موقعیت بُرد- بُرد را رقم زند و توسعه اقتصادی شهرها را تسریع نماید. به طور خلاصه، تعامل و همکاری شهرهای مرزی می تواند شرایط زندگی میلیونها نفر از مردم را بهبود ببخشد و رشد هماهنگ و متعادل را از نظر جهانی تقویت کند.
امین نژاد، ۱۳۸۱	مبانی جغرافیایی توسعه اقتصادی اجتماعی و کالبدی آتی شهرستان بانه	نتایج این بررسی تطبیقی حاکی از تفاوت های عمیق در ابعاد مختلف توسعه میان بانه با سایر نقاط استان و کشور می باشد. نتایج پژوهش نشان میدهد علاوه بر تفاوت میان مرکز پیرامون ها، در خود نواحی پیرامونی نیز، مرکز پیرامون های دیگری وجود دارد، که نادیده گرفتن آنها ممکن نیست.
محمدپور، علی و همکاران (۱۳۸۵)	نقش تحول کارکرد مرز بر فضای جغرافیایی بخش باجگیران در مرز ایران و ترکمنستان	نتایج این تحقیق نشان می دهد که بعد از بازگشایی مرز ایران و ترکمنستان در منطقه باجگیران، این منطقه شاهد تغییرات فضایی و جغرافیایی در زمینه های حمل و نقل، سکونتگاه های روستایی-شهری، ارتباطات و تأسیسات عمومی و دایر شدن تعداد زیادی از نمایندگی های ادارات و سازمانهای دولتی و غیردولتی و همچنین تغییر روند حرکت جمعیت به خصوص در شهر باجگیران بوده است؛ به طوری که نمای این شهر نسبت به قبل، تحولی اساسی داشته است.
موسوی، میرنجف و زنگی آبادی، علی (۱۳۹۰)	برنامه ریزی توسعه شهرهای مرزی- مطالعه موردی: استان آذربایجان غربی	در این پژوهش، تأثیر کارکردهای امنیتی، اجتماعی و اقتصادی مرز بر ساختار فضایی شهرهای مرزی استان آذربایجان غربی مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج تحقیق نشان می دهد که کارکردهای مرز به ویژه کارکرد اقتصادی آن بر ساختار فضایی شهرهای مرزی مؤثر است؛ به طوری که شهرهایی که دارای گمرک و بازارچه مرزی نبوده اند، از نظر شاخص های توسعه، وضعیت نامناسبی داشته اند. همچنین با ازدیاد جمعیت شهرهای مرزی، میزان امنیت در منطقه نیز افزایش داشته است.
(رفعیان و همکاران، ۱۳۹۲)	رابطه تحول کارکرد مرز با ارتقای وضعیت پیرامونی شهرهای مرزی (مطالعه موردی: شهرهای مرزی بانه وسقز)	یافته های تحقیق نشان میدهد که کارکرد مرز تحت تأثیر عواملی چون توسعه زیرساخت های ارتباطی و کاهش فاصله اجتماعی-فرهنگی با ساکنان آنسوی مرز متحول شده اند و رابطه معناداری میان تحول کارکرد مرز با ارتقای وضعیت پیرامونی شهرهای مرزی وجود دارد.

۴- روش تحقیق

تحقیق حاضر از نوع کاربردی و به لحاظ روش، توصیفی-تحلیلی بوده و روش تحقیق در رابطه با مبانی نظری پژوهش، شناخت و تحلیل داده ها اسنادی و کتابخانه ای و در رابطه با بررسی نمونه مورد مطالعه، مطالعات میدانی می باشد.

جامعه آماری این پژوهش شهروندان بالای ۱۵ سال در شهر پیرانشهر در سال ۱۳۹۶ می باشد که تعداد به طور تقریبی ۶۰۰۰۰ هزار نفر می باشد که حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران تعداد ۳۸۴ نفر مورد بررسی قرار خواهند گرفت. از آنجا که جامعه آماری گسترده بود و تراکم جمعیتی نیز در نقاط مختلف در شهر پیرانشهر متفاوت بود، از روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای که یکی از شیوه های نمونه گیری احتمالی است استفاده می باشد. و توزیع پرسشنامه و جمع آوری اطلاعات بر روی آنها صورت می گیرد. در این تحقیق برای برآورد حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده می شود و طبق این فرمول ۳۸۴ نفر در نمونه ی آماری ما قرار می گیرند. و به منظور سنجش پایایی پرسشنامه ی تحقیق با استفاده از آلفای کرونباخ محاسبه می شود. برای تعیین حجم نمونه این پژوهش از فرمول کوکران استفاده شده است. و مقدار دقت احتمالی آن $(d = 0.05)$ در نظر گرفته شده و مقدار p (احتمال وجود صفت) 0.05 و مقدار q (احتمال عدم وجود صفت) نیز 0.05 لحاظ شده است. و مقدار N حجم جامعه آماری می باشد. البته ذکر این نکته لازم است که اگر میزان احتمال صفت و احتمال عدم وجود صفت یعنی p و q در دست نباشد آنها را 0.05 می گیریم در غیر این صورت میزان موجود را محاسبه می کنیم. در این تحقیق برای برآورد حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده می شود.

۵- چارچوب نظری تحقیق

۵-۱- توسعه و آمایش مناطق مرزی

با توجه به اینکه برنامه‌ریزی منطقه‌ای بر دو مبحث توسعه منطقه‌ای و عدم تعادل منطقه‌ای استوار است و از آنجا که این موضوعات از مبانی نظری مشترکی برخوردارند (به گونه‌ای که مشکل عمده توسعه منطقه‌ای در عدم تعادل منطقه‌ای تفسیر و تحلیل می‌شود) با این وجود ممکن است آن‌ها را جدای از یکدیگر طرح و ارائه نمود. با توجه به اینکه مبانی نظری توسعه منطقه‌ای و تفسیر عدم تعادل‌های منطقه‌ای مبتنی بر منشاء اقتصادی یا جغرافیایی بوده است، عمدتاً نظریات برنامه‌ریزی منطقه‌ای توسط اقتصاددانان یا جغرافیدانان مطرح شده و تکامل یافته است. مفهوم بازار هم به عنوان اصلی‌ترین نمود اقتصاد به ویژه در جوامع در حال توسعه به عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی در مطالعه جامعه‌شناسی اقتصادی، همچنان تحت تسلط نظریه‌های اقتصادی است.

آمایش سرزمین هم که تلفیقی از سه علم اقتصاد، جغرافیا و جامعه‌شناسی است؛ شامل اقدامات ساماندهی و نظام بخشی به فضای طبیعی - اجتماعی - اقتصادی ملی یا محلی است. آمایش چیزی جدا از جریان برنامه‌های ملی و منطقه‌ای یک کشور نیست؛ بلکه چیزی در راستای آن می‌باشد. از نظر مفهومی آمایش سرزمین، تجلی فضایی محتوای برنامه‌های توسعه ملی است که در فضای سرزمین یک کشور و یا یک منطقه انعکاس پیدا می‌کند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۴۹) هدف از آن دستیابی به اصول مشترکی در کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای، پراکندگی فعالیت‌های اقتصادی و بهبود کیفیت زندگی می‌باشد. انسان، رفاه او و همچنین روابط متقابل او با محیط زیست، هسته مرکزی هر گونه اندیشه آمایشی را تشکیل می‌دهد. آمایش سرزمین می‌باید با تضمین کیفیت زندگی در یک محیط زیست مطلوب در خدمت شکوفایی شخصیت او باشد. آمایش سرزمین به طور همزمان تلاش دارد تا:

- توسعه متعادل اجتماعی و اقتصادی منطقه را تأمین نماید، توسعه مناطق عقب‌مانده را تقویت کند؛ تأسیسات زیربنایی را که برای برانگیختن بهبود اقتصاد مناطق در معرض انحطاط، یا مناطق درگیر با مسائل جدی در زمینه اشتغال و بیکاری را نگهداری و سازگار کند. همچنین مناطق حاشیه‌ای که دارای نیازهای ویژه و امکانات بالقوه ساختاری برای تجدید تعادل در زمینه اقتصادی و اجتماعی می‌باشند؛ باید به وجه مناسب‌تری با مراکز صنعتی و اقتصادی ارتباط یابند.

- کیفیت زندگی را اعتلا دهد. آمایش سرزمین باعث بهبود و پیشرفت شرایط زندگی روزمره می‌گردد. همچنین با ایجاد اشتغال و گسترش تأسیسات زیربنایی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، که پاسخگوی آمال اقشار گوناگون جمعیت می‌باشد، رفاه عمومی را افزایش می‌دهد و از طریق مکان‌گزینی صحیح، این امکانات را به نحوی مطلوب در دسترس همگان قرار می‌دهد (مؤمنی، ۱۳۸۱: ۳۱ و ۳۲).

هدف و آرمان چنین دیدگاهی توزیع فعالیت‌های عمرانی در پهنه سرزمین، اجرای استراتژی‌های بهزیستی برای فرد و جامعه، استفاده مطلوب از منابع طبیعی و نیروی انسانی در جهت کفایت اقتصادی و اجتماعی است. از مهمترین ویژگی آمایش سرزمین، نتیجه‌گیری‌های مکانی از محتویات استراتژی‌های توسعه ملی به عنوان عامل پیوند برنامه‌های کلان و برنامه‌های منطقه‌ای است (پوراحمد، ۱۳۸۱: ۶۰).

اصول آمایش سرزمین عبارتند از:

۱- ساختار فضایی مناطق با شرایط زیستی سالم، به ویژه با وضعیت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و اکولوژیکی متوازن، باید تأمین گردد و توسعه آن‌ها گسترش یابد. در مناطقی که در آن‌ها چنین ساختاری موجود نیست (علی‌الخصوص مناطق مرزی و محروم)، باید گامهایی برای بهبود ساختار آنها برداشته شود. آبادانی و بکارگیری با خدمات رسانی شبکه حمل و نقل و تأمین تدارک نیازمندیها را باید با توسعه مورد نظر هماهنگ کرد. در فاصله‌ای که در حد توقع مردم ساکن باشد باید مکان‌های مرکزی با تأسیسات مربوطه تقویت شوند.

۲- در مناطقی که در آنها شرایط زندگی در تمامیت آن به طور اساسی عقب‌مانده است، باید شرایط زیستی مردم، به ویژه فرصت‌های شغلی، وضعیت‌های مسکونی، شرایط زیست محیطی، همچنین تأسیسات ارتباطی، خدمات‌رسانی و تأمین تدارک نیازمندی‌ها، عموماً بهبود یابد.

۳- برای مناطق روستایی و محروم باید تلاش شود تا تراکم کافی جمعیت فراهم آید. همچنین بر تجهیز مناسب با تأسیسات خدماتی، حمل و نقل عمومی و سایر تأسیسات تأمین و تدارک نیازمندیها باید اهتمام ورزید (مؤمنی، ۱۳۸۱: ۱۷-۱۵).

ضرورت تام دارد که در مناطق محروم و مرزی شرایط زندگی قابل قبولی با توجه به کلیه جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و اکولوژیکی، به علاوه تجهیزات و تأسیسات زیربنایی ایجاد شود. اصلاح شرایط زندگی، گسترش شبکه حمل و نقل عمومی و مهمتر از همه تدابیری جهت کاهش جابجایی‌های شدید جمعیتی و مهاجرت مرزنشینان به مراکز شهری بزرگ اندیشیده شود. در این میان مناطق و فضاها مرزی بیشتر از تمامی نقاط دیگر سیاست هماهنگی بین کشورها را ایجاب می‌کند. هدف چنین سیاستی باید این باشد که مرزها را باز کنند، مشورت‌ها و همکاری‌های بین مرزی و ورای مرزی را برقرار نمایند. وضعیت خاص جغرافیایی استانهای مرزی و برخی شرایط اجتماعی - سیاسی دیگر در این استان‌ها، حکایت از وجود شکاف‌های عمیق میان این مناطق و دیگر مناطق کشور دارد. مسائل مربوط به توزیع ثروت، قدرت و منزلت در این مناطق جدی است. روند مرکزگرایی منجر به بروز نوعی عدم تعادل شده به گونه‌ای که ما شاهد ارتقای سطح استانداردهای زندگی در استان‌های مرکزی و کاهش آن در مناطق مرزی هستیم. از حیث امنیتی این پدیده منفی ارزیابی شده و می‌تواند واکنش‌هایی را به دنبال داشته باشد (علینقی، ۱۳۷۸: ۱۲۸). ناهماهنگی توسعه مناطق و نابرابری‌های نواحی موجود و نیز شهرنشینی شتابان و ناهماهنگی توسعه شهر و روستا، همچنین مرکز و پیرامون کشور در اثر استقرار فعالیت‌های اقتصادی و تسهیلات خدماتی در مراکز شهرهای بزرگ کشور، سبب جدایی کامل مناطق حاشیه و مرکز و تخلیه این مناطق از جمعیت و امکانات گردیده است (پوراحمد، ۱۳۸۱: ۶۰).

در نتیجه توجه به مرکز و تمرکز امکانات در مراکز شهری و صنعتی کشور، شهرها کانون جذب ثروت‌ها شدند که نتیجه آن توسعه و گسترش زیرساخت‌های صنعتی و اقتصادی شهری بود و شهرگرایی بیشتر به تمرکز شهری منجر شد. مسأله تمرکز و شهرگرایی باعث اختلاف درآمد نواحی مرکز و پیرامون گردید لذا سبب بروز مهاجرت‌های روزافزون به این مراکز شد. پدیده مهاجرت اولاً سبب گسترش توسعه فیزیکی شهرها و گسترش حاشیه‌نشینی و زاغه‌نشینی شد. نتیجه این جریان، رشد شهرنشینی در کشور و در نهایت به هم ریختگی، ناموزونی و عدم تعادل فضایی کشور گردید (پوراحمد، ۱۳۸۱: ۶۱ و ۶۲).

از اولین نظریه‌های مربوط به توسعه منطقه‌ای و تفسیر کننده عدم تعادل منطقه‌ای می‌توان به نظریه‌های مکان مرکزی اشاره نمود. این نظریه که در سال ۱۹۳۳ براساس مطالعات والت کریستالر در مناطق هموار جنوب کشور فرانسه ارائه گردید، مبنای نظریه پردازی‌های دیگر قرار گرفت. بر اساس این نظریه در مناطق هموار توزیع جمعیت، فعالیت و به تبع آن خدمات به شکل مراکز سلسله مراتبی در پهنه سرزمینی صورت می‌گیرد که شکل قرارگیری آن‌ها در کنار یکدیگر به شکل کریستال‌های منظم هندسی نمایش داده می‌شود. یعنی توزیع خدمات به جمعیت از طریق مراکزی که در فواصل منظمی از یکدیگر در کل منطقه پراکنده اند، صورت می‌گیرد (شکوئی، ۱۳۸۹: ۲۳۶-۲۳۰). این نظریه مفاهیم مرز مناطق، عدم تعادل بین مراکز و نواحی دور از آنها با یکدیگر را تبیین می‌کند.

پس از کریستالر، نظریه قطب رشد توسط فرانسوا پرو در سال ۱۹۵۵ ارائه گردید. طبق این نظریه، توسعه را باید از یک قطب رشد شروع کرد که شعاع آن بعد از توسعه قطب خود به خود به اطراف پراکنده و منتشر می‌شود (دارونت، ۱۳۷۳: ۵۲). در حقیقت نظریه قطب رشد با پذیرفتن پدیده عدم تعادل منطقه‌ای (بین قطب رشد و نواحی دور از قطب) آن را لازمه توسعه کشورها یا مناطق بزرگ می‌داند. پس از آن، نظریه مراکز رشد توسط جان فریدمن ارائه شد تا کاستی‌های نظریه قطب رشد را مرتفع سازد. سپس فریدمن پایه‌های نظریه مرکز - پیرامون را بنا نهاد تا پدیده عدم تعادل منطقه‌ای را به عنوان یکی دلایل اساسی توسعه نیافتگی عنوان نماید. پایه‌های نظری فوق که به پدیده عدم تعادل منطقه‌ای و دلایل توسعه نیافتگی مناطق می‌پردازد، در سال‌های بعد توسط پژوهشگران برنامه‌ریزی منطقه‌ای در رابطه تفسیر عدم تعادل منطقه‌ای میان مناطق مرکزی و مناطق مرزی به کار گرفته شد. "نایلز هانسون" ۱ با مطالعاتی که در مناطق مرزی بین آلمان، سوئیس و فرانسه انجام داد، با استناد به نظریه کریستالر، سعی در تفسیر پدیده عدم تعادل منطقه‌ای در آن نواحی داشته است. ژاندارم نیز سعی در تفسیر مشکلات عدم تعادل منطقه‌ای و توسعه نیافتگی مناطق مرزی با استناد به نظریه قطب رشد داشت. او معتقد بود که موانع گمرکی، ناتوانی در بهره برداری از منابع طبیعی، وجود گرایش‌های غلط در زمینه احداث راه‌های حمل و نقل موازی با مرزها به جای احداث و توسعه راه‌ها به درون کشور همجوار و مشکلات عرضه و تقاضا به دلیل تلفیق بازار کار، عوامل عدم تعادل منطقه‌ای در مناطق مرزی و توسعه نیافتگی آن‌هاست.

پس از هانس و ژاندارم، "فیلیپ جونز" و "تریور وایلد" با اتکا بر پایه‌های نظری مکان مرکزی کریستالر و کارهای لوش سعی در تفسیر پدیده عدم تعادل منطقه‌ای و عقب ماندگی مناطق مرزی نمودند. آنها معتقد بودند که شرایط نامساعدی در مناطق مرزی، مانند هزینه‌های امنیتی بالا، گسیختگی فضایی ایجاد شده توسط خطوط مرزی از مناطق داخلی عقب‌تر بماند. آنها همچنین به پیروی از روملی و مینچی (۱۹۹۱) معتقدند که نواحی مرزی علاوه بر پدیده توسعه نیافتگی ناشی از موقعیت جغرافیایی آن (به عنوان مناطق دور از مرکز) تأثیرات مستقیمی در ساختار فضایی و کالبدی کل کشور نیز دارند. بر اساس مطالب فوق و با استفاده از یافته‌های نظری هانس، جونز و وایلد می‌توان موارد زیر را به عنوان شاخص‌های مناطق مرزی که طرح‌های توسعه باید بر آنها استوار گردند به استخراج نمود:

- ۱- توسعه نیافتگی مناطق مرزی ناشی از دو عامل عمده دوری از مرکز جغرافیایی و دیگری عدم رشد اقتصادی به دلیل پایین بودن سطح امنیت است.
- ۲- برای توسعه نواحی مرزی، لازم است ظرفیت سازی و تحرک اقتصادی صورت گیرد. ظرفیت سازی با برنامه‌های توسعه منطقه‌ای امکان پذیر است و تحرک اقتصادی از طریق سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های اقتصادی مناسب منطقه تحقق می‌یابد.
- ۳- به دلیل ضعف ساختارهای زیر بنایی در مناطق مرزی، هرگونه اقدام و سرمایه‌گذاری توسعه‌ای با محدودیت‌های زیاد مواجه می‌گردد. برای تحقق توسعه مناطق مرزی باید این مسائل را شناسایی و اقدام مضاعفی انجام داد (عندلیب، ۱۳۸۳).

به گردش درآمدن چرخه مبادلات تجاری باعث توسعه اقتصادی و ایجاد امنیت اجتماعی، بالاخص شکوفایی امکانات زیستی مرز نشینان و روستاهای حاشیه مرزی خواهد بود. با توجه به اینکه اکثر مناطق حاشیه مرزی به جهت شرایط اقلیمی و عدم وجود منابع کافی آب و خاک حاصلخیز، از اشتغال مولد و رفاه اجتماعی مناسب برخوردار نیستند. تمرکز یا فشردن جمعیت در محیط روستایی و استقرار صنایع کوچک توأماً با مراکز تجارت مرزی، به طور کلی عامل قدرت رقابت اقتصادی محیط روستا با محیط شهری را فراهم خواهد ساخت. همچنین ایجاد مراکز تجارت مرزی می‌تواند توأماً با فعالیت مناطق مرز نشین و شهرهای همجوار گرایش تحرک جمعیتی را در توسعه بخش خدمات بازرگانی و حمل و نقل، توریسم و سرمایه‌گذاری مشترک تولیدی سوق داده و به عنوان نقطه تلاقی محور اقتصادی، سیاسی و فرهنگی به شمار آید. بنابراین با توجه به اینکه بخشی از فضاهای حاشیه‌ای کشور به دلیل برخی از ملاحظات سیاسی، نظامی، اقلیمی از حیث توزیع جمعیتی و معیشتی و امکانات زیربنایی در محرومیت به سر می‌برند؛ در این رهگذر راه‌اندازی مراکز تجاری مرزی برای تعمیم عدالت اجتماعی، سیاست حفاظت از مرزهای جغرافیایی همسو با بهینه سازی توانایی بالقوه و بالفعل اهالی مرز نشین مؤثر خواهد بود (ساده‌دل، ۱۳۸۵: ۳۰ و ۳۱).

۵-۲- آمایش سرزمین و جایگاه بازارچه‌های مرزی در آن

تردیدی نیست که یکی از مهمترین و اثرگذارترین مفروضات بر طرح آمایش سرزمین، موضوع چگونگی مناسبات کشور با سایر کشورها و نقش جایگاه آن در مقیاس بین المللی است. بدون داشتن یک دیدگاه مشخص نسبت به روابط ایران و چگونگی مناسبات اقتصادی و فرهنگی کشور با سایر کشورها (خصوصاً کشورهای منطقه) طرح آمایش سرزمین نمی‌تواند دارای تحول آفرینی مورد انتظار باشد. آمایش مناطق مرزی عبارت است از سازماندهی فضایی مناطق مرزی که به منظور بهره‌برداری مطلوب و مناسب از مزیت‌های این مناطق در راستای منافع ملی و در چارچوب توسعه و امنیت کشور. شایان ذکر است این امر از طریق توزیع بهینه جمعیت و فعالیت در پهنه جغرافیایی مناطق مرزی امکان پذیر خواهد بود. به گونه‌ای که هر یک از این مناطق با قابلیت‌ها، نیازها، محدودیت‌ها و تهدیدات مربوط به امنیت و دفاع در آن از طیف مناسبی از فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، نظامی و امنیتی برخوردار بوده و امکان رشد مادی و معنوی را برای ساکنین این مناطق فراهم سازد.

برای پیشبرد امر برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای آمایش سرزمین وظایف زیر را عهده‌دار است:

تهیه طرح‌های توسعه و عمران منطقه‌ای و ناحیه‌ای با تأکید بر برنامه‌ریزی‌های یکپارچه توسعه شهری و روستایی؛
حفظ و نگهداشت جمعیت در محیط‌های روستایی و محروم مرزی متناسب با توان‌های محیطی از طریق توسعه بخش‌های نوین اقتصادی و ایجاد حرفه‌های جدید.

هدف‌های برنامه‌ریزی آمایش سرزمین درباره توسعه پایدار و وضع زندگی همگن ایجاب می‌کند که علاوه بر توجه به کارکردهای شهری، امکانات مردمی هم که در مناطق مرزی و محروم به سر می‌برند، بهبود یابد. در دهه‌های اخیر بسیاری از این مناطق بر اثر ایجاد تنوع در ساختارهای اشتغال آن‌ها و استقرار بنگاه‌های جدید صنعتی و خدماتی، توسعه بسیار مثبتی داشته‌اند. در مواردی وضع زیرساخت‌ها نیز بهتر شده و عده‌ی زیادی را ماندگار در آن نواحی کرده است. با این حال هنوز در حاشیه مرزها مناطقی هستند که جمعیت خود را از دست می‌دهند. آمایش سرزمین توجه خاصی با این نواحی دارد (توفیق، ۱۳۸۴: ۳۲۶) از جمله گام‌های مشخص که برای حل مشکلات و ایجاد اشتغال و تثبیت جمعیت در مناطق مرزی برداشته شده است، ایجاد بازارچه‌های مشترک مرزی با کشورهای همسایه بوده است.

با توجه به مباحث فوق جایگاه بازارچه‌های مرزی را در برنامه‌ریزی آمایش کشور می‌توان به صورت ذیل بیان کرد:

- ۱- بازارچه‌های مشترک مرزی به واسطه عملکرد فراملی تأثیر به سزایی در برنامه‌ریزی کالبدی مناطقی از دو سوی مرز، و مربوط به دو کشور همجوار دارد.
 - ۲- حمل و نقل و ترانزیت کالا به سمت داخل و خارج شبکه ارتباطی و مواصلاتی دو کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد.
 - ۳- بواسطه بارگذاری، ساختارهای اداری و رفاهی در منطقه مرزی نیاز به توجه خاصی از سلسله مراتب و تنظیم امور اداری از سوی داخلی به سمت مرز بوده که بایستی بر اساس برنامه‌های رفاهی پیش بینی شود.
- با توجه به نقش مهم بازارچه‌ها در ایجاد اشتغال و تثبیت جمعیت، گام مثبت و مهمی در برنامه ریزی کشور محسوب می‌گردد (فخرفاطمی، ۱۳۸۳: ۳۲ و ۳۳).

۳-۵- اهداف تشکیل بازارچه‌های مشترک مرزی

از سالیان بسیار دور بشر برای رفع مایحتاج خود به مبادله نیاز داشته و لذا پس از به وجود آمدن دولت‌ها، تجارت خارجی بشر امری مهم بوده است به طوری که امروزه این مبادلات نه تنها در تأمین نیازهای معیشتی انسان‌ها نقش مهمی را ایفا می‌نمایند، بلکه برای دستیابی به اهداف دیگری از جمله رشد و توسعه و رفاه افراد نیز انجام می‌گیرد. به عبارت دیگر تعادل معیشتی که ویژگی اصلی چرخه اقتصادی زندگی بشر در دوران قبل (دوران سنتی) بوده به تعادل رفاه (رشد و توسعه) در دوران مدرن مبدل شده است. مبادلات مرزی نیز که بخشی از بازرگانی خارجی می‌باشد، مسلماً نمی‌تواند جدای از این مقوله باشد. در گذشته علت اصلی برقراری تسهیلات برای ساکنین نقاط مرزی جلوگیری از تخلیه این مناطق و اثرات سوء آن بوده است ولی در سال ۱۳۶۱ سازمان مرکزی تعاون کشور به جهت ساماندهی افراد مرزنشین، تصمیم به تشکیل تعاونی‌های مرزی گرفت (وزارت بازرگانی، ۱۳۷۹: ۱۰). تأسیس بازارچه‌های مرزی و توسعه مبادلات از طریق این واحدها عمدتاً به استناد ماده ۱۱ قانون مقررات و صادرات (ماده ۱۱ قانون مقررات صادرات و واردات به دولت وقت اختیار می‌داد با تشخیص مصلحت و رعایت اولویت‌هایی مانند استعدادهای محلی، ضرورت و میزان ایجاد اشتغال و توسعه روابط تجاری با کشورهای همجوار نسبت به تأسیس بازارچه‌های مرزی اقدام نماید) (قانون مقررات صادرات و واردات، ۱۳۴۴). و با اولویت دادن به هدف‌های زیر صورت گرفته است:

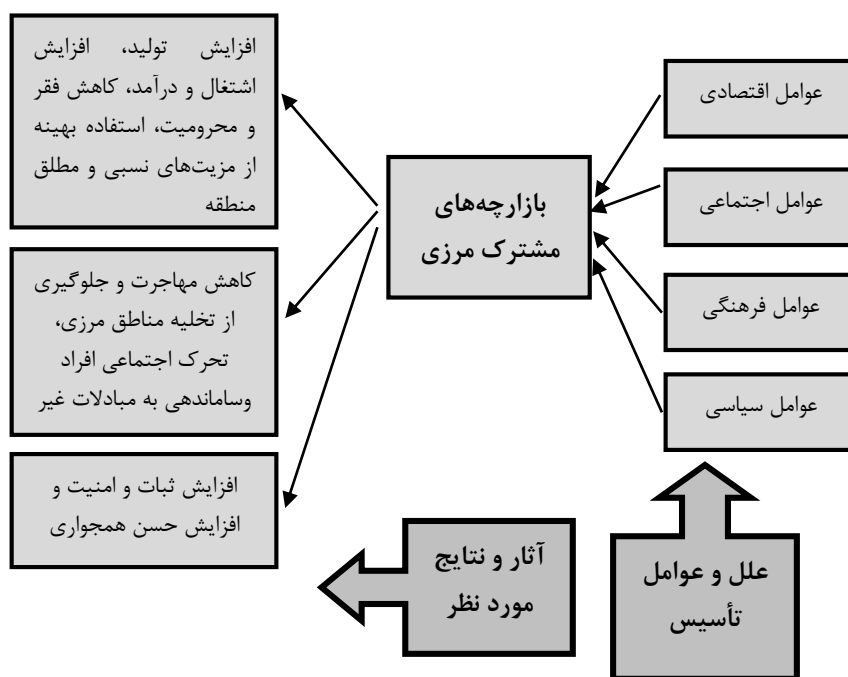
۱. ایجاد زمینه‌های اشتغال؛
۲. تأمین نیازهای کالایی مردم مرزنشین؛
۳. کاهش قاچاق مرزی؛
۴. تثبیت جمعیت مرزنشین در نواحی مرزی و در این راستا افزون سازی ضریب امنیت در نقاط استراتژیک؛
۵. رونق بخشیدن به اقتصاد مناطق مرزنشین؛
۶. وقوف بر امکانات بالقوه تجاری کشورهای همسایه و گشودن باب مراودات با آن‌ها.

۴-۵- منافع ایجاد شده در اثر تأسیس بازارچه‌های مرزی

منافع ایجاد شده توسط بازارچه‌های مرزی را می‌توان به منافع مستقیم یا اولیه و منافع غیر مستقیم یا ثانویه، منافع ناملموس و منافع ملی تقسیم‌بندی نمود:

۱. منافع مستقیم ایجاد بازارچه: منافع مستقیمی که بازارچه ایجاد می‌کند، به صورت افزایش رفاه مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان است که به صورت افزایش عرضه کالا و خدمات و سود ناشی از آن خود را نمایان می‌سازد.

۲. منافع غیر مستقیم: شامل عوارض و مالیات‌هایی است که دولت از ایجاد بازارچه‌ها به دست می‌آورد. افزایش سود شرکت‌های فعال در امر صادرات و واردات، رشد منافع در اثر ایجاد واردات مواد اولیه و همچنین اشتغال ایجاد شده توسط بازارچه‌ها از منافع غیر مستقیم به شمار می‌رود.
۳. منافع ناملموس: شامل منافی است که محاسبه ریالی آن مشکل و تا حدودی غیر ممکن است. در مورد بازارچه‌های مرزی می‌توان منافع ناملموس را به صورت نگرانی مردم نسبت به تأمین کالاهای ضروری عنوان نمود.
۴. منافع ملی: این منافع شامل منافی هستند که اهداف دولت را برآورده می‌سازند. به عبارت دیگر، در اثر ایجاد بازارچه‌های مرزی یکسری منافی برای دولت ایجاد می‌شود؛ از قبیل بهینه‌تر شدن توزیع درآمد، افزایش سطح اشتغال، فزایش سطح مصرف و... که البته منافع ملی را نیز می‌توان در زمره منافع غیر مستقیم به شمار آورد (پیشرو، ۱۳۷۹: ۶). می‌توان گفت که منافع ایجاد شده توسط بازارچه‌ها می‌تواند رشد و توسعه اقتصادی منطقه و استان را تسریع بخشد و سبب افزایش سطح رفاه مردم گردد.



نمودار ۱: کارکردهای مورد نظر از تشکیل بازارچه‌های مرزی (منبع: پیر بوداکی: ۱۳۷۹)

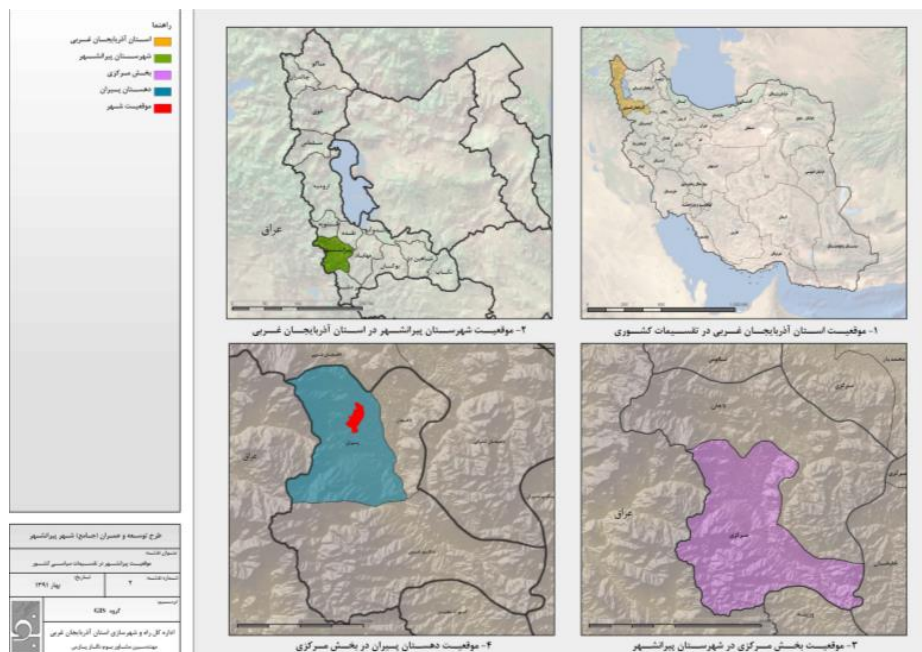
۶- تجزیه و تحلیل

از آن جایی که هر پژوهش به دنبال اهداف خاص خود می‌باشد و رسیدن به آن اهداف می‌تواند موضوع پژوهش را توجیه نماید لذا انجام پژوهش، تجزیه و تحلیل آماری و بررسی یافته‌های محققان و پژوهشگران را به سوی شناخت بهتر هدایت و زمینه را برای پژوهش‌های بعدی آماده می‌سازد. در این فصل داده‌های گردآوری شده، در دو بخش مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. در بخش اول به بررسی آمار توصیفی و در بخش دوم به آمار استنباطی اشاره می‌گردد. در بخش اول، اطلاعات توصیفی متغیرهای جمعیت‌شناختی به صورت جداول توزیع فراوانی و درصد ارائه شده است. در بخش دوم نیز نتایج مربوط به سؤالات با استفاده از آمار استنباطی ارائه گردیده است.

۶-۱- قلمرو تحقیق

موقعیت و مختصات جغرافیایی: مختصات جغرافیایی شهرستان پیرانشهر از ۳۶ درجه و ۲۴ دقیقه تا ۳۶ درجه و ۵۷ دقیقه طول شرقی و از ۴۴ درجه و ۵۰ دقیقه تا ۴۵ درجه و ۳۲ دقیقه عرض شمالی قرار دارد و از شمال به اشنویه و نقده، از جنوب به سردشت، از شرق به مهاباد و از غرب به کشور عراق محدود است. شهر پیرانشهر با مساحتی در حدود ۶۳۲ هکتار در

مختصات ۴۵ درجه و ۸ دقیقه ی طول شرقی و ۳۶ درجه و ۴۱ دقیقه ی عرض شمالی قرار دارد و مرکز شهرستان پیرانشهر می باشد.



تصویر ۱: موقعیتی شهر پیرانشهر و مرز تمرچین. منبع: طرح جامع شهر پیرانشهر

شهر پیرانشهر با جمعیت در حدود ۹۵۷۱۶ نفر در سال ۱۳۹۵ (مرکز آمار ایران) در شمال غرب کشور و در ۱۲ کیلومتری مرز ایران و عراق قرار دارد. این شهر دارای شرایط ویژه ای است که ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و کالبدی متفاوتی را برای آن به وجود آورده است. این شهر دارای نقش های مرزی- گمرکی، حاشیه ای، استراتژیکی- نظامی، مرکزیت سیاسی، است. در ادامه به طور خلاصه هر یک از نقش ها و عملکردهای شهر پیرانشهر مورد بررسی قرار گرفته اند.

نقش مرزی-مبادلات برون مرزی: شهر پیرانشهر بعنوان مرکز شهرستان پیرانشهر مرکز منطقه ای است که دارای مرز مشترک با کشور عراق (کردستان عراق) می باشد. شهر پیرانشهر با نام و ساختار کنونی شهری جوان و با عمر کمتر از ۵۰ سال می باشد. اما به طور تاریخی منطقه ای که شهر پیرانشهر در آن قرار گرفته است بعنوان یک منطقه مرزی بوده است. موقعیت منطقه پیرانشهر را به بستر حرکت اقوام مختلف و ورودگاه دول متخاصم تبدیل کرده است. جنگ اخیر ایران و عراق و نا امنی های پس از آن از جمله حوادثی بوده است که شهر مرزی پیرانشهر را غافلگیر کرد و شوک جمعیتی و کالبدی کم سابقه ای به آن وارد نمود. بر اساس آمارهای مرکز آمار ایران، این شهر در دهه ۵۵-۶۵ شهری مهاجر فرست بوده که ناشی از حوادث زمان جنگ بوده است. پس از پایان جنگ ایران و عراق و برقراری نسبی آرامش و امنیت در شهر به یکباره روند رشد جمعیتی شهر افزایش یافت و نرخ رشد شهر در دهه ۶۵-۷۵ به بیش از ۹ درصد رسید. روند رشد جمعیت شهر در طی دهه اخیر نیز ادامه یافت و جمعیت شهر در سال ۱۳۸۵ به ۵۸۱۷۷ نفر رسید. موقعیت مرزی ویژه این شهر و قرار گیری در فاصله ۱۲ کیلومتری بازارچه مرزی تمرچین و تغییر شرایط سیاسی در کشور عراق به خصوص در سالهای اخیر باعث افزایش حجم مبادلات کالا و حتی خدمات از طریق مرز تمرچین گردیده و این موضوع باعث رونق شهر شده است (طرح جامع شهر پیرانشهر، ۱۳۹۲).

نقش استراتژیکی-نظامی: به دلیل موقعیت استراتژیکی خاص منطقه، پادگان های متعددی در اطراف پیرانشهر ساخته شده است که از جمله آن ها پادگان پیرانشهر، جلدیان و پسوه را می توان نام برد. وجود این مراکز نظامی و انتظامی و حضور نظامیان در شهر، بر سیمای اجتماعی و اقتصادی شهر موثر بوده است.

نقش مرکزیت سیاسی: شهر پیرانشهر بعلاوه موقعیت ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک خود از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد. علی رغم عمر نسبتاً کوتاه این شهر، روند رشد و اهمیت یافتن این شهر از نظر سیاسی بسیار سریع بوده است.

موقعیت حاشیه ای: به رغم تمام نقش ها و موقعیت های مثبتی که ناظر بر رشد پیرانشهر بوده است مجموعه ی شاخص های توسعه نشان می دهد که این شهر در منطقه ای با موقعیت " حاشیه ای " واقع شده است. این موقعیت مضمونی اقتصادی - اجتماعی دارد و شهر پیرانشهر و قلمروهای پیرامونی آنرا بعنوان محدود های مطرح می کند که در اندازه های مورد انتظار ظاهر نشده و منفصل از مجموعه های توسعه در مقیاس ملی است. این ویژگی را مقدم بر هر عامل دیگر باید ناشی از موقعیت جغرافیایی آن نسبت به قطب ها و مراکز رشد و محورهای توسعه ملی دانست.

انزوای منطقه پیرانشهر نسبت به استخوانبندی توسعه ملی امکان رشد برونزا (تاثیر پذیری از امواج توسعه مناطق خارج از منطقه) را عملاً منتفی و ضرورت تبدیل آن به یک کانون مستقل رشد را مطرح کرده است. انزوای جغرافیایی، بعد فاصله با کانون های اصلی تحول در سطح ملی و وجود بقایای مناسبات ما قبل صنعتی (قبیله ای - طایفه ای) ضمن اینکه روند توسعه منطقه را با درنگ مواجه کرده است، بر تحرکات و فعل و انفعالات جمعیتی آن نیز بسیار تاثیرگذار بوده است. عوامل فوق که چسبندگی و همجوشی با اقتصاد و فرهنگ ملی را به تاخیر انداخته است موجب شده تا افق های مهاجرت در منطقه محدوده گردد و مهاجرت های از روستا به شهر در دایره محدوده منطقه تحقق یابد. به عبارت دیگر، شرایط تاریخی و فرهنگی منطقه امکان ریسک پذیری ساکنین برای مهاجرت به نواحی خارج از منطقه را به شدت کاهش داده و مراکز شهری واقع در منطقه را به مقصد اصلی مهاجرت ها تبدیل نموده است که این عامل (افق محدود مهاجرت)، یکی از مهمترین عوامل در افزایش سریع و ناگهانی جمعیت شهر پیرانشهر (بعنوان مقصد اصلی مهاجرت های منطقه ای) بوده است (طرح جامع شهر پیرانشهر، ۱۳۹۲).

بازارچه مشترک مرزی " تمرچین " پیرانشهر: این بازارچه در ۱۱ کیلومتری شهرستان پیرانشهر در نقطه مشترک مرزی بین ایران و عراق در محل روستای تمرچین واقع گردیده که به دلیل حساسیت جغرافیایی، اقتصادی و امنیتی از اهمیت ویژه ای برخوردار است و به همین دلیل در زمره بازارچه های امنیتی استان قرار گرفته است و سهمیه پیمان ارزی آن ۲۰ میلیون دلار می باشد. این بازارچه در سال ۱۳۷۴ افتتاح گردید و با داشتن مساحتی برابر ۲۵۰۰۰ متر مربع دارای ۳۶ غرفه است. این بازارچه دارای ساختمان اداری، بانک، سالن غذاخوری، باسکول، آب و برق و تلفن است. عمی ده کالاهای صادراتی این بازارچه عبارتند از: سیمان، صنایع فلزی، میلگرد، مواد غذایی، بیسکویت، لوازم برقی، لوازم صنعتی، مصالح ساختمانی، سبب درختی، آلو، هلو، فرش ماشینی، نوشابه، شیشه و... عمده کالاهای وارداتی نیز عبارتند از: ماشین آلات سنگین و قطعات و لوازم آنها، لوازم صوتی و تصویری، جاروبرقی و سایر لوازم خانگی. با عنایت به میل خرید کالاهای ایرانی در شمال عراق و با توجه به تسهیلات ایجاد شده در مرز تمرچین پیرانشهر، در حال حاضر به طور متوسط روزانه حدود ۲۰۰ کامیون کالای ایرانی از طریق این مرز به عراق صادر می گردد. با توجه به تحویل و تخلیه بارها در محوطه بازارچه به همین تعداد یعنی ۲۰۰ کامیون عراقی جهت تخلیه و بارگیری کالاهای صادراتی مزبور به سمت بازارچه ایرانی وارد می شوند. با این اوصاف به طور متوسط روزانه جمعاً ۴۰۰ دستگاه کامیون اعم از کامیون های ایرانی و عراقی به این بازارچه وارد می شوند. با عنایت به آمار و ارقام موجود و مقایسه های انجام شده از نظر ارزشی، از کل صادرات بازارچه ای کشور ۱۹/۸ درصد آن مربوط به صادرات بازارچه مرزی تمرچین پیرانشهر بوده که از نظر حجم و ارزش در بین بازارچه های مرزی کشور رتبه نخست را به خود اختصاص داده است (سعیدی، ۱۳۹۲: ۹۴-۹۵).

۲-۶- یافته های توصیفی تحقیق

در این قسمت اطلاعات مربوط به پرسشنامه در زمینه مشخصات فردی شامل: سن، جنسیت، تاهل و میزان تحصیلات و شغل در جدولی منعکس و تشریح شد.

توصیف آزمودنی ها براساس نوع جنسیت: نتایج توزیع افراد نمونه بر اساس نوع جنسیت افراد نشان داد که ۲۸۹ نفر از پاسخ دهندگان مرد، و ۹۵ نفر زن هستند. مقادیر فراوانی و درصدی توزیع در جدول زیر نشان داده است.

جدول ۴-۱: توصیف آزمودنی ها براساس نوع جنسیت

متغیر	فراوانی	درصد
زن	۹۵	۲۵
مرد	۲۸۹	۷۵
مجموع	۳۸۴	۱۰۰

توصیف آزمودنی ها براساس وضعیت تاهل: توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب تاهل نشان داد که ۱۱۱ نفر از پاسخ‌دهندگان مجرد، و ۲۷۳ نفر متاهل هستند. مقادیر فراوانی و درصدی توزیع در جدول زیر نشان داده است.

جدول ۴-۲: توصیف آزمودنی ها براساس وضعیت تاهل

متغیر	فراوانی	درصد
مجرد	۱۱۱	۲۹
متاهل	۲۷۳	۷۱
مجموع	۳۸۴	۱۰۰

توصیف آزمودنی ها بر اساس سن: در این قسمت با استفاده از جدول و نمودار تعداد آزمودنی ها بر حسب سن آورده است همانگونه که در جدول نشان داده است. بیشترین فراوانی مربوط به گروه سنی ۳۰ تا ۴۰ سال با ۲۷ درصد و کمترین فراوانی مربوط به گروه سنی بالای ۵۰ سال با ۱۳ درصد فراوانی می باشد.

جدول ۴-۳: توصیف آزمودنی ها بر اساس سن

سن	فراوانی	درصد
کمتر از ۲۰	۶۲	۱۷
۲۰-۳۰	۹۰	۲۳
۳۰-۴۰	۱۰۱	۲۷
۴۰-۵۰	۸۰	۲۰
بالتر از ۵۰	۵۱	۱۳
مجموع	۳۸۴	۱۰۰

توصیف آزمودنی ها براساس وضعیت تحصیلات: توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب تحصیلات در ۶ مقطع در جدول نشان داده است. براساس نتایج به دست آمده بیشترین فراوانی مربوط به دانشجویان مقطع کارشناسی با تعداد ۹۷ نفر با درصد فراوانی ۲۵,۵ و کمترین فراوانی مربوط به دانشجویان کاردانی با تعداد ۳۶ نفر با ۱۰ درصد از کل پاسخگویان می باشد.

جدول ۴-۴: آزمودنی ها براساس وضعیت تحصیلات

معیار	تعداد	درصد فراوانی
زیر دیپلم	۵۸	۱۵
دیپلم	۷۴	۱۹,۵
کاردانی	۵۲	۱۳
کارشناسی	۹۷	۲۵,۵
ارشد	۶۷	۱۷
دکتری	۳۶	۱۰
مجموع	۳۸۴	۱۰۰

شغل: جدول شماره، اطلاعات مربوط به شغل افراد پاسخگو می باشد که ۷۳ نفر (۱۹ درصد) کارگر، ۹۵ نفر (۲۵ درصد) کارمند، ۱۰۵ نفر (۲۷ درصد) دارای شغل آزاد، ۵۱ نفر (۱۳ درصد) دارای بیکار، و ۶۰ نفر (۱۶ درصد) جزو طبقه سایر، هستند. این نتیجه نشان دهنده این است که بیشترین فراوانی مربوط به افراد آزاد می باشد.

جدول ۴-۵: توزیع پاسخگویان بر حسب شغل

شغل	فراوانی	درصد	درصد معتبر
کارگر	۷۳	۱۹	۱۹
کارمند	۹۵	۲۵	۲۵
آزاد	۱۰۵	۲۷	۲۷
بیکار	۵۱	۱۳	۱۳
سایر	۶۰	۱۶	۱۶
کل	۳۸۴	۱۰۰	۱۰۰

منطقه محل سکونت: جدول زیر اطلاعات مربوط به منطقه و محل زندگی پاسخگویان را شامل می شود که از نمونه ۳۸۴ نفری، ۱۳۷ نفر (۳۵/۶ درصد) ساکن در محدوده، ۱۰۳ نفر (۲۶/۸ درصد) به صورت پیاپی روی در محدوده، ۵۵ نفر (۱۴/۳ درصد) شاغل در محدوده، ۸۹ نفر (۲۳/۳ درصد) سایر در این محدوده زندگی می کنند.

جدول ۴-۶: توزیع پاسخگویان بر حسب منطقه محل سکونت

منطقه محل سکونت	فراوانی	درصد	درصد معتبر
ساکن در محدوده مورد نظر	۱۳۷	۳۵/۶	۳۵/۶
پیاپی روی در محدوده	۱۰۳	۲۶/۸	۲۶/۸
شاغل در محدوده	۵۵	۱۴/۳	۱۴/۳
سایر	۸۹	۲۳/۳	۲۳/۳
کل	۳۸۴	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰

۳-۶-آزمون فرضیات پژوهش

به نظر می رسد اثرات مبادلات مرزی بر کالبدی-عملکردی بازارچه های مرزی شهر پیرانشهر تاثیرگذار است. برای آزمون این سوال از آزمون رگرسیون خطی ساده (یک متغیر ملاک و یک متغیر پیش بین) در SPSS استفاده شده است. بر این اساس نتایج در جدول نشان داد که ضریب همبستگی بین مبادلات مرزی و کالبدی-عملکردی بازارچه های مرزی ۰,۳۲۸ است همچنین ضریب تعیین نیز تقریباً ۱۱ درصد محاسبه شده است یعنی اینکه حدود ۱۱ درصد از تغییرات کالبدی-عملکردی بازارچه های مرزی در اثر مبادلات مرزی اتفاق می افتد. همچنین مقدار F نشان داد که مبادلات مرزی تاثیر معناداری بر کالبدی-عملکردی بازارچه های مرزی دارد مقدار t نیز ۴,۸۳ شده است و با توجه به اینکه سطح معنی داری نیز کمتر از ۵ صدم است در نتیجه تاثیر مبادلات مرزی بر کالبدی-عملکردی بازارچه های مرزی تایید گردید.

جدول ۴-۷: میزان همبستگی و ضریب تعیین مبادلات مرزی و کالبدی-عملکردی بازارچه های مرزی

همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای استاندارد برآورد
.328	.107	.103	.80856

جدول ۴-۸: نتایج مقدار F بین مبادلات مرزی و کالبدی-عملکردی بازارچه های مرزی

مدل	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معنی داری
رگرسیون	15.270	1	15.270	23.357	.000 ^b
باقی مانده	126.831	383	.654		
مجموع	142.102	384			

جدول ۴-۹ نتایج ضریب رگرسیون ساده بین مبادلات مرزی و کالبدی-عملکردی بازارچه های مرزی

سطح معنی داری	t	ضرایب استاندارد	ضرایب غیر استاندارد		
		Beta	Std. Error	B	
.732	-.343		.686	-.236	ضریب ثابت
.000	4.833	.328	.193	.933	مبادلات مرزی

به نظر می رسد اثرات فضای شهری بر کالبدی-عملکردی بازارچه های مرزی شهر پیرانشهر تاثیرگذار است. نتایج رگرسیون خطی ساده برای همبستگی و تاثیر فضای شهری بر کالبدی-عملکردی بازارچه های مرزی نشان داد که ضریب همبستگی بین این دو متغیر ۰,۳۲۶ و ضریب تعیین نیز در حدود ۱۱ درصد است ضریب تعیین میزان تغییرات متغیر وابسته یعنی کالبدی-عملکردی بازارچه های مرزی در اثر متغیر مستقل یعنی فضای شهری را نشان می دهد مقدار F نیز برای تایید استفاده از رگرسیون معنی دار بوده است در نهایت با توجه به مقدار $t(4,80)$ و ضریب B سطح معنی داری کمتر از ۵ صدم شده است بنابراین در این پژوهش تاثیر فضای شهری بر کالبدی-عملکردی بازارچه های مرزی تایید گردید.

جدول ۴-۱۰ میزان همبستگی و ضریب تعیین فضای شهری و کالبدی-عملکردی بازارچه های مرزی

همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای استاندارد برآورد
.326a	.106	.102	.80911

جدول ۴-۱۱ نتایج مقدار F بین فضای شهری و کالبدی-عملکردی بازارچه های مرزی

مدل	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معنی داری
رگرسیون	15.097	1	15.097	23.060	.000b
باقی مانده	127.005	383	.655		
مجموع	142.102	384			

جدول ۴-۱۲ نتایج ضریب رگرسیون ساده بین فضای شهری و کالبدی-عملکردی بازارچه های مرزی

سطح معنی داری	t	ضرایب استاندارد	ضرایب غیر استاندارد		
		Beta	Std. Error	B	
.000	5.986		.287	1.719	ضریب ثابت
.000	4.802	.326	.073	.349	فضای شهری

به نظر می رسد اثرات توسعه پایدار بر کالبدی-عملکردی بازارچه های مرزی منطقه مرزی تاثیر گذار است. برای آزمون این سوال ضریب همبستگی و ضریب تعیین به ترتیب ۰,۸۴ و ۰,۷۰ به دست آمده است همچنین مقدار F نیز معنی داری را نشان داده است در نهایت نتایج ضریب رگرسیون ساده حاکی از آن است که ضریب B بین توسعه پایدار و کالبدی-عملکردی بازارچه های مرزی تقریباً ۰,۸۴، مقدار t برابر با ۲۱,۴۸ و در سطح ۵ صدم معنی دار شده است بنابراین تاثیر توسعه پایدار بر کالبدی-عملکردی بازارچه های مرزی با ۹۵ درصد اطمینان تایید می گردد.

جدول ۴-۱۳ میزان همبستگی و ضریب تعیین توسعه پایدار و کالبدی-عملکردی بازارچه های مرزی

همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای استاندارد برآورد
.839a	.704	.702	.46561

جدول ۴-۱۴ نتایج مقدار F بین توسعه پایدار و کالبدی-عملکردی بازارچه های مرزی

مدل	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معنی داری
رگرسیون	100.043	1	100.043	461.459	.000b
باقی مانده	42.059	383	.217		
مجموع	142.102	384			

جدول ۴-۱۵ نتایج ضریب رگرسیون ساده بین توسعه پایدار و کالبدی-عملکردی بازارچه های مرزی

سطح معنی داری	t	ضرایب استاندارد	ضرایب غیر استاندارد		
		Beta	Std. Error	B	
.000	6.983		.112	.780	ضریب ثابت
.000	21.482	.839	.034	.734	توسعه پایدار

به نظر می رسد اثرات آمایش نواحی شهری بر کالبد -عملکردی بازارچه های مرزی شهر پیرانشهر تاثیرگذار است. ضریب رگرسیون ساده برای سوال فوق حاکی از آن است که همبستگی بین آمایش نواحی شهری و کالبد -عملکردی بازارچه های مرزی ۰,۷۱ می باشد وبا توجه به ضریب تعیین ۵۰ درصد از تغییرات کالبد -عملکردی بازارچه های مرزی بر اساس آمایش نواحی شهری شکل می گیرد مقدار F نیز معنادار شده است که نشان از تاثیر متغیر پیش بین بر متغیر ملاک می باشد ضریب B نیز حدود ۰,۷۱ است که این ضریب با توجه به مقدار t که حدود ۱۴ است در سطح خطای ۵ صدم معنادار شده است بر این اساس نتیجه این سوال نیز تاثیر آمایش نواحی شهری را بر کالبد -عملکردی بازارچه های مرزی تایید نموده است.

جدول ۴-۱۶ میزان همبستگی و ضریب تعیین آمایش نواحی شهری و کالبد -عملکردی بازارچه های مرزی

همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای استاندارد برآورد
.709	.503	.501	.60320

جدول ۴-۱۷ نتایج مقدار F بین آمایش نواحی شهری و کالبد -عملکردی بازارچه های مرزی

مدل	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی داری
رگرسیون	71.516	1	71.516	196.555	.000b
باقی مانده	70.586	383	.364		
مجموع	142.102	384			

جدول ۴-۱۸ نتایج ضریب رگرسیون ساده بین آمایش نواحی شهری و کالبد -عملکردی بازارچه های مرزی

سطح معنی داری	t	ضرایب استاندارد	ضرایب غیر استاندارد		
		Beta	Std. Error	B	
.000	10.096		.132	1.328	ضریب ثابت
.000	14.020	.709	.044	.617	آمایش نواحی شهری

به نظر می رسد اثرات اقتصاد شهری بر کالبد -عملکردی بازارچه های مرزی شهر پیرانشهر تاثیرگذار است. نتایج رگرسیون خطی ساده برای همبستگی و تاثیر اقتصاد شهری بر کالبد -عملکردی بازارچه های مرزی نشان داد که ضریب همبستگی بین این دو متغیر ۰,۶۵۴ و ضریب تعیین نیز در حدود ۴۳ درصد است ضریب تعیین میزان تغییرات متغیر ملاک یعنی کالبد -عملکردی بازارچه های مرزی در اثر متغیر پیش بین یعنی اقتصاد شهری را نشان می دهد مقدار F نیز برای تایید استفاده از رگرسیون معنی دار بوده است در نهایت با توجه به مقدار t (۱۲,۰۲۸) و ضریب B سطح معنی داری کمتر از ۵ صدم شده است بنابراین در این پژوهش تاثیر اقتصاد شهری بر کالبد -عملکردی بازارچه های مرزی تایید گردید.

جدول ۴-۱۹ میزان همبستگی و ضریب تعیین اقتصاد شهری و کالبد -عملکردی بازارچه های مرزی

همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای استاندارد برآورد
.654a	.427	.424	.64776

جدول ۴-۲۰ نتایج مقدار F بین اقتصاد شهری و کالبد-عملکردی بازارچه های مرزی

مدل	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معنی داری
رگرسیون	60.701	1	60.701	144.665	.000b
باقی مانده	81.401	383	.420		
مجموع	142.102	384			

جدول ۴-۲۱ نتایج ضریب رگرسیون ساده بین اقتصاد شهری و کالبد-عملکردی بازارچه های مرزی

سطح معنی داری	t	ضرایب استاندارد	ضرایب غیر استاندارد		
		Beta	Std. Erro	B	
.000	10.168		.142	1.449	ضریب ثابت
.000	12.028	.654	.049	.592	اقتصاد شهری

۸- نتیجه گیری

از سالیان بسیار دور، بشر برای رفع مایحتاج و فروش مازاد تولید خود به مبادله نیاز داشته است. لذا پس از بوجود آمدن دولتها، تجارت خارجی بشر، امری مهم بوده است. بطوریکه امروزه بازرگانی خارجی نه تنها در تامین نیازهای معیشتی انسانها نقش عمده ای را ایفا می نماید، بلکه برای دستیابی به اهداف دیگری از جمله رشد و توسعه نیز انجام می گیرد. به عبارت دقیق تر تعادل معیشتی که ویژگی اصلی چرخه اقتصادی زندگی بشر در دوران قبلی (دوران سنتی) بوده به تعادل رفاه (رشد و توسعه) در دوران مدرن مبدل شده است. مبادلات مرزی نیز که بخشی از بازرگانی خارجی می باشد، مسلماً نمی تواند مبری از این مقوله باشد. این در حالی است که اگر بخش نفت را از بازرگانی خارجی جدا نماییم اهمیت این نوع مبادلات بسیار بیشتر می گردد. لذا به نظر می رسد که می بایستی همسوئی کاملی را بین اهداف بازرگانی خارجی و مبادلات مرزی جستجو نمود مرزهای کشور همواره محل دادوستد غیر قانونی (قاچاق) کالا بوده است. ساکنان مناطق مرزی اغلب افرادی هستند که زمینه های مساعد برای اشتغال سالم نمی یابند و به همین جهت به قاچاق و فعالیت های غیر قانونی برای کسب درآمد روی می آورند. آن گروه از ساکنان مناطق مرزی که خواستار کسب درآمدهای مناسب از فعالیتهای سالم اقتصادی بوده اند اغلب به لحاظ نیافتن زمینه های اشتغال مولد، این مناطق را رها کرده و به حاشیه شهرها مهاجرت کرده اند. مهاجرت ساکنان مناطق مرزی غالباً زمینه را برای از بین بردن امنیت و صلح فراهم می سازد و لذا حفظ ترکیب جمعیتی مناطق مرزی از نظر حفظ امنیت و تمامیت ارزی کشور اهمیت دارد. با این حال اگر زمینه اشتغال مناسب در این نواحی برای جمعیت فعال فراهم نشود، نمی توان مانع از مهاجرت ساکنان آن شد. نظری بر تاریخچه قوانین و مقررات صادراتی کشور بیانگر آن است که از اولین سالهای به نظم در آمدن فعالیتهای بازرگانی خارجی در ایران، ساکنین مناطق مرزی همیشه به عنوان گروهی جدا از دیگر عوامل بازرگانی کشور مطرح بوده اند و تسهیلاتی بیش از سایرین در اختیار داشته اند که اصولاً هدف از برقراری این گونه تسهیلات برای ساکنین نقاط مرزی، رفع نیازهای مردم و جلوگیری از قاچاق و تخلیه مناطق مرزی بوده است. یکی از محورهای مهم دولت برای توسعه صادرات کالا و خدمات غیر نفتی در استانهای مرزی ایجاد بازارچه ها و تعاونی های مرزنشین در این مناطق بوده است. در ابتدای ایجاد این تشکلهای دولت اهداف متعددی را در نظر گرفته است.

۸-۱ نتایج تحلیلی یافته ها

فرضیه یکم: اثرات مبادلات مرزی بر کالبدی-عملکردی بازارچه های مرزی شهر پیرانشهر تاثیرگذار است.

در این آزمون این سوال از آزمون رگرسیون خطی ساده (یک متغیر ملاک و یک متغیر پیش بین) در spss استفاده شده است بر این اساس نتایج در جدول نشان داد که ضریب همبستگی بین مبادلات مرزی و کالبدی-عملکردی بازارچه های مرزی ۰,۳۲۸ است همچنین ضریب تعیین نیز تقریباً ۱۱ درصد محاسبه شده است یعنی اینکه حدود ۱۱ درصد از تغییرات کالبدی-عملکردی بازارچه های مرزی در اثر مبادلات مرزی اتفاق می افتد. همچنین مقدار F نشان داد که مبادلات مرزی تاثیر معناداری بر کالبدی-عملکردی بازارچه های مرزی دارد مقدار t نیز ۴,۸۳ شده است و با توجه به اینکه سطح معنی داری نیز کمتر از ۵ صدم است در نتیجه تاثیر مبادلات مرزی بر کالبدی-عملکردی بازارچه های مرزی تایید گردید.

فرضیه دوم: اثرات فضای شهری بر کالبدی-عملکردی بازارچه های مرزی شهر پیرانشهر تاثیرگذار است.

نتایج رگرسیون خطی ساده برای همبستگی و تاثیر فضای شهری بر کالبدی-عملکردی بازارچه های مرزی نشان داد که ضریب همبستگی بین این دو متغیر ۰,۳۲۶ و ضریب تعیین نیز در حدود ۱۱ درصد است ضریب تعیین میزان تغییرات متغیر وابسته یعنی کالبدی-عملکردی بازارچه های مرزی در اثر متغیر مستقل یعنی فضای شهری را نشان می دهد مقدار F نیز برای تایید استفاده از رگرسیون معنی دار بوده است در نهایت با توجه به مقدار $t(4,80)$ و ضریب B سطح معنی داری کمتر از ۵ صدم شده است بنابراین در این پژوهش تاثیر فضای شهری بر کالبدی-عملکردی بازارچه های مرزی تایید گردید.

فرضیه سوم: اثرات توسعه پایدار بر کالبدی-عملکردی بازارچه های مرزی منطقه مرزی تاثیرگذار است.

برای آزمون این سوال ضریب همبستگی و ضریب تعیین به ترتیب ۰,۸۴ و ۰,۷۰ به دست آمده است همچنین مقدار F نیز معنی داری را نشان داده است در نهایت نتایج ضریب رگرسیون ساده حاکی از آن است که ضریب B بین توسعه پایدار و کالبدی-عملکردی بازارچه های مرزی تقریباً ۰,۸۴، مقدار t برابر با ۲۱,۴۸ و در سطح ۵ صدم معنی دار شده است بنابراین تاثیر توسعه پایدار بر کالبدی-عملکردی بازارچه های مرزی با ۹۵ درصد اطمینان تایید می گردد.

فرضیه چهارم: اثرات آمایش نواحی شهری بر کالبد -عملکردی بازارچه های مرزی شهر پیرانشهر تاثیرگذار است.

ضریب رگرسیون ساده برای سوال فوق حاکی از آن است که همبستگی بین آمایش نواحی شهری و کالبد -عملکردی بازارچه های مرزی ۰,۷۱ می باشد و با توجه به ضریب تعیین ۵۰ درصد از تغییرات کالبد -عملکردی بازارچه های مرزی بر اساس آمایش نواحی شهری شکل می گیرد مقدار F نیز معنادار شده است که نشان از تاثیر متغیر پیش بین بر متغیر ملاک می باشد ضریب B نیز حدود ۰,۷۱ است که این ضریب با توجه به مقدار t که حدود ۱۴ است در سطح خطای ۵ صدم معنادار شده است بر این اساس نتیجه این سوال نیز تاثیر آمایش نواحی شهری را بر کالبد -عملکردی بازارچه های مرزی تایید نموده است.

فرضیه پنجم: اثرات اقتصاد شهری بر کالبد -عملکردی بازارچه های مرزی شهر پیرانشهر تاثیرگذار است.

نتایج رگرسیون خطی ساده برای همبستگی و تاثیر اقتصاد شهری بر کالبد -عملکردی بازارچه های مرزی نشان داد که ضریب همبستگی بین این دو متغیر ۰,۶۵۴ و ضریب تعیین نیز در حدود ۴۳ درصد است ضریب تعیین میزان تغییرات متغیر ملاک یعنی کالبد -عملکردی بازارچه های مرزی در اثر متغیر پیش بین یعنی اقتصاد شهری را نشان می دهد مقدار F نیز برای تایید استفاده از رگرسیون معنی دار بوده است در نهایت با توجه به مقدار $t(12,028)$ و ضریب B سطح معنی داری کمتر از ۵ صدم شده است بنابراین در این پژوهش تاثیر اقتصاد شهری بر کالبد -عملکردی بازارچه های مرزی تایید گردید.

۸-۲ پیشنهادات

۱- با توجه به اینکه فعالیت بازارچه های مرزی طبق فرضیه اول تحقیق در توسعه صادرات استان نقش دارد، لذا پیشنهاد می شود جهت تسهیل فعالیتهای بازارچه اقدامات و حمایتهای لازم از طریق مراجع ذیصلاح صورت گیرد.

۲- با توجه به اینکه طبق فرضیه دوم تحقیق توسعه و تجهیز گمرکات و بازارچه های مرزی به ساماندهی مبادلات مرزی کمک شایانی می نماید، لذا پیشنهاد می گردد با بازدید از گمرکات سایر مناطق، در خصوص تجهیز کامل گمرکات استان اقدامات مقتضی به عمل آید.

۳- طبق تایید فرضیه سوم فعالیت بازارچه های مرزی در ایجاد اشتغال افراد ساکن در مناطق موثر است و این می تواند به عنوان یک نقطه قوت مورد توجه وزارت کار و سازمان آموزش فنی و حرفه ای قرار گیرد و با آموزشهای مربوطه در راستای کاهش معضل بیکاری فعال باشند.

۴- طبق فرضیه چهارم فعالیت بازارچه های مرزی باعث کاهش پدیده قاچاق کالا در منطقه می شود و این می تواند مورد توجه نیروی محترم انتظامی قرار گیرد و به عنوان یک اهرم قدرتی و کنترلی در جهت توان واحدهای تولیدی داخلی مورد استفاده قرار گیرد.

۵- فعالیت بازارچه های مرزی مطابق فرضیه پنجم باعث شناسایی مزیت های نسبی استان می گردد، لذا پیشنهاد می شود محققان، پژوهشگران موسسات تحقیقاتی و نیز سرمایه گذاران با اطلاع از نیاز بازارهای هدف در صدد مطالعه مزیت های نسبی منطقه بر آیند.

۶- مطابق تایید فرضیه ششم که فعالیت بازارچه های مرزی در تثبیت جمعیت مناطق مرزی نقش دارد لذا پیشنهاد می شود سازمان های مرتبط با اشاعه مفاهیم فرهنگی مانند مدارس، دانشگاه ها، مراکز فنی و حرفه ای و سایر مراجع دیگر در خصوص تشویق افراد منطقه جهت انجام امور بازرگانی فعالیت لازم را انجام دهند.

مراجع

۱. احدنژادروشتی، محسن، معتمدی، سعادت (۱۳۹۳)، بررسی و تحلیل نقش بازارچه های مرزی در قیمت زمین و مسکن شهری (نمونه موردی شهرستان درمقطع زمانی ۱۳۷۵-۱۳۹۲)، مجله پژوهش های برنامه ریزی شهری، شماره ۱۹، صص ۲۰-۱.
۲. افتخاری، عبدالرضا رکن الدین، پاپلی یزدی، محمدحسین و عبدی، عرفان (۱۳۸۷)، ارزیابی اثرات اقتصادی بازارچه های مرزی بازتاب های توسعه مناطق مرزی، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال چهارم، شماره دوم، صص ۸۹-۱۰۹.
۳. امین نژاد، کاوه و بوچانی، محمد حسین (۱۳۸۳)، بازارچه مرزی بانه فرصتی برای پایداری شهر و پیرامون، ماهنامه پژوهشی آموزشی، اطلاع رسانی شهرداریها، سال ششم، شماره ۶۳، مرداد.
۴. پیربوداقی، یوسف (۱۳۷۹)، بررسی عملکرد بازارچه مرزی سرو، پایان نامه کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشکده اقتصاد و علوم اداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
۵. پیشرو، حمدالله (۱۳۷۹)، بازارچه مرزی بوشهر - قطر و تأثیر مبادلات مرزی در توسعه اقتصادی استان، دفتر برنامه ریزی و تحقیقات اداره کل بازرگانی استان بوشهر.
۶. حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۱)، جغرافیای سیاسی مرزهای ایران، تهران، دفتر تحقیقات کاربردی مرزبانی ناجا.
۷. دارونت، دی. اف (۱۳۷۳)، نقدی بر نظریه های قطب رشد و مرکز رشد در برنامه ریزی منطقه ای، ترجمه دکتر پرویز اجاللی، تهران، انتشارات سازمان برنامه و بودجه.
۸. ساده دل، مجید (۱۳۸۵)، موقعیت بازارچه های مشترک فعلی، نشریه پیام اتاق ارومیه، سال هفتم، شماره ۴.
۹. ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز، ۱۳۹۲.
۱۰. سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۷۳.
۱۱. سعیدی، عباس، رضائی، لایون (۱۳۹۴)، مبادلات مرزی، شبکه های محلی و تحول فضایی سکونت گاه های انسانی مورد: بخش مرکزی شهرستان بانه (کردستان)، مجله بین المللی انجمن جغرافیای ایران، سال ۱۳، شماره ۴۵، صص ۳۱-۵۲.
۱۲. شکوئی، حسین (۱۳۸۹)، جغرافیای شهری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۳. طرح جامع شهر پیرانشهر، ۱۳۹۲.
۱۴. علینقی، امیرحسین (۱۳۷۸)، داده های از عدم تعادل در جامعه ایران؛ استانهای مرزی، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۵ و ۶.
۱۵. عندلیب، علیرضا، مطوف شریف (۱۳۸۳)، شناخت مبانی آمایش مناطق مرزی با نگاهی به منطقه نهبندان، نشریه صفا.
۱۶. فخرفاطمی، علی اکبر؛ (۱۳۸۳)، نقش بازارچه های مرزی در تثبیت جمعیت و توسعه روستایی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی.
۱۷. قانون مقررات صادرات و واردات، مصوب سال ۱۳۴۴.
۱۸. - مؤمنی، مصطفی (۱۳۸۱)، جایگاه دفاع نظامی و غیر نظامی در آمایش سرزمین، مجموعه مقالات همایش آمایش و دفاع سرزمینی، تهران: انتشارات دانشگاه امام حسین.
۱۹. مراتب، مریم (۱۳۸۴)، نگاهی به منطقه آزادارس، استانداری اذربایجانغربی.

۲۰. محمدپور، علی؛ احمد پیور، زهرا؛ بدیعی، مرجان (۱۳۸۵)، نقش تحول کارکرد مرز بر فضای جغرافیایی بخش باجگیران در مرز ایران و ترکمنستان، فصلنامه مدرس علوم انسانی، ویژه‌نامه جغرافیا، صص ۱۴۷-۱۷۲
۲۱. موسوی، میرنجف و زنگی آبادی علی (۱۳۹۰) برنامه ریزی توسعه شهرهای مرزی- مطالعه موردی: استان آذربایجان غربی، مشهد: انتشارات شریعه توس.
۲۲. نجفی، یدالله (۱۳۶۹)، جغرافیای عمومی استان کردستان، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲۳. وزارت بازرگانی، (۱۳۷۹)، تحلیلی از وضعیت بازارچه های مشترک مرزی از آغاز فعالیت تاکنون، معاونت برنامه ریزی و بررسی های اقتصادی دفتر پژوهش و بررسی های اقتصادی.
24. Arreola, Daniel D., Curtis, James R. (1993). *The Mexican border cities: Landscape anatomy and place personalit Third printing*, the university of Arizona press.
25. Brzosko-Sermak, Agnieszka. (2007). *Theoretical deliberations on frontier location of cities*. Bullitin of geography (Socio-economic series), NO. 7.
26. Hajinezhad, A., and Ahmadi A. (2010). *The Influences of Commercial Tourism on Economic Developmen of Baneh City* , Regional Conference of Tourism and Development, Islamic azad University of Yasooj, Yasooj. O Iran.[in Persian]
27. Herzog, Lawrence A. (1991). *Cross-national urban structure in the era of global cities: the US-Mexico transfrontier metropolis*, urban studies, Vol. 28, No. 4, pp. 519-533.
28. Ni, Pengfei. (2011). *Cities as the new engine for Sino- Indian cooperation*, Journal of International Affairs, Vol. 64, No. 2, PP. 143-154.
29. Portnov, Boris A., Pearlmutter, David. (1999). *Sustainable urban growth in peripheral areas*, Progress in Planning, Vol. 52, pp. 239-308.
30. Rafieian, M. ; Moloudi, J. ; Meshkini, A. ; Eftekhari, R. and Irandoost, K. (2013) *the 18. relation of border function change with the promotion of the periphery situation of border cities*: the cases of Baneh and Marivan, the journal of urban studies, 3(9): 45-58.
31. Werlen, Benno (1993), *Society, Action And Space: An Alternative Human Geography*, Translated By Gayna Walls, London, Routledge

مطالعه و طرح معماری خانه کودک در کاشان مبتنی بر پرورش خلاقیت کودک (برای کودکان ۴ تا ۷ سال)

حمیدرضا فرشچی^۱، زهره غلامی^۲

۱- استادیار دانشکده معماری و هنر، دانشگاه کاشان

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد معماری

farnazgh20@yahoo.com

چکیده

در شهرهای کنونی کمتر فضای امن و مناسبی برای فعالیتهای کودکان یافت می‌شود. کودک امروز به دلیل عدم امنیت محیط شهری در اتاق کوچک خود در انبوهی از آپارتمان‌ها محبوس شده است و دیگر از آن جنبه‌و- جوش و هیاهو جهت شناخت و کسب تجربه در محیط خارج از خانه خبری نیست. درحالی که او فضایی می- خواهد که بتواند خلا حضور طبیعت را در زندگی‌اش پر کند، مکانی که زمینه مناسب برای پرورش و رشد استعدادهایش را ایجاد کند. "مهد کودک" فضایی مختص کودکان می‌باشد، در گذشته مهد کودک‌ها صرفاً جهت نگهداری کودکان بوده‌اند، اما این فضاها در دنیای امروزه دارای وظایفی جدید می‌باشند. مهدکودک‌ها برای سالیان متمادی است که ساختمان‌هایی بی‌رنگ، یکنواخت و صرفاً عملکردگرا بودند و باید این نکته را متذکر شد که صرفاً استفاده از رنگ‌های شاد درخانه‌های تغییر کاربری یافته به مهدکودک نمی‌تواند فضایی مناسب برای کودکان باشد. بلکه در طراحی فضای معمارانه، آن فضا باید متناسب با سن، سلیقه و شرایط جسمی و روحی استفاده‌کنندگان باشد. در این پژوهش تلاش بر این بوده است تا فضایی صرفاً برای کودکان به نام "خانه کودک" و با تأکید بر بهره‌گیری از قابلیت‌های محیطی و آموزشی موثر بر ذهن و رفتار کودکان و رویکردی جهت ارتقاء و شکوفایی خلاقیت و ایجاد انگیزه بازی در آنان با تدابیر معمارانه است. طراحی خانه کودک برای گروه سنی ۴ تا ۷ سال در نظر گرفته شده است و سعی بر تلفیق معماری و طبیعت در ایجاد فضاهای انعطاف‌پذیر و متنوع می- باشد. فضاهای طراحی شده در خانه کودک بر اساس مطالعات و نیازهای کودکان و عوامل موثر بر رشد خلاقیت در کودکان می‌باشد. روش تحقیق این پژوهش شامل مرور و مطالعه منابع کتابخانه‌ای، مشاهده و بررسی نمونه- های موجود و مرتبط با موضوع می باشد. در نهایت مشخص گردید استفاده از فرم های سیال و پویا در ساختمان، پیش بینی فضای باز برای کودکان، کاربرد فضاهای متناسب با مقیاس ذهنی و روانی کودکان از همه مهم تر استفاده از عوامل طبیعی در طراحی و بهره گیری از گیاهان و آب می تواند تاثیر بسزایی در مناسب سازی طراحی خانه کودک داشته باشند.

واژگان کلیدی: کودک، خلاقیت، معماری، خانه کودک.

۱- مقدمه

توجه به کودکان به عنوان یکی از آسیب پذیرترین اقشار جامعه، در واقع بر رشد و پرورش انسان های آینده تأکید دارد. زیرا کودکان، عامل پیوند نسل های گذشته و آینده درهرجامعه محسوب میشوند و عامل انتقال سنت ها،فرهنگ ها، اعتقادات،باورها و پیشینه های هویت بخش هستند. از دیگر سو، دوران کودکی بهترین زمینه را برای تعالی شخصیتی، تربیتی و میل بیشتر به زندگی جمعی فراهم می سازد؛ بنابراین توجه به ایجاد محیطی مناسب برای رشد کودک و آشنایی با نیازها و سرشت فطری او زمینه ساز رشد درست شخصیتی و تربیتی وی به عنوان نسل سالم فردا، خواهد بود، همچنین لازم به ذکر است نیاز به بازی برای کودک از نیاز های اساسی هست چرا که بازی باعث سلامتی جسمی و روانی کودکان می شود؛ وجود فضایی برای کودک

که بتواند در آن آزادانه به بازی و سرگرمی بپردازد ضروری است. هدف این پژوهش بررسی راهکارهایی است که علاوه بر ایجاد حس صمیمیت در کودکان مقدمات آموزش و شکوفایی استعدادهای وی، از جمله خلاقیت را فراهم آورد که این امر نیاز به درک صحیح و آگاهانه عوامل موثر بر موضوع ذکر شده را دارد تا ضمن سازماندهی و تجزیه و تحلیل اطلاعات مربوطه بتوان به نقش تعاملی فضای معماری در پیشبرد یا سرکوب استعدادهای کودکان و همچنین بهره گیری از این تعامل صحیح به عنوان یکی از ابزارهای آموزش و عوامل موثر بر یادگیری پی برد.

۲- پیشینه تحقیق

اکنون در آغاز هزاره سوم به جرات می توان گفت خلاقیت همان چیزی است که زندگی مدرن بشر متمدن را از زندگی ابتدایی انسان نخستین جدا می کند. خلاقیت همواره مفهومی پیچیده بوده است و نظریه ها و تعاریف گوناگونی که تاکنون درباره آن ارائه شده است، غالباً هر کدام جنبه ای خاص از آن را مورد تاکید قرار داده اند (افشارکهن و عصاره، ۱۳۹۰). در ذیل تعدادی از تعاریف بیان می گردد:

تورنس^۱ (۱۹۶۲) خلاقیت را به عنوان مسئله گشایی مدنظر قرار داده است. به نظر وی تفکر خلاق مختصراً عبارت است از فرآیند حس کردن مسائل یا کاستی های موجود در اطلاعات، فرضیه سازی درباره حل مسائل و رفع کاستی ها، ارزیابی و آزمودن فرضیه ها، بازنگری و باز آزمایی آن ها و سرانجام انتقال نتایج به دیگران (سیف، ۱۳۸۶ به نقل از تورنس ۱۹۶۲). آیسنک در کتاب، «فرهنگ توصیفی روانشناسی شناخت» در تعریف خلاقیت آورده است: خلاقیت به توانایی پیدا کردن راه حل های نامتعارف و با کیفیت بالا برای مسائل اطلاق می شود (آیسنک، ۲۱۳۷۹).

در زمینه محیط کودکان در سال های اخیر در کشورمان پژوهش هایی انجام شده که به چند نمونه از آن ها اشاره می شود: دکتر عبدالحمید نقره کار و همکاران در مقاله ای با عنوان ((طراحی فضای مهد کودک بر اساس رابطه بین صفات خلاقیت و ایده های معمارانه))، به بررسی و تبیین مدلی علی میان برخی صفات مؤثر در خلاقیت کودکان ۳ تا ۶ ساله ایرانی و برخی ویژگی های سامانه معماری پرداخته اند و بیان داشتند که به کارگیری ایده های حاصل از مدل تحقیق خود، می توان فضاهای مهد کودک ها را به گونه ای طراحی کرد که انگیزش کودک ارتقا یافته، قدرت تخیل و کنجکاوی او افزایش یابد و به پرورش خلاقیت کودک منجر شود (نقره کار و همکاران، ۱۳۸۸). از آثار ارزشمند دیگر در این زمینه می توان به کتاب «رمز و راز دنیای کودک» نوشته ی غلامحسین ریاحی اشاره کرد؛ وی در این کتاب به اهمیت پرورش تخیل کودکان نیز اشاره می کند و بیان می دارد که در سنین ۴ تا ۷ سالگی تخیل کودک جنبه علمی پیدا می کند، از این رو در این سنین طراحی فضاهایی با هدف پرورش خلاقیت کودکان امری مهم تلقی می شود؛ همچنین حسینی و همکاران در مقاله با عنوان «نقش فضاهای باز محله در رشد و خلاقیت کودکان»، در ابتدا قابلیت فضاهای باز و پارک های محله ای را معرفی کردند، سپس به بررسی بعضی مطالعات مربوط به رشد و سلامت کودکان و در نهایت به بررسی طراحی محیط های ویژه برای کودکان و ارائه معیار و الگو پرداختند. عمر فاروق در تعریف خلاقیت، آن را ارائه پاسخی منحصر به فرد، بهتر و مناسب تر برای مسأله معرفی می نماید. فرهنگ توصیفی روان شناسی در تعریف خلاقیت این چنین می نویسد: "خلاقیت به توانایی پیدا کردن راه حل های نامتعارف و با کیفیت بالا برای مسائل اطلاق می شود." بر این اساس شخص خلاق کسی است که با اطلاعات مستقیم و داده هایی که در اختیار دارد به شیوه های جدید برخورد نماید. به عبارت دیگر، خلاقیت، توانایی پیدا کردن راه حل های غیرمشهور و جدیدی است که بهتر از راه حل های گذشته پاسخگوی نیازها و کاستی های مسأله باشد. (مهدوی نژاد، ۵۸: ۱۳۸۴)

صاحب نظران امر تعلیم و تربیت در تعریف کودک چنین گفته اند: "کودک محصول تعامل طبیعت - تربیت، وراثت، محیط و طبیعت - تجربه است." عبارت دیگر، کودک سیستمی ساخته از "محیط و طبیعت" یا "تربیت و تجربه" است. (شعاری - نژاد، ۱۵: ۱۳۸۹) با چنین دیدی به موضوع مشخص می شود که کلیه محیط هایی که کودکان در آن حضور می یابند باید ارزش فراگیری داشته باشد. (سل، ۷۱: ۱۳۸۳) زیرا دانش کودک در برابر محیط پیرامون خود، مجموع دانش حضوری و حصولی او از محیط است. (بهرزفر، ۲۰: ۱۳۸۰)

کودکان که به سبب محدودیت های فیزیکی و روانی خود تأثیرپذیری عمیق تری از محیط دارند. اجباراً تحت شرایط محیطی هستند و این تجارب محیطی دوران کودکی در تمام طول زندگی شخصی همراه آن ها بوده و از مهم ترین عوامل تأثیرگذار در

1- Torens
2- Eysneck

شکل گیری شخصیت آن‌هاست (کریستنسن، ۲۰۱۳: ۷۹). از آثار ارزشمند در این زمینه می‌توان به کتاب «دستور زبان طراحی محیط های یادگیری»، نوشته دکتر حامد کامل نیا اشاره داشت؛ محقق در این کتاب به معرفی شاخصه های روانشناسی کودک و نیازهای بر اساس مطالعات میدانی می‌پردازد و دستور زبانی را جهت محیط های آموزشی به تصویر کلی بیان می‌دارد (کامل نیا، ۱۳۸۷). در کتاب دیگری با عنوان «نقش عوامل محیطی در پرورش خلاقیت»، نوشته دکتر مینو قره بیگلو، که در این پژوهش با توجه به کمبود مطالعه در زمینه تاثیر محیط بر خلاقیت، انجام گرفته است. محقق ابتدا به ادبیات خلاقیت و نحوه بروز و پرورش آن می‌پردازد. نکات قابل توجه آن که اشاره دارد به منطبق بودن و در یک نقطه بهم رسیدن انگیزه ها و مهارت است که امکان خلاقیت را فراهم می‌کند. در نهایت پس از آشنایی با مفهوم خلاقیت به نقش و اهمیت عوامل محیطی در پرورش خلاقیت کودکان می‌پردازد و پیشنهادهای در خصوص خلاقیت و برنامه ریزی شهری ارائه می‌دهد (قره بیگلو ۱۳۹۰: ۸۶-۹۱).

در تحقیقات موجود بر نقش محیط زندگی انسان و به‌ویژه محیط زندگی کودک جهت رشد استعدادها و توانایی‌های او تأکید شده است. لذا مرتفع ساختن نیازهای اساسی کودک نقش بسیار مهمی در چگونگی شکل‌گیری و رشد شخصیت او دارد و بخش مهمی از رفع نیازهای کودک به چگونگی طراحی مکان زندگی و رشد کودک بستگی دارد.

۳- ضرورت تحقیق و طرح مساله

خلاقیت ضرورتی انکارناپذیر برای جوامع امروزی محسوب می‌شود، و پرورش آن از اساسی ترین اهداف هر نظام آموزشی است. هدف از این پژوهش نقش کیفیت های عناصر محیطی همچون رنگ، فرم و بافت در محیط‌های آموزشی و پرورشی کودکان در سنین ۴ تا ۷ سال، نسبت به خلاقیت است. امروزه بهره‌گیری از این عناصر معماری برای پرورش خلاقیت در محیط‌های آموزشی و پرورشی، به عنوان یک اصل مهم، در کشورهای پیشرفته مورد توجه و اهمیت واقع شده است. با توجه به این اصل که آموزش از سنین پایین آغاز می‌شود برای تربیت جامعه‌ای فرهیخته و همچنین کمک به توسعه کشور نیازمند مکان‌هایی هستیم که در آن جا بتوان کودکان را به صورت خلاقانه، در جهت رشد و تعالی پرورش داد. در کشور ما نیز در سال‌های اخیر سعی شده است که با توجه به این اصل مهم، گام هایی برای پرورش کودکان خلاق برداشته شود. این اتفاق تنها با رنگ-آمیزی یا تغییر دکوراسیون و افزودن وسایل بازی به خانه های قدیمی و فرسوده محقق نخواهد شد. برای پرورش خلاقیت کودکان باهوش امروزی جامعه ی ما نیازمند فضاهایی است که برای پرورش خلاقیت طراحی شده و هماهنگ با نیازهای نوین آموزشی باشد. برنامه‌های پرورشی بعضاً در مهدها و مدارس رو به سوی پرورش خلاقیت کودکان سوق پیدا کرده اما نه تنها کالبد معماری این فضاها مطابق با چنین برنامه‌هایی طراحی نشده است بلکه توجه و تمرکز به آموزش و چهارچوب درسی منجر به ناکارآمدی مهدها و مدارس در این امر مهم می‌شود. با توجه به نیاز جامعه ی امروزی ما به وجود چنین پژوهش‌هایی که منجر به ایجاد فضاهای کالبدی جهت پرورش خلاقیت کودکان می‌شود و همچنین کمبود فضاهای پرورشی برای این رنج سنی؛ انجام چنین پژوهشی ضروری به نظر می‌رسد. در این راستا، ارائه الگویی برای طراحی خانه کودک با رویکرد پرورش خلاقیت به عنوان یک گزینه مطرح می‌گردد.

۱- خانه کودک چگونه فضایی است؟

۲- خانه کودک چگونه باید طراحی شود تا بتواند باعث سلامتی جسمی و روانی آنان شود؟

۳- محیط و فضای معماری خانه کودک چگونه می‌تواند به خلاقیت کودکان کمک کند؟

۴- تعریف و اصطلاحات پژوهش

کودک: کودکان به سبب محدودیت‌های جسمی و روانی خود در قیاس با بزرگسالان، تاثیرپذیری بیشتر و عمیق‌تری داشته و در عوض، تاثیرگذاری کمتری بر محیط دارند و به این ترتیب بیش از بزرگسالان اجباراً تابع شرایط محیطی‌اند. کودکان حساس‌ترین و مهم‌ترین سال‌های زندگی‌شان یعنی زمانی که پایه‌های رشد شخصیتی-ذهنی-جسمی و اجتماعی آن‌ها شکل می‌گیرد تا زمانی که وارد شهر می‌شوند نیازمند این هستند تا زندگی را در مقیاس خود تجربه کنند و این امر مستلزم فراهم بودن فضایی کودکانه و صمیمانه است. فضایی به دور از هیاهوی دنیای بزرگتر، دنیای پر از شادی با رنگ‌های زیبا که در آن

کودک فرصت بیان افکار تازه و پرورش و رشد استعدادهایش را داشته باشد، فضایی که زمینه‌ای مناسب برای خلاقیت کودکان فراهم آورد (شاطریان، ۱۳۹۴: ۵۱).

خانه کودک: خانه کودک مجموعه‌ای از سرای محله است که در آن به پرورش ابعاد مختلف رشد کودکان از لحاظ عاطفی، حسی، حرکتی، خلاقیت و مشارکت از طریق بازی و وسایل بازی پرداخته شود. متأسفانه با گذشت سال‌ها از تأسیس فضاهای آموزشی، همچنان جامعه ما شاهد تحولات چشمگیری در معماری بناهای آموزشی نبوده است و در حال حاضر اکثر دبستان‌ها و مهد کودک‌ها در فضاهای فاقد طراحی مناسب و یا در فضاهایی با کاربری غیرآموزشی (مثل خانه) تأسیس می‌گردند. متأسفانه ساخت و سازهای معماری فضای زندگی کودکان جامعه امروز ایران بسیار کم‌رنگ می‌باشد و نیازمند توجه بیشتر است. در اصل محل‌های نگهداری کودکان فضاهای کوچک، شلوغ، بی‌رنگ، یکنواخت، صرفاً عملکرد گرا و تغییر کاربری یافته‌ای می‌باشند که فاقد طراحی مناسب ویژه کودکان هستند. واقعیت امر این است که فضاهای آموزشی کودکان ما بیشتر، باعث از بین رفتن خلاقیت آنها می‌شود، بی‌توجهی به تاثیر کیفیت فضای معماری در پرورش خلاقیت کودکان مانع ذوق و شوق کودک، برای ورود به آنها می‌شود. به کارگیری مناسب اسباب‌بازی و طراحی بازی‌هایی به منظور افزایش خلاقیت، آفرینندگی و سازندگی در کودکان امری مهم است و نباید از آن چشم پوشید.

خلاقیت: خلاقیت از فعل خلق کردن به معنای آفریدن و به وجود آوردن اقتباس شده است (عمید، ۱۳۷۶).

هر چیزی که کودک انجام می‌دهد و یا می‌گوید، می‌تواند خلاق به حساب آید در صورتی که دو ضابطه را تأمین نماید. اول آنکه باید اساساً با کارهایی که کودک قبلاً انجام داده و تمام چیزهایی که قبلاً دیده و یا شنیده است متفاوت باشد. دوم آنکه فقط نباید متفاوت باشد؛ بلکه باید صحیح بوده، در جهت رسیدن به یک هدف مفید باشد و به طریقی برای کودک جذاب و معنی‌دار باشد. اغلب روانشناسان که در زمینه خلاقیت مطالعه می‌کنند این دو ضابطه را تازگی و مناسب عنوان می‌کنند. معیار تازگی کاملاً ساده است. رفتار کودک نمی‌تواند فقط تقلید یا گزارش چیزی که قبلاً دیده‌است باشد؛ یعنی در محدوده رفتاری کودک باید تا حد زیادی تازه باشد. به منظور قضاوت درباره تازگی کار کودک باید اطلاعاتی در مورد آگاهی و تجربه گذشته کودک داشته باشیم. ابداع به تنهایی، کنش و یا ایده‌ای را خلاق نمی‌کند. از آنجا که کنش خلاق، پاسخی به موقعیت ویژه هست، بنابراین باید مشکلی را حل کند و یا موقعیتی را که باعث پیدایش آن شده است، روشن سازد. (اولنج و همکاران، ۱۳۹۴: ۷)

۵- روانشناسی رشد و دیدگاه‌های مختلف در روانشناسی رشد

قبل از قرن ۱۸ عوامل محیطی در رشد و تکامل انسان چندان مورد توجه قرار نمی‌گرفته است. اما امروزه تحقیقات نشان داده‌اند که غیر از چند صفت مربوط به گروه‌های خونی، هیچ یک از صفات وراثتی موجود در انسان از نفوذ عوامل محیطی بر کنار نیست. تمام صفات جسمانی و روانی، نتیجه کنش متقابل و دائمی دو عامل وراثت و محیط هستند (احدی و بنی جمالی، ۱۳۸۲).

اهمیت رشد در دوران کودکی از نظر برخی مشاهیر این چنین آمده است، «آلبرت انیشتین» در خاطرات خود بیان می‌کند: نظریه نسبیت نمی‌توانسته در دوران بزرگسالی من شکل گرفته باشد، زیرا آدمی در بزرگسالی فرصتی برای اندیشیدن به فضا و مکان ندارد. این‌ها چیزهایی است که وقتی کودک بودم به آن‌ها فکر کرده‌ام. «اریک برن» از موجودی درون انسان نام می‌برد که به آن پروفیسور کوچولو می‌گوید. پروفیسور کوچولو به جستجوگری مشغول است و در این زمان تنها باید شرایطی را برای کودکان برنامه‌ریزی کرد که این پروفیسور کوچولو تخریب نشود و همین دانشمند وجود آدمی است، که می‌تواند زمینه ساز تبدیل یک کودک به دانشمندی عالی‌قدر و انسانی متکامل و خلاق شود. از این رو باید به کودکان خود با دید دیگری بنگرید زیرا بنای یک جامعه سعادتمند با تلاش همین کودکان بذاته خلاق ریخته می‌شود (کاردان و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۸).

محیط کودک باید در حد امکان بر انگیزاننده و مناسب باشد تا کودک بتواند استعدادهای بالقوه خود را به فعلیت درآورد. هر چه محیط زندگی و اجتماعی کودک، غنا و آرامش بیشتری داشته باشد، استعدادهایش بهتر رشد می‌کنند. (مقدم، ۱۳۵۸: ۳۵۴).

پرورش: پرورش عبارت است از جریانی منظم و مستمر که هدف آن کمک به رشد جسمانی، شناختی، اخلاقی، اجتماعی یا به طور کلی رشد شخصیت پرورش‌یابندگان در جهت، کسب هنجارهای موردپذیرش جامعه و نیز کمک به شکوفا شدن استعداد های آنها است (سیف، علی اکبر ۱۳۷۶: ۲۱). پرورش تغییراتی است که بر اثر آموزش و تاثیرات عوامل محیطی در انسان به

وجود می آید. پرورش تغییر در جنبه های رفتاری انسان است، در صورتی که رشد، تغییرات کمی و کیفی در جسم و روح اوست. (احدی و بنی جمالی، ۱۳۸۲). آغاز پرورش بسیاری از توانایی های انسان در دوران کودکی است؛ آغاز پرورش قدرت تخیل و خلاقیت نیز در دوره کودکی شکل می گیرد. از نظر فروید، منبع خلاقیت را باید در تجربیات دوره کودکی فرد یافت (شریتمداری، ۱۳۴۴:۴۱۰).

پختگی (رسیدگی): به تغییرات خاصی اطلاق می شود که عامل اساسی در آن گذشت زمان همراه با تکامل و نظام یافتگی سیستم های عصبی است. انسان قادر نیست رفتاری را فرا گیرد مگر اینکه به مرحله ای از نمو رسیده باشد. به عبارت دیگر برای ظهور هر رفتاری دستیابی به حداقلی از رشد، تکامل و آمادگی ضروری است. پختگی به تجربه کودک از محیط اطرافش بستگی چندانی ندارد. خصوصیات و تغییراتی که در کودک به وجود می آید، محصول تعامل بین رشد و یادگیری است. رشد تغییراتی است که بر اثر تکامل نیوهای بالقوه ایجاد می شود و تجربه در آن نقشی ندارد، در حالی که یادگیری، تغییراتی است که بر اثر تجربه به وجود می آید (مقدم، ۱۳۵۸ و اتکینسون و دیگران، ۱۳۷۸).

روانشناسی تربیتی: بنجامین بلوم یکی از روانشناسان معروف انواع یادگیری را بر اساس هدف های شناختی، انفعالی، روانی-حرکتی تقسیم می کند. او این طبقه بندی را قلمدادهای سه گانه هدف ها می نامد که نقش مهمی در زمینه مسایل آموزشی و ارزیابی به عهده دارند. (سیف، ۱۳۷۲:۱۷)

الف) در هدف های شناختی موضوعاتی مانند آگاهی، ادراک، تشخیص و استقلال مطرح می شوند.

ب) هدف های انفعالی یا عاطفی به اموری مانند احساس، هیجان و ... اطلاق می شود.

ج) هدف های روانی- حرکتی با حرکات ظریف و ماهرانه ای چون نقاشی، خط، رقص، نواختن آلات موسیقی سروکار پیدا می کند. نکته مهم آن است که هیچ یک از این رفتارها نمی تواند به طور کامل از دیگری جدا باشد.

یادگیری کودک در هر مرحله به عوامل متعددی بستگی دارد. رشد و پرورش کودک چه از نظر جسمی، روانی و تربیتی تحت تاثیر عوامل آموزشی و محیطی بسیار است. اولین کانون اجتماعی که کودک در آن پای می گذارد خانواده است، سپس وارد جامعه بزرگتر می شود. در این قسمت رابطه کودک با خانواده، اجتماع و آموزش پذیری بررسی می شود.

کودک و خانواده: بهترین تعریف خانواده آن است که آن را نظام پیچیده ای بنامیم که مستلزم کارکرد به هم وابسته ای در میان اعضا باشد. خانواده هم اولین و هم قدیمی ترین محل ارتباط اجتماعی کودک به شمار می رود. در سال های اولیه تنها روابط موجود برای کودک، رابطه او با والدینش است. کنش متقابل و رابطه عاطفی بین نوزادان و والدین، به انتظارات و واکنش های کودک در روابط اجتماعی آینده شکل می دهد. اعتقادات و ارزش ها و نگرش های فرهنگی توسط والدین پالایش می شوند و به صورتی بسیار مجسم و منتخب به کودک ارائه می شوند. شخصیت، نگرش ها، طبقه اجتماعی-اقتصادی، عقاید مذهبی و تحصیلات پدر و مادر در ارائه ارزش های فرهنگی و معیارهای آن ها به فرزند تاثیر می گذارد (توسلی، ۱۳۹۷:۲۰).

کودک و اجتماع: گروه ها و سازمان های مشخصی در چارچوب جامعه، در پرورش اجتماعی کودک نقش عمده ای ایفا می کنند. پدر و مادر، همسالان و معلمان مقدار زیادی از وقت خود را صرف انتقال ارزش ها و همچنین هدایت و اصلاح رفتار کودکان می کنند. برخی از سازمانها مانند مدرسه، مراکز مذهبی و موسسات قانونی و حقوقی با این هدف به وجود آمده اند که علم فرهنگ و معیار های اخلاقی و اجتماعی آن را منتقل و رفتارهای ارزشمند فرهنگی را حفظ کنند. به علاوه رسانه های گروهی بخصوص تلویزیون، جریان بسیار قوی و نسبتاً جدیدی هستند که می توانند افکار، خواسته ها و رفتارهای کودک در حال رشد را شکل دهند (هترینکتون و دی پارک، ۱۳۷۲:۱۰۰).

کودک و آموزش: در مورد آموزش کودک پیش از دیستان نیز نظریات متعددی وجود دارد. مهد کودک های اولیه تا حد زیادی از عقاید اریکسون ناشی شده بود، اریکسون که ادامه دهنده راه فروید بود به نیازهای کودکان برای رسیدن به رشد اجتماعی اهمیت می داد. به عقیده او سازگاری اجتماعی و عاطفی هر فرد و کارایی او در بزرگسالی بستگی به آموزش های خردسالی در زمینه رشد اعتماد به نفس، استقلال شخصی، ابتکار و اهمیتی که فرد برای خود قائل است دارد. تاثیرات محیط، هسته اصلی عقاید بیجود (۱۹۵۹) درباره رشد را تشکیل می دهد، از نظر او نتایج رفتار کودک بسیار مهم است، طبق نظر او کودکان به یاد گرفتن رفتاری تمایل دارند، که به نتایج مثبت می انجامد و از تجاربی که به شکست منتهی می شود پرهیز می کنند (افلاکی فرد و همکاران، ۱۳۹۶:۱۵).

فضای معماری کودکان: معمار یک مربی است و بعد از پدر و مادر، اولین مربی کودک می باشد. تعلیم و تربیت او از طریق اشکال ساخته شده به دستش است که محیط اطراف کودک را تشکیل می دهند. کودک امروز به دلیل رهایی از سنت های

پیشین، راحت‌تر از انسان بالغ می‌تواند خود را با تازه‌ها یا حتی جسارت‌های معماری و شهرسازی معاصر تطبیق دهد. او به راحتی می‌تواند طرفدار و نیز الهام دهنده اشکال تازه باشد. بنابراین باید در درجه اول برای کودک و شاید تا حدودی به وسیله خود کودک به تدریج تعادل بین فضاهای زندگی هر فرد و فرم‌های معمارانه سازنده فضا را برقرار کرد. برای دستیابی به این هدف، معمار باید از سویی خواسته‌ها، نیازها و مشکلات کودک را شناخته و درک کرده تا روش‌های برطرف کردن آن‌ها را بیابد و از سویی دیگر باید به محیط و فضایی که کودک امروز در آن به سر می‌برد آشنا باشد و آن را به خوبی درک کند. (رزمان، ۱۳۹۴: ۶) برای تحقق این امر، معماران باید بر سرعت خود بیافزایند تا بتوانند به پای متخصصین تعلیم و تربیت، جامعه‌شناسان، پزشکان و روان‌شناسان که کم و بیش دنیای کودکی را به طور کامل شناخته‌اند، برسند. پیشرفت و شناخت از خود، هم‌ارز و مکمل ادراک فضا است. به واسطه یک یادگیری طولانی که تمام دوران کودکی را در بر می‌گیرد، یاد می‌گیریم که بر فضا تسلط پیدا کنیم همان طور که یاد گرفته بودیم به وجود خود تسلط داشته باشیم. نحوه به وقوع پیوستن این یادگیری بر پایه تعادل درونی ما استوار است. به همین دلیل اولین تجربیات کودک در این رابطه بسیار مهم هستند. تعلیم و تربیت موفق و صحیح باید بدون ایجاد برخوردهای جدی، او را در پیدا کردن موقعیتش در فضا یاری دهد تا بتواند مرکزیت خود را در آن بیابد. (قبادیان و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۲) منظور از این فضا یک محدوده سرد هندسی نیست بلکه هدف فضایی فعال و تاثیر گذار است. این فضا در عین حال هم دارای امنیت است و هم آزادی. فضایی که ما را در بر گرفته است در شکل‌گیری شخصیت ما شرکت می‌کند و خلوت ما را محافظت می‌نماید. این فضا برحسب هر شخصی یا دوران مختلف زندگی، بزرگ و کوچک می‌شود. فرد می‌تواند به راحتی در این فضا که به نسبت اعمال او کوچک و بزرگ می‌شود خود را بیابد. پس فضا یک محیط عادی نیست. بلکه یک واقعیت روانشناختی زنده و پویا است، این فضا نباید خود را بر ما تحمیل کند بلکه باید متناسب با شخصیت ما شکل گیرد. محیطی که برای کودکان طراحی می‌کنیم، می‌بایست شامل فضاهای زیر باشد: (معینی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۳)

- فضاهای طبیعی: مانند درخت و آب و موجودات زنده که اساسی‌ترین و مهم‌ترین فضا را برای کودکان تشکیل می‌دهد.
- فضاهای باز: فضاهای گسترده‌ای که بچه‌ها بتوانند به اندازه دلخواه در آن بدوند و انرژی‌های درونیشان را تخلیه کنند.
- فضاهای راه‌ها: راه‌ها و جاده‌ها قبل از حضور ماشین، زمین اصلی بازی بچه‌ها بوده است. راه‌هایی هستند که بچه‌ها در آن همدیگر را ملاقات می‌کنند و شبکه‌ای است که فضاهای متنوع را به هم وصل می‌کند.
- فضاهایی برای ماجراجویی: فضاهایی هستند پر از پیچیدگی، که قوه تجسم و تخیلی کودکان به واسطه بودن در این فضاها تقویت می‌شود.
- فضاهای مخفی: استقلال کودکان از طریق این فضاهای مخفی رشد می‌یابد.
- ساختارهای بازی: فضاهایی هستند که با ساختار بازی در مکان‌هایی که بازی اهمیت می‌یابد تشکیل می‌شود. این قبیل فضاها به عنوان زمین‌های بازی شناخته شده است.

۶- خصوصیات فضاهای مورد نظر جهت طراحی

با توجه به مطالعات انجام شده محیطی که برای کودکان قرار است طراحی شود براساس نوع کاربری‌ها و شرایط جسمی و روحی کودک ضروری است که شامل فضاهای فضای باز و بسته باشد، که این‌ها هر کدام خود به فضاهای ریزتر تقسیم می‌شوند. در طراحی جزئیات فضاهای آموزشی با توجه به الگوهای رفتاری کودکان، لازم است شعاع حرکت و میزان تحرک گروه‌های مختلف سنی بررسی شود تا با طراحی جزییات، فضاها متناسب با توانایی‌های جسمی و ویژگی‌های روانی و هماهنگ با الگوهای حرکتی و رفتاری آن‌ها طراحی شود. (بردی حق‌نیا و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۴)

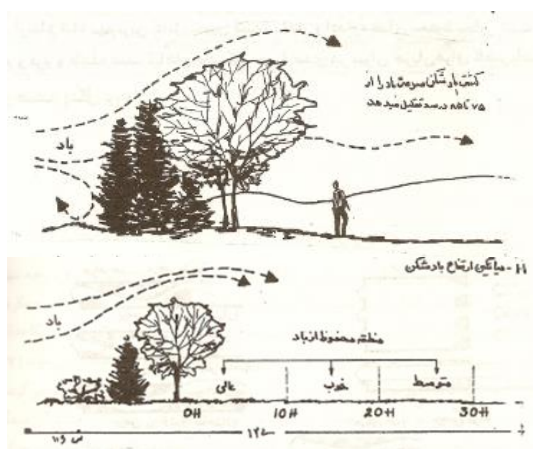
فضای باز: فضای گسترده‌ای است که بچه‌ها بتوانند به اندازه دلخواه در آن بدوند و انرژی‌های درونیشان را تخلیه کنند. این فضا می‌تواند شامل فضای باز مصنوعی و فضای طبیعی باشد. در فضای مصنوعی از مصالح در ساخت آن استفاده می‌شود در حالی که در فضای طبیعی درخت، آب و موجودات زنده اساسی‌ترین و مهم‌ترین فضا را برای کودکان تشکیل می‌دهد. (معینی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۴)

فضای بسته: فضایی ساخته شده از مصالح مصنوعی یا طبیعی و دارای دیوار و سقف می‌باشد، که در آن ریز فضاهایی متناسب با نیازها و کاربری‌ها طراحی شده است. طراحی این فضا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. (معینی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۴)

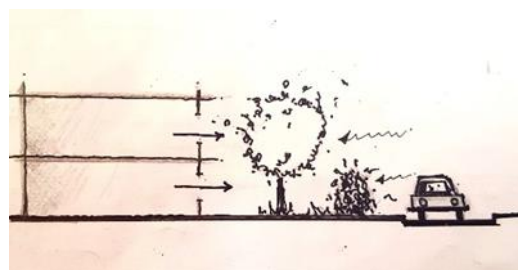
۷- تعامل با محیط

استفاده از عوامل طبیعی زمین: اولین فاکتور شرایط و خصوصیات سطح زمین و جا نمایی مناسب می‌باشد. از آنجایی که کودکان به فرم‌های نامنظم تمایل بیشتری دارند، بطور مثال می‌توان از تغییر ارتفاع استفاده کرد و با شیب ملایم و تغییر ارتفاع زمین را منطقه‌بندی نمود. کودکان از ماجراجویی خوششان می‌آید و دوست دارند گم شوند و خود مسیر را بیابند، از شیب سر بخورند و در پستی بلندی‌ها قایم باشک بازی کنند. با طراحی تپه، شیب، حفره و عناصر متنوع دیگر می‌شود محرک خوبی برای بازی ایجاد کرد با توجه به اینکه بچه‌ها به اکتشاف محیط می‌پردازند به توانایی‌های فضایی خود پی می‌برند. (شفیع‌پور یوردشاهی، ۱۳۹۳: ۵۷)

فضای سبز: گیاهان عناصر بسیار با ارزشی در طراحی‌های محیطی متعلق به کودکان می‌باشد چه برای محیط باشد چه برای زیبایی یا تفریح. گیاهان کیفیت هوا را بهبود می‌بخشند و مانند مانع و محافظ در برابر باران و خورشید می‌باشد. همچنین انبوه گیاهان از شدت صدا و باد می‌کاهد و باعث جذب پرندگان و حیوانات کوچک می‌شوند. استفاده از گونه‌های مختلف توانایی‌های بیشتری در طول فصول گوناگون به محل می‌دهد. ضمناً در صورت استفاده از گیاه باید از آنها مراقبت به عمل آید. (گلستانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۶۹)

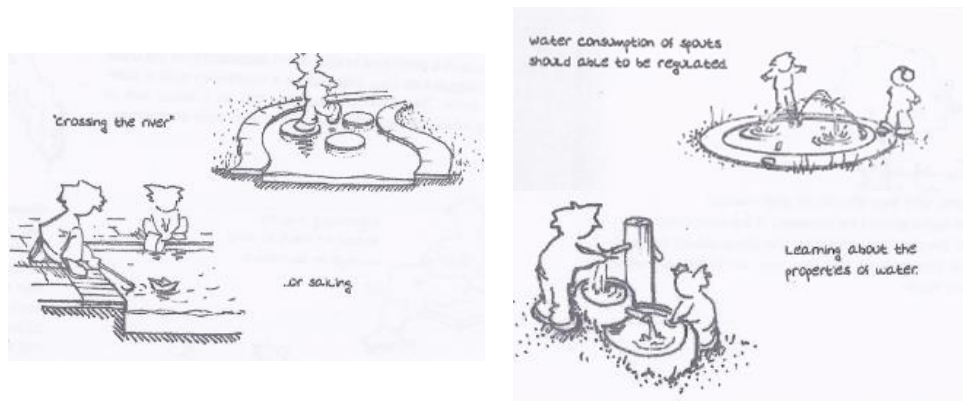


تصویر ۲: استفاده از پوشش گیاهی جهت کنترل اقلیمی و ایجاد منظر مناسب (URL1)



تصویر ۱: استفاده از پوشش گیاهی جهت کنترل عوامل بصری (منبع: نگارندگان)

آب: کودکان از آب لذت می‌برند بخصوص زمانی که مجازند به آن دست بزنند و بازی کنند. می‌توان در محیط و به صورت طبیعی نهر، کانال، برکه، مرداب و فواره ایجاد نمود. آب باید قابل آشامیدن و عمقی بین ۳۵ تا ۴۰ سانتیمتر داشته باشد. کف-ساز قسمت آب بازی لازم است از جنس مصالح غیر لیز باشد. (گلستانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۷۰)



تصویر ۳: استفاده از آب در زمین بازی (احتیاطی، ۱۳۹۳: ۷۰)

۸- طراحی فضای باز و زمین بازی

در شرایط زندگی شهری که بیشتر مردم در آپارتمان زندگی می‌کنند، فراهم نمودن فضایی برای تحرک آزادانه کودکان اهمیت ویژه‌ای دارد. در طراحی برخی از این فضاها و اجزایشان، طرح به شکلی حرفه‌ای انجام شده و در برخی کمتر. با بررسی این طرح‌ها می‌توان دریافت که حتی در پشت طرح‌هایی که ساده به نظر می‌رسند تجربیاتی نهفته است که در تلاش می‌باشند تا محرکی خوب و مناسب برای کودکان ایجاد نمایند. طراحی فضای تفریحی باید جوابگوی نیازهای بیان شده باشد. در طراحی زمین بازی سه بخش وجود دارد؛ دستورالعمل‌ها و پیشنهادهای برای طراحی زمین بازی و تجهیزات آن و همچنین موضوع ایمنی از دید طراحی. مطمئناً درجه‌ای سازماندهی در زمین بازی ضروری می‌باشد که باعث می‌شود کودک پیدا کردن خود را در فضا فراگیرد. (جعفری و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۰)

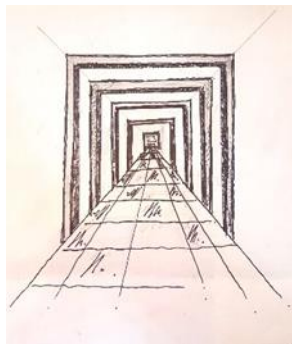
طبقه‌بندی و اولویت‌بندی فعالیت در زمین بازی شروع خوبی برای جانمایی فضاها می‌باشد و باعث می‌شود با توجه به عملکرد و کاربرد، رابطه فضایی شکل گیرد. به طور مثال: فضای بازی‌های انفرادی از فضای بازی‌های گروهی جدا در نظر گرفته می‌شود. مرز بین فضاها باید به راحتی قابل تشخیص باشد، خواه به صورت فیزیکی، بصری یا شنوایی. فضاها باید متفاوت و مستقل از یکدیگر باشند اما به یکدیگر مرتبط باشند و روابط بین گروه‌های مختلف را تقویت کنند. فضای بازی باید این امکان را بدهد که بچه‌ها با همدیگر ارتباط برقرار کنند و با هم بیاموزند. در طراحی باید به بچه‌های کوچکتر، یا دارای معلولیت ذهنی و فیزیکی توجه ویژه‌ای شود. قسمت‌هایی از زمین بازی که متعلق به بچه‌های کوچکتر می‌باشند باید از قسمت‌های دیگر جدا و بر روی آن‌ها دید باشد. توصیه می‌شود فضاهای آفتاب‌گیر و سایه‌دار برای زمین طراحی شود. (بروتو، ۱۳۸۵: ۲۰)

۹- طراحی فضا برای کودکان

عوامل زیبایی‌شناسی در فضایی که برای کودک طراحی می‌شود، باید طوری باشد که او را به آموزش ترغیب کند. از این رو باید محیطی شاد و سرشار از انرژی را با توجه به گروه سنی و توسط رنگ‌ها و احجام قابل لمس پدید آورد. از عوامل لذت‌بخش ساختن محیط برای کودک، تامین وضوح و خوانایی آن محیط است (کرونر، ۱۳۸۵: ۲۰). کوین لینچ می‌گوید: تصویری شایسته از محیط به شخص نوعی احساس امنیت می‌دهد. وی همچنین غرض از داشتن تصویر روشن از محیط را چنین عنوان می‌کند که فرد بتواند به آسانی اجزای محیط را بشناسد و آن‌ها را در ذهن خود، در قالبی به هم پیوسته ارتباط دهد. در واقع سامان یافتگی و امنیت روانی حاصل از این دو فرایند است که احساس دلپذیری را در محیط ایجاد می‌کند. (اولنج و همکاران، ۱۳۹۴: ۶) نقاشی‌های کودکان نشان می‌دهد که آن‌ها در تصوراتشان، فضا را چگونه می‌بینند. کودکان به طور دقیق و کامل (به عنوان کاربر) فضا را قبول کرده و آن را با جزئیات در ترسیمات خود بیان می‌کنند. این مهم نشان‌دهنده برداشت دقیق کودکان از محیط اطرافشان و تاثیرگذاری عمیق محیط بر ذهن آنان است. از این رو توجه به سازمان‌دهی فضایی در طراحی فضای کودکان حائز اهمیت است. در طراحی فضا برای کودکان نیاز به فضاهای باز و بسته در حالات متفاوت قابل دریافت است. بازی یکی از مهمترین عوامل شکوفایی و بالندگی جسم و روان کودکان است. بزرگترین بخش بازی‌های انفرادی و گروهی کودکان باید در فضاهای باز انجام شوند، زیرا این فضاها اولین مکان برخورد مستقل کودک با جهان خارج از خانه است. محیط خارجی به طور

طبیعی تحریکات حسی را ایجاد می‌کند. از آنجا که کودکان محیط پیرامون خود را با جزئیات درک می‌کنند، رنگ‌ها، بافت‌ها، شکل‌ها و در نهایت طرح زمین‌بازی، کودک را برای ایجاد ارتباط با محیط و فراگیری بیشتر ترغیب می‌کند. تنوع و غنی بودن محیط تمرینی در جهت کاربرد حواس گوناگون مانند بینایی، شنوایی و لامسه است و از این طریق در رنگ، صدا و بافت تنوع لازم ایجاد می‌شود. (نوروزی، ۱۳۹۵: ۵)

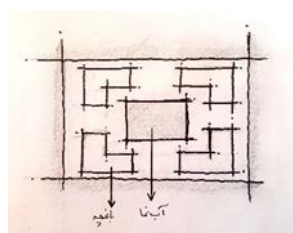
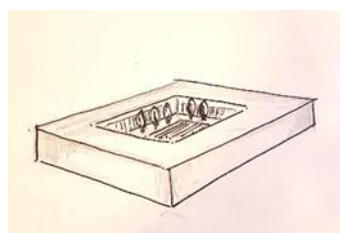
۱۰- احکام طراحی:



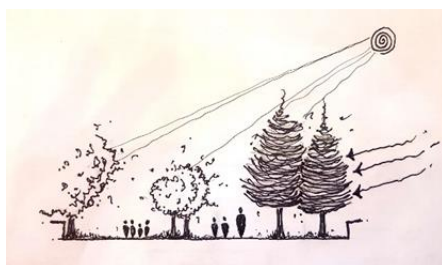
تصویر ۴: استفاده از رواق (منبع: نگارندگان)

رواق: رواق یکی از فضاهای معماری ایران است که در بیشتر شهرهای گرمسیری دیده می‌شود و از لحاظ فرم، ابعاد و جایگاه قرارگیری، متنوع است و از آن برای سایه اندازی و شاخص کردن مسیر استفاده می‌شود.

حیاط مرکزی: حیاط یکی از بارزترین مکان‌ها در ساماندهی طرح خانه‌های سنتی ایرانی بوده است. اگرچه امروزه استفاده از حیاط مرکزی برای خانه‌ها زیاد مرسوم نیست، اما بهره‌گیری از ویژگی‌های آن در قالب مدرن برای فضاهای عمومی کمک شایانی به نظم بخشیدن فضا و تداعی حال و هوای سنتی ایرانی دارد.



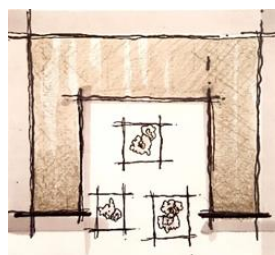
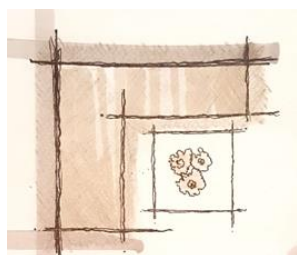
تصویر ۵: استفاده از حیاط مرکزی (به ترتیب از راست به چپ پلان و پرسپکتیو) (منبع: نگارندگان)



تصویر ۶: بهره‌گیری از عناصر طبیعی (مقطع) (منبع: نگارندگان)

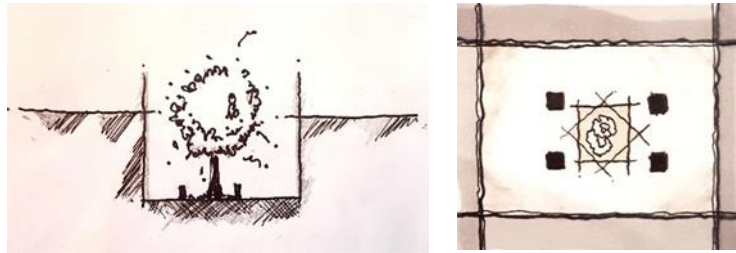
بهره‌گیری از عناصر طبیعی: با بهره‌گیری از پوشش گیاهی مناسب اقلیم، می‌توان فضای بازی و حیاط را تلطیف کرد. همچنین از تابش مستقیم نور خورشید جلوگیری و از سایه اندازی درختان بهره‌گرفت. استفاده از درختان انبوه در حاشیه خیابان می‌تواند از آلودگی صوتی نیز جلوگیری نماید.

ترکیب توده ساختمان با طبیعت: همواره طبیعت یکی از مهمترین و تاثیرگذارترین عناصر در طراحی معماری بوده است. بهره‌گیری از ترکیب درست طبیعت و معماری می‌تواند تاثیری شگرف ایجاد کند.

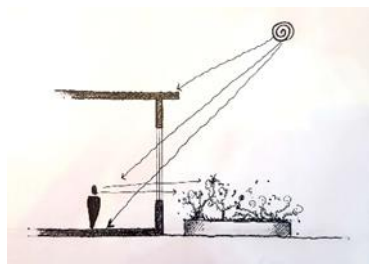


تصویر ۷: ترکیب مناسب توده با ساختمان (پلان) (منبع: نگارندگان)

نفوذ فضای باز و طبیعت در فضای بسته: بهره‌گیری از فضای باز و ورود آن به فضای بسته نقش به سزایی در تلطیف بنا و ایجاد حس تعلق دارد.



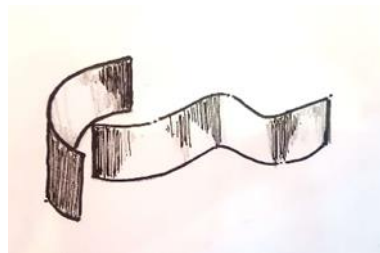
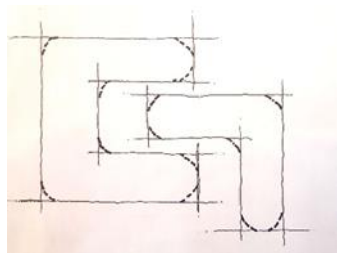
تصویر ۸: نفوذ فضای باز و طبیعت در فضای بسته (به ترتیب از راست به چپ پلان و مقطع) (منبع: نگارندگان)



تصویر ۹: استفاده مناسب از دید و منظر (نما، مقطع) (منبع: نگارندگان)

دید به فضای باز و طبیعت: ایجاد دید مناسب به مناظر طبیعی و بهره‌گیری از باز شو متناسب با بعد دید کودکان از ضروریات طراحی خانه کودک است.

طراحی جداره ها: ایجاد جداره های طراحی شده و متنوع به گونه ای که گوشه های بنا حالت منحنی به خود بگیرند.



تصویر ۱۰: استفاده از جداره های طراحی شده برای برانگیختن حس تخیل و اکتشاف (به ترتیب از راست به چپ پرسپکتیو و پلان) (منبع: نگارندگان)

نتیجه

عواملی چون فضا، رنگ، جنسیت و همچنین رعایت مقیاس ذهنی-روانی کودکان (از طریق ایجاد فضاهایی با مقیاس صمیمی، خودمانی و قابل درک برای آن‌ها) تاثیر به سزایی در طراحی خانه کودک دارد و برای این منظور راه حل‌های گوناگونی ارائه می شود. طراحی این فضا باید با توجه به روحیات منعطف، نیازهای روحی و ادراکات حسی و رفتاری کودکان که از محیط اطرافشان تاثیر می‌پذیرند، صورت بگیرد.

تحریک قوه خلاقانه کودکان توسط عناصر معمارانه از بارزترین ویژگی‌های طراحی محیط‌های کودک محسوب می‌شوند که به موجب آن‌ها فضاها به گونه‌ای طراحی شده‌اند که در کودکان انگیزه تحرک و پویایی بیشتری ایجاد می‌کنند.

فضاهای مهدکودک و خانه کودک به سبب آن که باید برای کودکان طراحی و ساخته شود، حداقل باید شماری از ویژگی‌های اساسی فضایی برای این منظور را داشته باشد، که از آن جمله می‌توان به نکات زیر اشاره کرد :

- ۱- توجه به اصول معماری و شهرسازی در مکان‌یابی خانه کودک .
- ۲- ارتباط فضای درونی و بیرونی .
- ۳- بهره‌گیری از حداکثر نور طبیعی روز .
- ۴- ایجاد دید بصری با محیط پیرامونی .

- ۵- استفاده مناسب از رنگ با توجه به روحیات کودکان. استفاده از رنگ برای سطوح درونی کلاس‌ها و حتی سطوح بیرونی می‌تواند مطلوبیت فضا را برای بچه‌ها بیشتر کند.
 - ۶- بازی بچه‌ها در فضای باز، یکی از فعالیت‌های مهم و ضروری برای کودکان در یک خانه کودک است، بنابراین لازم است یک یا چند فضای باز یا حیاط برای این فعالیت در نظر گرفته شود.
 - ۷- کاربرد فرم‌های بدیع برای ساختمان با برخی از عناصر آن مانند درها و پنجره‌ها می‌تواند جذابیت بنا را بیشتر کند و آن را از خانه و سایر فضاهای معماری متمایز کند.
 - ۸- تماس بچه‌ها با طبیعت و عناصر آن مانند درخت و گل و بوته، لزوم استفاده از باغچه و فضای سبز را در خانه کودک ضروری می‌سازد. می‌توان از ایده‌های گوناگون مانند حیاط مرکزی، حیاط جانبی و نیز فضاهای سبز نواری استفاده کرد.
 - ۹- به کارگیری فرم‌های سیال و پویا در کف‌ها و سقف‌ها برای ترغیب کودکان به تحرک و تکاپو.
 - ۱۰- استفاده از خطوط و مصالح نرم در معماری داخلی فضاها.
 - ۱۱- ایجاد فرم‌های برای برانگیختن حس تخیل و اکتشاف در کودکان.
 - ۱۲- رعایت ابعاد انسانی با در نظر گرفتن رده سنی کودکان برای برقراری امنیت روانی کودکان.
 - ۱۳- توجه به بهداشت، آرامش و حس وحدت در کودکان با ایجاد محیطی شاد و مفرح با استفاده از عناصر معماری.
 - ۱۴- کودکان در این مهدکودک‌ها می‌توانند به تخیل، بازی و تعامل اجتماعی و تقویت حس کنجکاوی پرداخته و تغییر در فصول سال را در پیوند با طبیعت احساس کنند.
- نکته مهم این است که اصول فوق را بتوان به بهترین شکل رعایت کرد.

منابع

- ۱- احتیاطی، مولود، (۱۳۹۳)، "خانه ک.دک با رویکرد بازی و خلاقیت"، پایان‌نامه جهت دریافت کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد دامغان.
- ۲- احدی، حسن و بنی جمالی، شکوه السادات، (۱۳۷۵)، "روانشناسی رشد (مفاهیم کودک)"، ناشر: جیحون، تهران.
- ۳- اتکینسون و همکاران. (۱۳۷۸). زمینه روانشناسی. ترجمه: براهنی و همکاران. تهران: انتشارات رشد
- ۴- اولنج، فاطمه و دژدار، امید و یعقوبی، ابوالقاسم، (۱۳۹۴)، "تبیین نقش عوامل محیطی و غیر محیطی فضاهای آموزشی در بروز خلاقیت کودک"، مطالعات محیطی هفت حصار، شماره دوازدهم، سال سوم.
- ۵- افلاکی فرد، حسین و نائینی داورانی، لیلا، (۱۳۹۶)، "اثر بخشی بازی‌های نمایشی بر رشد اجتماعی دانش‌آموزان دختر پایه پنجم ابتدایی شهر اصفهان"، فصلنامه علمی-پژوهشی علوم اجتماعی، سال یازدهم، شماره چهارم.
- ۶- بردی حق‌نیا، حلیم و بردی حق‌نیا، رحیم، (۱۳۹۵)، "راهکارهای بهینه‌سازی فضاهای آموزشی مدارس کشور"، فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی دوره ۲، شماره ۲.
- ۷- توسلی، افسانه، (۱۳۹۷)، "بررسی میزان وابستگی خانواده هسته‌ای به خانواده‌های پدری و مادری در میان دانشجویان"، مجله جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، شماره ۷.
- ۸- جمال‌آبادی، سارا، (۱۳۸۹)، "اولین‌های جهانی مهدکودک"، مجله سلامت، شماره ۲۸۹.
- ۹- جعفری، حمیدرضا و صالحی، اسماعیل و صادقی نایینی، حسن، (۱۳۸۹)، "بررسی ایمنی زمین‌های بازی کودکان در پارک‌ها با رهیافت برنامه‌ریزی محیطی"، محیط‌شناسی، سال سی و ششم، شماره ۵۶.
- ۱۰- رزمان، ابراهیم، (۱۳۹۴)، "طراحی کودکانستان با نگاهی به نقش طبیعت در آموزش کودکان"، دومین کنفرانس بین-المللی مدیریت و مهندسی صنایع.
- ۱۱- سیف، علی‌اکبر، (۱۳۷۲)، "روانشناسی پرورشی"، تهران: انتشارات آگاه، چاپ نهم.
- ۱۲- سیف نراقی، مریم و نادری، عزت‌الله، (۱۳۷۱)، "بررسی روند رشد تکلم و زبان فارسی کودکان از ۲ تا ۸ سالگی"، مجله تعلیم و تربیت، شماره ۳۱.
- ۱۳- شاطریان، رضا، (۱۳۸۹)، "طراحی و معماری فضاهای آموزشی"، انتشارات سیمای دانش، تهران.
- ۱۴- شریعتمداری، علی (۱۳۴۴)؛ روان‌شناسی تربیتی؛ چاپ دوم؛ اصفهان: انتشارات کتاب فروشی مشعل

- ۱۵- شفیع پور یوردشاهی، پریا و کیانی، مصطفی و طباطبائیان، مریم، (۱۳۹۳)، "نقش طراحی فضای بازی در پرورش خلاقیت کودکان"، مجله معماری و شهرسازی آرمان شهر، شماره ۲۳.
- ۱۶- قبادیان، وحید و اشرفی، نیاز، (۱۳۹۴)، "انگاره طراحی پردیس کودک با رویکرد روانشناسی محیط"، کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در عمران، معماری و شهرسازی، تهران.
- ۱۷- کاردان، عاطفه و حجت، عیسی و شفایی، مینو، (۱۳۹۲)، "رهیافت های ارتقاء خلاقیت کودک در طراحی خانه"، معماری و شهرسازی آرمان شهر، شماره ۱۹.
- ۱۸- کرومر و. (۱۳۸۶)، "معماری برای کودکان"، ترجمه خوشنویس، امیر رحیمی، تهران: نشر گنج هنر.
- ۱۹- گلستانی، نفیسه و کمالی، محسن و روشن، محبوبه، (۱۳۹۵)، "بررسی جایگاه و نقش مشارکت کودکان در طراحی و برنامه ریزی شهرها با تاکید بر روانشناسی محیط کودکان"، مجله مدیریه شهری، شماره ۴۴.
- ۲۰- مقدم، محمد تقی، (۱۳۵۸)، "روانشناسی آموزش و یادگیری"، دوره چهل و هفتم، شماره ۶.
- ۲۱- معینی، محمود و جلالی، اکرم، (۱۳۹۴)، "تاثیر فرم و رنگ محیط در افزایش خلاقیت کودکان"، همایش ملی فرهنگ، گردشگری و هویت شهری، موسسه مهراندیشان ارفع.
- ۲۲- نوروزی، مبینا، (۱۳۹۵)، "نقدی بر معماری فضاهای آموزشی پیش دبستانی از نظر تحرک پذیری و نشاط"، اولین کنفرانس سالانه پژوهش های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری.

اسکیس-طراحی-شهری: <https://amadgp.ir/> URL2- 23

کمدی دل آرته و شخصیت‌های نمایشی آن

سمانه عشقی^۱، احمد حیدری^۲

۱- کارشناس ارشد پژوهش هنر از دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب

۲- استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند

چکیده

کمدیا دل آرته یکی از نمایش‌های کمیک اروپایی است که از مشخصه اصلی آن بدیهه سازی، ماسکره (شخصیت‌های نمایشی) و استفاده از صورتک است. این هنر که در ریشه در یونان و روم باستان داشته از سده ۱۶ تا ۱۸م در ایتالیا و سپس فرانسه و دیگر نقاط دنیا منتشر شد و مورد استقبال جمع کثیری از مردم طبقات پایین جامعه و حتا اشراف گردید. این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است که هنر کمدیا دل آرته دارای چه شخصیت‌های نمایشی است و چه تاثیری بر نمایش‌های کمدی مناطق دیگر به خصوص ایران داشته است؟ روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است. این پژوهش به این نتیجه کمدی دل آرته ریشه در یونان باستان داشته، ولی پیدایش شخصیت‌های نمایشی بستگی به جامعه زمان خود داشته و بداهه سازی گرچه به متن صدمه می زند ولی بیان احساس و عواطف و هوشمندی بازیگر رکن اصلی زنده بودن این نمایش بوده و بعدها با ورود صحنه سازی به این نمایش محدودیت‌هایی در اجرا ایجاد می کند که در نهایت منجر به نابودی این هنر می شود. این هنر در دوره صفوی به شکل تخته روحوسی و یا سیاه بازی بروز می کند.

واژگان کلیدی: دل آرته، ماسکره، صورتک، تخته روحوسی

۱- مقدمه

کمدیا دل آرته را «کمدیا ال ایمپرو ویزو»^۱ (کمدی بدیهه سازی)^۲ و «کمدیا آسوجه نو» (کمدی دارای یک داستان یا موضوع) نیز می گفتند. کمدیا در زبان ایتالیایی به معنای کمدی است و کمدیا دل آرته به معنای کمدی هنری است یا کمدی که توسط هنرمندان اجرا شود. به گفته جورج هنسل، کمدیا دل آرته تناثر بدیهه سازی ایتالیا است که دویست سال تمام از سال ۱۵۴۵م تا اواسط قرن هجدهم بر صحنه های در اروپا مسلط بوده است (هنسل، ۱۳۶۵: ۷۱). جاکومو اورلیا، کمدیا دل آرته را به سه دلیل مرتبط با نمایش های مضحکه آتلانا می داند: یکی شخصیت‌های آن است، دوم بدیهه سازی آن و دلیل سوم صورتک- هاست (اورلیا، ۱۳۸۳: ۲۴).

کمدیا دل آرته از میانه سده شانزدهم پا گرفت. می توان گفت موفقیت آن تقریباً در تمامی اروپا و به ویژه فرانسه و ایتالیا، کشور خاستگاهش، تا حوالی نیمه دوم سده هیجدهم پایدار ماند. یعنی حدود ۲۰۰ سال بازیگران و گروه های کمدیا دل آرته حرفه ای بودند و با گروه های آماتور فرق داشتند آن ها دارای گروه های منظمی بودند. درباره خاستگاه کمدیا دل آرته نمی توان قطعی و صددرصد صحبت کرد، اما محققان نظرات متفاوتی دارند. یکی از این مکاتب، سرچشمه کمدیا دل آرته را در فارس های آتلان در روم می جوید که در قرون وسطی به وسیله گروه های سیار میم حفظ شده بودند. دلیل اصلی بر این نظر وجود شخصیت های ثابت (تیپ سازی) در هر دوی این نمایش هاست. (براکت: ۱۳۸۳: ۳۱۸). نظریه دیگری وجود دارد مبنی بر این که، کمدیا دل آرته از گروه های میم بیزانس منشاء گرفته است، که پس از سقوط قسطنطنیه در ۱۴۵۳ م به غرب مهاجرت کردند (همان). جاکومو اورلیا در کتاب خود کمدیا دل آرته می گوید: «سده هاست که ذهنیت معتقد به استمرار بی وقفه میم مسخره، دیگر کنار رفته است» (خدادادی، ۱۳۸۵: ۲۳).

1- Comedia all Improviso

2- Improvise

وقتی سخن از یک مکتب یا یک سبک و یا یک نوع نمایش به میان می آید باید به مطالعه دوره تاریخی آن مسئله پرداخت. به همین دلیل وقتی از خواستگاه و ریشه کم‌دیا دل‌آرته سخن به میان می آید باید درباره رنسانس سخن گفت. چون اینگونه نمایشی با رنسانس شروع و در تمامی اروپا از فرانسه و انگلستان و غیره گسترش یافت. کم‌دیا دل‌آرته از ایتالیا برخاست (اورلیا، ۱۳۸۳: ۱۱). ریشه «کم‌دیا دل‌آرته» را در نمایش های کم‌دی دوران باستان در یونان و رم، دوران بیزانس و قرون وسطی می توان جست. آنچه مسلم است این سبک تئاتر از اواسط قرن شانزدهم میلادی در کشور ایتالیا شکل گرفت و به دیگر کشورهای اروپا کشیده شد و تا آخر قرن هجدهم رونق داشت. نمایش هایش همراه با لودگی و به صورت بدیهه سازی اجرا می شد و زبان عامیانه ای داشت. ممکن است منشاء اصلی نمایش‌های بازیگران با صورتک در مصر باستان باشد (بنگرید به : تصویر ۱).



تصویر ۱- نمایی از یک فرسک از مصر باستان که نمایشی با صورتک را نشان می دهد که می تواند منشاء پیدایش نمایش‌های بازیگران با صورتک در یونان و اروپا بوده باشد (perrot, 1968: 129)

۲- ماسکرها (شخصیت‌های نمایشی) دل‌آرته

گروه‌های سیاری که از نیمه ۱۵۴۰ م در ایتالیا و سپس سایر نقاط دیگر اروپا، فعالیت نمایشی داشته‌اند؛ شامل افراد گوناگونی بودند که در میدان‌ها به معاملات و فعالیت‌های مختلفی مشغول می‌شدند؛ کار آن‌ها از فروش دارو، کشیدن دندان یا گرداندن کلاه برای جمع آوری پول تا بنگاه شادمانی بود. بازیگران که هر کدام در نقش یک شخصیت ثابت بازی می کردند، در نمایش‌های بیشماری از عروسی گرفته تا نمایش های خصوصی شرکت می کردند. پس از سال ۱۵۷۰ م این بازیگران از ایتالیا به فرانسه، اسپانیا و انگلستان رفتند و کم کم کم‌دیا دل‌آرته در گوشه و کنار اروپا به روی صحنه رفت. دنیای دل‌آرته، از شخصیت های سنخی متعددی تشکیل شده که هر کدام از این شخصیت ها ویژگی های ثابت و کم و بیش تغییر ناپذیر دارد (بنگرید به : تصویر ۲). شخصیت های سنخی اصلی شامل خدمتکاران، پیرمردها (ارباب) و عاشق ها^۱ هستند که خود به دو بخش تقسیم می شوند: دسته‌ی معمولی و دسته اغراق شده که عاشق ها در دسته‌ی معمولی قرار می گیرند که بدون صورتک ظاهر می شوند و خدمتکاران و پیرمردها در دسته‌ی اغراق شده هستند که صورتک می زنند و هر کدام لباس مخصوص خود را دارند. خدمتکاران در کم‌دیا دل‌آرته خود به دو بخش تقسیم می شوند: نوکرها (زانی‌ها) و ندیمه ها که معمولاً در حد تیپ باقی می‌مانند. اما زانی‌ها شخصیت اصلی نمایش و محبوبترین در میان همه هستند که در مرکز نمایش و سرخه‌گری قرار دارند و تعداد آن‌ها در هر نمایش بین یک یا چهار نفر است (Clubb, 2002: 126-7).

شخصیت نوکر پس از تکاملی تدریجی که از کم‌دی آریستوفان داشته، با تأثیر زیاد در کم‌دی مناندر و سپس پلوتوس و ترنس که در آن‌ها شخصیت نوکر از یک شخصیت حاشیه‌ای در کم‌دی کهن به شخصیتی محوری در کم‌دی نو تبدیل شد، در

۱- عاشق: یکی از سایر شخصیت های گروه های کمیک ایتالیایی عاشق هستند. عشاق در نیرنگ ها و انجام کارها سهیم بودند. لباس دقیق و مشخصی نداشتند. ولی لباسشان شیک و باب روز بود و هرگز ماسکی با آن همراه نبود. سومی Sommi در این باره می گوید: هنگام تهیه لباس برای دو نفر از عاشق تلاش می کردم رنگ و مدل آن ها با هم تفاوت داشته باشد. یکی شل داشت، دیگری مانتو، کلاه بره‌ی یکی با پر، دیگری با نوارهای طلایی و بدون پر تزئین می شد (میک، ۱۳۹۳: ۷۸-۸۲).

کمدیا دل آرت به اوج خود رسید که کامل‌ترین شکل این شخصیت پس از هزار و هشتصد سال (از حدود ۴۰۰ پ.م تا ۱۴۰۰ م.) در این دوره پدیدار می‌شود. از زانی‌هایی که در نمایش‌های کمدیا دل آرت حضور دارند، سه زانی محبوب‌تر بوده‌اند که به تدریج تبدیل به شخصیت‌های اصلی نمایش‌ها شده‌اند؛ آرلینکو، پولپینلا و بریگلا (دادشی و دیگران، ۱۳۸۹: ۷۹).

شخصیت دیگر نمایش عبارتند از: ارباب خسیس و پولدار که پانتالونه نام دارد، سرباز لاف زن با نام کاپیتانو، تحصیلکرده‌ای بی سواد و تازه به دورانرسیده به نام دوتوره (دکتر)، و دو جوان عاشق که معمولاً یکی دختر پانتالونه، و دیگری پسر دوتوره یا قاضی پرحرف و ابله‌ای است. موضوع نمایش‌ها معمولاً عشق میان دو جوان است که با مکر و دانایی آرلینکو در پایان نمایش به هم می‌رسند. آنچه داستان نمایش‌های کمدیا دل آرت را پیش می‌برد، مهارت بازیگران در اجرای نقش‌ها بود و لطیفه‌ها و ترفندهایی که در جریان نمایش به کار می‌بردند (هنسل، ۱۳۶۵: ۷۲-۷۴).

آنچه مسلم است این سبک تئاتر (دل آرت) از اواسط قرن شانزدهم میلادی در کشور ایتالیا شکل گرفت و به دیگر کشورهای اروپا کشیده شد و تا آخر قرن هجدهم رونق داشت. در سال ۱۵۴۵ میلادی گروهی حرفه‌ای در شهر پادووا^۱ در شمال ایتالیا به مخالفت با نمایش‌های درباری برخاسته که توسط عده‌ای غیر حرفه‌ای در باری اجرا می‌شد. تماشاگران این نمایش‌ها نیز خود درباریان بودند. گروه پادوانی^۲ به عنوان عکس‌العمل، تئاتری به نام (کمدی دل آرت) را بنیاد نهادند، که نمایش‌هایش همراه با لودگی^۳ و به صورت بدیهه‌سازی اجرا می‌شد، زبان عامیانه، لهجه‌های مختلف و لاتین نادرست، از خصوصیات این سبک نمایش است. شخصیت‌های نمایش نامه پیرمردان احمق و هوس باز، آدم‌های کودن و مضحک، سربازان گستاخ، زنان بی بندوبار و معشوق‌های وفادار را تشکیل می‌دادند. بطور کلی می‌توان شخصیت‌ها را به دو دسته تقسیم نمود: الف - شخصیت‌های اغراق آمیز و ب - شخصیت‌های طبیعی. شخصیت‌های اغراق آمیز برای گفتگوهای آزاد عامیانه و نیز از بین بردن میمیک چهره و بکار گرفتن حرکات بدن صورتک‌های نیمه بر چهره می‌نهادند. شخصیت‌های طبیعی از گریم ساده که شامل مالیدن آرد سفید بر چهره بود و بعدها پودر سفید جایگزین آرد گردید استفاده می‌کردند. شخصیت‌های اصلی کمدی دل آرت از این قرارند:



تصویر ۲- نقاشی از نمایش دل آرت در ایتالیا (سده ۱۶، نقاشی سبک باروک

فلمیش <https://www.britannica.com/art/commedia-dellarte>)

۲-۱- آرلکینو^۴

«لوده» که خدمتکار چابک، زرنگ و ماهر است، او اغلب سر حال، تند و تیز و سالم است (میهن، ۱۳۶۹: ۴۹). اسم آرلکن از شیطان مسخره قرون وسطی که هرلوکن^۵، هلکن^۶ و هنکن^۷ بوده گرفته شده است. این شخصیت صورتکی با رنگ قهوه‌ای تیره متمایل به قرمز به چهره می‌زند. ابروانی به حالت متعجب با چشمانی سربالا به شکل گربه، بینی کوتاه با سوراخ‌های گرد، لب بالا فراخ، گوشه‌های لب تا روی گونه، روی پیشانی خطوطی به حالت تعجب و خالی گوشته بزرگ در کنار آن از مشخصات صورتک این شخصیت می‌باشد.

1 Padova
2 Pado Vanie
3 Farc
4 Arlequin
5 Herlequin
6 Hellequin
7 Hennequin



تصویر ۳- آرلکینو

(<https://www.britannica.com/art/commedia-dellarte>)

این صورتک به وسیله کش یا نخ به پشت سر بازیگر بسته می شود. گاهی نیز بازیگر از چانه بند به رنگ سیاه استفاده می کند. بر لباس آرلکینو تکه پارچه های رنگی به شکل وصله کار می شود. شخصیت های مشابه او در نمایشنامه عبارتند از: آرلو چینو^۱ گوزتو^۲ باگاتی نو^۳ - تروفالدینو^۴. از میان تمامی ماسکره های کمیدیا دل آرتیه آرلینکو محبوبترین خیال انگیزترین و هیجان بخشترین آن هاست. (بنگرید به : تصویر ۳).

خاستگاه دور آرلکینو را باید در شیخ ها/شیطان ها و دلقک های اوایل سده های میانه جست، که سنت انگلیسی، فرانسوی، آلمانی انباشته از آن هاست. ولی درباره خاستگاه نام آرلکینو ممکن است از نام آرله Harle نام پرندۀ ئی با پروبال رنگارنگ یا از نام "ارل کونینگ"، شاه غولان در یک داستان پهلوانی باستان آلمانی گرفته شده باشد (اورلیا، ۱۳۸۳: ۹۱).

۲-۲- زانی ها

دو خدمتکار مسن (زن- مرد). آن ها سی تا چهل سال از آرلکینو بزرگتر می باشند. از اهالی شمال ایتالیا هستند و هردو بدجنس، بی ادب و خبیثند. این دو شخصیت از صورتک استفاده می کنند. پیشانی بلند برجسته، چشمانی ریز و مودی و بطور کلی خطوطی تا حدودی غیر انسانی از مشخصات این صورتک هاست، زانی زن به نام فرانچسکینا^۵ نیز نامیده می شود. (بنگرید به : تصویر ۴). صورتک ها به رنگ قهوه ای خیلی تیره است. دو زانی از محبوبترین و نیز خاص ترین تیپ ها در کمیدیا دل آرتیه محسوب می شدند. زانی های گوناگون از قرن ۱۶م به بعد با شوخی ها و حقه هایشان مردم را می خندانند (میک، ۱۳۹۳: ۵۳). دو زانی ابتدایی "لودی زانچی" بودند که به علت عدم وجود دستور نمایشی معمول دو لوده انعطاف بدن و تیزهوشی خود را در گفت گوهای طنزآمیز شوخی های کاملاً مردمی نمایش می دادند. (میک، ۱۳۹۳: ۵۳).



تصویر ۴- سمت چپ تصویر یک زانی (<https://www.britannica.com/art/commedia-dellarte>)

- 1 Arlechino
- 2 Guazeto
- 3 Bagatino
- 4 Truffaldino
- 5 Zani
- 6 Frances China

۲-۳- پانتالونه



تصویر ۵- پانتالونه

(<https://www.britannica.com/art/commedia-a-dellarte>)

پیرمرد ثروتمند بازرگانی از اهل ونیز است. او لهجه ونیزی دارد. اغلب با نوکرش زانی وارد ماجراهای عاشقانه مسخره می شود. این شخصیت از صورتک نیمه استفاده می کند. ابروان و چشمانی با خطوطی افتاده و بینی قوزدار، از مشخصات این صورتک است. همچنین برای این صورتک گاهی از ابروان و ریش سه گوش با موی به رنگ سفید یا دودی استفاده می شود. در گذشته صورتک این شخصیت به رنگ کرم روشن بود که بعدها تبدیل به رنگ قهوه ای گشت. این ماسکره تاجر ونیزی پیری را تصویر می کند که گاهی ورشکسته، گاهی ثروتمند و اشرافی و اغلب از مشاوران حاکم شهر یا پادشاه است. (بنگرید به : تصویر ۵).

صفت های طنزآمیز پانتالونه بیش از هر چیز برخاسته از تضادهای سالخوردگی اند: خسیس و سخت آزمند است؛ عاشق زرق و برق و تجمل هم حيله گر است (اورلیا، ۱۳۸۳: ۱۱۸). رنگ غالب در پوشاک وی قرمز است، کلاه پشمی سبک یونانی و کت تنگ و چسب دارد. (اورلیا، ۱۳۸۳: ۱۲۰).

۲-۴- دوتوره (دکتر)



تصویر ۶- دوتوره (دکتر)

(<https://www.britannica.com/art/commedia-a-dellarte>)

این شخصیت دکتر در طب یا حقوق است. اهل شهر بولونی می باشد و لهجه بولونی دارد. از لغات لاتین به غلط استفاده می کند و اغلب اظهار فضل و معلوماتی می کند که فاقد آن است. او دوست پانتالونه است در دیسیسه های او نیز شریک است و روی هم رفته شخصیتی ساده لوح دارد که اغلب گول می خورد. این شخصیت از صورتک نیمه که روی پیشانی و بینی را می پوشاند استفاده می کند. بینی نسبتاً بزرگ از مختصات این صورتک است (بنگرید به : تصویر ۶). رنگ صورتک به رنگ بنفش تیره است. این شخصیت قبلاً از ریش سیل قرمز استفاده می کرده است. پرحرفترین ماسکره است ولی به علت فرهیگی کم تحرک ترین آن هاست. پوشاک او سرتاپا سیاه به جزء یک یقه پهن سفید، سرآستین های سفید و دست مال سفیدی که از کمر بند چرمی اش آویخته؛ کلاه نمدی او هم سیاه است و لبه ی آن به شیوه ی دون بازلیو رو به بالا برگشته است (اورلیا، ۱۳۸۳: ۱۲۷).

۲-۵- کاپیتان

این شخصیت شجاع و جسور کاذب می باشد، در واقع کاریکاتوری از شجاعت است. او اغلب از دلآوری هایش در جنگ های گذشته سخن می گوید. دروغ پرداز است. به وسیله اشک هایش اغلب فاتح است. این شخصیت از صورتک نیمه استفاده می کند، بینی بزرگ با حالتی تهدیدآمیز و گاهی همراه با سیل بلند مجعد از مشخصات این صورتک می باشد. صورتک در اوایل به رنگ کرم روشن بوده است، بعدها تبدیل به رنگ تیره شده است (بنگرید به : تصویر ۷).

«همراه کاپیتان، نوکری همراهی می کند که نقش گماشته او را دارد، وی به صورت رندانه ارباب خود را و می دارد تا شاه-کارهای هراس انگیز خود را بازگو کند؛ وی معمولاً سخنانی غلبه سُننه به اسپانیایی می گوید. زبانی گزافه گو با عجیب ترین و اغراق آمیز تشبیهات بی تناسب دارد. رجزخوان و خودستا است» (اورلیا، ۱۳۸۳: ۱۴۹-۱۵۰).

۲-۶- پولچینلا^۱

خدمتکار مسنی از اهالی ناپل است. این شخصیت نیز از صورتک استفاده می کند. بینی عقابی بزرگ، خطوط پیشانی، ابروان افتاده و چشم های گرد از خصوصیات این صورتک است. برای این شخصیت از خال های متعدد درشت و برجسته روی بینی، گونه و پیشانی استفاده می گردد. این شخصیت در کشورهای فرانسه با نام پلی شی نل^۲ در انگلستان پانچ^۳ و در اسپانیا دُن کریستو بال پولچینلا^۴ معروف است (بنگرید به : تصویر ۸).

ماسکره شاخص ناپلی است، در ابتدا پولچینلا گوژپشت بود، بینی سرپایین، سبیل دراز، و ریشی نوک نیز داشت. در سال های پایانی سده ی هفدهم ریش و سبیل او حذف شد و به جایش نیم صورتکی سیاه یا قهوه ای آمد که چین و چروک داشت و زگیل یا خالی درشت بر پیشانی، بینی اومنقار مانند شد و کلاه قندی درازی پیدا کرد. زمانی رسید که خنجر ناپدید شد و پولچینلا گاهی شیپوری صدف شکل یا کاسه ئی پر از ماکارونی به دست می گرفت (اورلیا، ۱۳۸۳: ۱۳۶). وی در شغل هایی همانند خدمتکار، کشاورز، دندان ساز، پزشک، سرباز ساده. این ماسکره ناپلی هم خانواده آرلینکو، شخصیتی ضد و نقیض همانند: کندذهن یا باهوش، ابله نما یا روشنفکر، کتک زن کبیر یا کتک خور بزرگ، ترسو و بیباک (اورلیا، ۱۳۸۳: ۱۳۶). وی یک لحظه آرام نمی گیرد و اطوارهای برجسته و پردامنه اش بی تردید جلوه ئی سرگرم کننده دارند؛ او اغلب آواز می خواند و گیتار و ماندولین هم می تواند بنوازد (اورلیا، ۱۳۸۳: ۱۳۸).



تصویر ۸- پولچینلا



تصویر ۷- کاپیتان

(<https://www.britannica.com/art/commedia-dellarte>) (https://www.britannica.com/art/commedia-dellarte)

۲-۷- بریگلا^۵

خدمتکاری است مسن، بسیار حيله گر، مکار و مردم آزار. این شخصیت نیز از صورتک استفاده می کند، بینی پهن، گاهی ابروان از موی رنگ روشن، یک رشته مو در زیر لب تحتانی از مشخصات این صورتک است. رنگ صورتک تیره متمایل به سیاه است. «نوکر زیرک شخصیت او یادآور شخصیت اپیدیکوس در کمدی ئی به همین نام اثر پلاوتوس است» (اورلیا، ۱۳۸۳: ۱۰۹). شخصیت های مشابه او در نمایشنامه ها: بل ترام^۶، اسکاپن^۷، اسبریگانی^۸، ماسکاریل^۹، فیگارو^{۱۰} را می توان نام برد. شخصیت های طبیعی با مالیدن آرد بر چهره، چهره را روشن می کردند و بازیگر زن گونه ها و لب ها را قرمز می نمود (همان: ۵۰-۵۶).

1 Pul canella

2 Polichinelle

3 Ponch

4 Docrisobal pulchinella

5 Brigella

6 Beltrame

7 Scapin

8 Sbrigani

9 Mascarille

10 Figaro

۳- تکنیک نمایش

بازیگران می بایستی بر پایه توضیحاتی که در سناریو بود گفتگوها و لاتسی (ماجرای نمایشی) را بداهه پردازی می کردند. پیش از بالا رفتن پرده، یکی از بازیگران مرد پیش گفتار را می گفت که معمولاً هیچ ربط مستقیم به مضمون اجرا نداشت؛ در فاصله ی پرده ها رسم بود اینترمتسوهائی (میان پرده هائی) کوتاه به نمایش در می آمد، که اسکچ های هجوآمیزی از نوع تیپ مخصوص بودند. در آغاز صحنه پردازی نسبتاً ساده بود، یک پشت آویز نقاشی شده یا دو خانه ی رو بروی هم در طول صحنه اما بعدها مفصلتر شد و جلوه های صحنه ای کار ماشین کارهای ماهر، نمودی آشکار یافت. (اورلیا، ۱۳۸۳: ۳۶). پیش از اجرا، بازیگران و کارگردان گروه که به استاد (مایسترو) یا حرکت نگار (کوراگوس) معروف بود، در مورد نحوه ی پیاده کردن سناریوها برنامه ریزی و توافق می کردند. کارگردان ماهیت شخصیت ها، حوادث و خطوط اصلی پی رنگ را تعیین می کرد و راه نمایی هایی درباره ی ماجرای نمایشی (لاتسو) مناسب برای موقعیت های گوناگون به دست می داد. (اورلیا، ۱۳۸۳: ۳۷).

۴- نمونه هایی از ماجراهای نمایشی (لاتسوها)

لاتسوی نیکی پولچینلا: وقتی از کاپیتانو یا دیگران می شنود که قصد کشتن اش را دارند، اما نمی دانند که او می داند، با این کلمات آزادانه از خودش تعریف می کند: «پولچینلا مرد بی اندازه هوشیارست، مرد فروتنی ست، مرد نیکی ست» (اورلیا، ۱۳۸۳: ۳۸).

ماجرای نمایشی (لاتسوی مگس): پولچینلا که ارباب اش او را گذاشته تا از خانه نگهبانی کند، وقتی می پرسند کسی خانه هست، پاسخ می دهد یک مگس هم پیدا نمی کنید. ارباب سه مرد را در آن جا پیدا می کند و پولچینلا در پاسخ توبیخ های او می گوید: «شما که مگس پیدا نکردید، آدم پیدا کردید» (اورلیا، ۱۳۸۳: ۳۹).

۵- مقایسه تطبیقی نمایش دل آرته با نمایش های دیگر

کمدی دل آرته در دوران رنسانس همان نقشی را داشت که فیلم داستان های تصویری کمدی های موقعیت تلویزیونی و بورلسک در سده ی بیستم داشته است؛ سرگرمی برای مردمان فرادست و فرودست، ترکیبی از موقعیت های تجربی و حقیقی با تنوع بی نهایت، (اورلیا، ۱۳۸۳: ۱۱) هم واره دارای نعی روشن فکری نا خواسته و اغلب ساده و عامیانه و در بهترین حالت آن گونه که تنها از هنری مردمی برمی آید پر خون و با روح است. اجراکنندگان بزرگ گروه های نمایشی کمدی مانند بازی گران سینما شهرت جهانی می یافتند. مانند شخصیت های داستان های تصویری غیر واقعی و بی سن و سال به نظر می رسیدند، صورتک هایی بدون روح و حس مثل لوده های بورلسک هم خشن بوده اند. هم نرم خو، برده ی اشتباهی سیری ناپذیر به زندگی، با مهارتی سترگ که برآمده از سال ها بازی در برابر انواع و اقسام تماشاگران بود و چنان بی قید در بی شرمی که با یک چرخش کمر تمام معیارهای ادب و آداب را تهی می کردند (اورلیا، ۱۳۸۳: ۱۲).

بنیان وجودی کمدی یکی این واقعیت است که هر گروه نمایشی آن شامل صورت فلکی از شخصیت ها بود که بدون قید و بستگی به پی رنگ داستانی هم واره ثابت بودند. برادران مارکس را در نظر بگیرید و هم کار همیشگی آن ها، بیوه زن تنومند، مارگرت دومن را اضافه کنید، می شود هم تای امروزمین یک گروه کوچک کمدی دل آرته، در هر مکانی بودند، در میدان مسابقه، سیرک، یا اپرا، همان نقش را بازی می کردند.

دومین عنصر بنیانی کمدی کار بداهه است. در حد و مرز بداهه کاری اجراهای بازی گران ایتالیایی بحث بسیار است، اما دیدگاه مورد توافق همگان می گوید چون نمایش های موجود در رپرتوار یک گروه نمایشی گاه دست خوش دگرگونی های ناگهانی می شد. بازی گران خود را با این دگرگونی ها هم آهنگ می کردند.

در پایان سده شانزدهم تراژدی کارهای ایتالیایی چنان تیز هوش بودند که با یک ساعت تمرکز و تعمق هر ماجرای را به نمایش در می آوردند؛ هر اجرا کننده ذخیره ی بزرگی از چند گفتار و کلی چشمه های کاری در اختیار داشته که درست مانند اجراگران امروز کمدی سرپایی^۱ می توانسته برای هر مبحثی، هر موقعیتی، یا هر پیش آمد ناگهانی لطیفه یا جوابئی از آستین

1 -stand-up comedy

درآورد. بازی گران و کارها و عادت‌هاشان همانند قطعه‌هایی قابل تعویض بودند که طوری ساخته شده بودند که به انواع و اقسام دستگاه‌ها می‌خورند (اسپرینکون، ۱۳۸۳: ۱۳)

بخش عمده‌ی نبوغ کم‌دیا در خودبه خود بودن آن نهفته است. البته این قدرت بسته به هوش بازی بازی‌گر و پاسخ‌های تماشاگر در هر اجرا فرق می‌کرد. اجراهای کم‌دیا را می‌توان با برنامه‌های جاز مقایسه کرد که هیچ دو اجرائی مشابه نمی‌شوند. حتی اگر در هر دو یک ترانه اجرا شود. با گذشت زمان، بر دکور صحنه بیشتر تکیه شد و عنصر بداهه کاهش یافت. با این جریان زوال کم‌دیا نیز آغاز شد (اورلیا، ۱۳۸۳: ۱۳). این زوال با روند تکاملی که به تئاتر واقع‌گرای سده ی نوزدهم راه برد درآمیخت. جنبش واقع‌گرایی در تئاتر فرصت بیشتری برای تمرین می‌خواست، زیرا به متن وفادار بود، البته متنی که ریزترین جزئیات آن به دقت ساخته و پرداخته شده بود. اوج جنبش واقع‌گرایی پدید آمدن کتابچه‌هایی بود که استانیسلاوسکی برای نمایش نامه‌چخوف فراهم کرد و در آن‌ها دستورات دقیق اجرا آمده بود، در این هنگام بداهه کاری در کاباره‌ها و باشگاه‌های شبانه گوشه‌ی عزلت گرفته بود (اسپرینکون، ۱۳۸۳: ۱۳)

اوج تکامل و غنای نمایش طبیعت گرایانه در آستانه‌ی جنگ جهانی اول بود، که بارها سرتاپا تمرین و جزء به جزء کارگردانی می‌شد. در پی این اوج واکنشی مخالف شکل می‌گرفت و کارگردانان جهان کم‌دیا را از نو کشف کردند، با آن رنگ‌های پرزرق و برق‌اش آن ماسکره‌ها یا شخصیت‌های ثابت و اغلب گروتسک اما به راستی تئاتری‌اش، حضور پرشور بازی‌گرش و نبود حقیقی هر گونه نمایش نامه‌نویس مزاحمی. کم‌دیا تئاتری جامع فراهم می‌کرد که در آن رنگ (پدانت به فضل فروش) سیاه، پانتالونه سرخ، بریگلا سبز و سفید، آرلکینو رنگارنگ، موسیقی و کارهای آکروباتی دست به دست هم می‌دادند و جلوه‌ی همه جانبه فراهم می‌آوردند. کم‌دیا سیرکی بود که پی رنگ داستانی داشت. تئاتر واقع‌گرا در مقایسه با آن پس مانده‌ی رنگ باخته‌ی هنری از دست رفته می‌نماید. (اورلیا، ۱۳۸۳: ۱۴).

با کشف دوباره‌ی ارزش‌های کم‌دیا دامنه‌ی دانش ما از شکل و ماهیت واقعی تئاتر الیزابتی نیز گسترده‌تر شد. منتقدان رومانتیک انگلیسی و آلمانی شکسپیر را در فلسفه دفن کرده بودند؛ کارگردانان سده ی نوزدهمی نیز با صحنه پردازی‌های واقع‌گرایانه‌ی که تعویض‌شان ساعت‌ها طول می‌کشید، دست و پای او را بسته بودند. پس از این وظیفه بر شانه‌ی نویسندگان تاریخ تئاتر افتاد که، با بهره گرفتن از دانش خود از تئاتر اروپا، از لایه لای اقدامات گمراه‌کننده‌ی چهار نسل از شکسپیر پرستانی که می‌کوشیدند، بنا به تصورات ذهنی خود از شکسپیر بت بسازند، چهره‌ی حقیقی شکسپیر را بیرون بکشند. تئاتر الیزابتی، همانند کم‌دیا دل‌آرته، در وهله نخست تئاتر بازی‌گر بود. خانم کتلین‌ام‌لی در کتابی درباره‌ی نمایش مردمی ایتالیایی با قاطعیت ابراز می‌دارد که محبوبیت هملت یا توفان در میان مردم به احتمال قوی بیشتر به خاطر جنبه‌های پرشور دراماتیک و ویژگی‌های تماشایی آن‌ها بوده تا شاعرانه بودن صور و تعبیرات.

مطالعه و بررسی شمایل‌های کم‌دیا که با گشاده دستی فراوان در کتاب اورلیا ارائه شده بیش از خواندن ده دوازده نمایش نامه‌ی الیزابتی گوهر بنیانی درام شکسپیر را به ما می‌شناساند. هر چند نام‌های پانتالونه، آرلکینو، بریگلا و کولومبینه در میان شخصیت‌های نمایشی انگلیس جایی ندارند، اما همین چهره‌های استانده‌چنان برای تماشاگران الیزابتی آشنا بودند که شکسپیر می‌توانست هر از گاهی به پانتالونه‌ی خمیده و نزار اشاره‌ی بنماید. نمایش‌هایی مانند "تاجر ونیزی" و "ولین از کم‌دیا مردمی ایتالیایی الهام گرفته اند. آنتونیو شاید تاجر ونیزی باشد، اما شایلاک که دخترش را از دست می‌دهد، پاک هم تیپ پانتالونه است. از همین دست است برابانتیو در اوتلو؛ برابانتیو، سناتور ونیز هم دخترش را از دست می‌دهد. کورونینو در ولین هم‌باز تاجر ونیزی است که وقتی متوجه می‌شود که فریب موسکا و ولین را خورده است، خود را پانتالونه می‌خواند. کورونینو تقریباً بی‌تردید، و شایلاک به احتمال زیاد و حتی یهودی مالیت مارلو، گرته‌ی پانتالونه‌ی هستند که تصویرش در دیوارنگاره‌هایی تراوسنیتس دیده می‌شود. کاپیتانو اسپاونتو، سرباز لاف زن کم‌دیا، در "جوجه را آخر پاییز می‌شمارند"، به صورت کاپیتان پارولس و در تلاش بی‌هوده‌ی عشق به صورت دون آدریانو در آمادو درآمده است پدانتی مضحک با لباس سیاه، در کم‌دیا شکسپیر در قالب هولوفرنس رخ می‌نماید و شکی نیست که گراتیو در تاجر ونیزی که بی‌اندازه درباره‌ی هیچ حرف می‌زند از روی دوتوره گراتسیانوی کم‌دیا الگوبرداری شده است (اسپرینکون، ۱۳۸۳: ۱۳)

وقتی تیپ‌های کم‌دیا به انگلستان منتقل شدند، صورتک‌های خود را از دست دادند، خود به خودی بودنشان نیز تا حدود زیادی کاسته شد. اما با توجه به نفوذ فراگیر بازی گران کم‌دیا در سراسر اروپا، به نظر من به جاست اگر فرض کنیم در اجرای نمایش نامه‌های شکسپیر بداهه کاری کم نبوده است، دست کم بیش از آن بوده که آنان که نوشته‌های او را وحی منزل می‌دانند و به وجود یک متن ثابت و قطعی ایمان دارند، حاضر به تاییدش هستند. بازیگران کمیک همیشه دوست داشتند نقش را

شیرین کنند، و می دانیم که بازیگران انگلیسی هم جز این نبوده اند. منظور از بداهه کاری صرفاً این است که بازیگر آزاد باشد اندکی از متن جدا شود، در برخی صحنه ها نقطه‌ی تاکید را تغییر دهد، و حرکت‌های کاری متنوع بیافریند. بداهه کاری مسئولیت خطرناکیست مگر آن که بازیگران مدتی طولانی با هم کار کرده باشند و توانایی ها و محدودیت‌های یکدیگر را بشناسند. گروه‌های نمایشی کم‌دیا چنین تیم‌های به هم فشرده ئی بودند، بازیگران انگلیسی هم همین طور؛ در نتیجه اجرای آن‌ها می توانست رنگ و بوئی از بداهه نیز داشته باشد، هر اجرا بی‌مانند از کار در می‌آمد. چون به بازیگران آزادی داده می‌شد. فکر و ذکرشان نه وفاداری به متن، بلکه حفظ توجه تماشاگران بی‌نظم، در هم برهم، و پرهیاهویی بود که با یکدیگر حرف می زدند، سربازبازگران داد می‌کشیدند و جلوه های خوب و دیالوگ‌های خوب را تشویق می کردند. تماشاگرانی که بیشتر شبیه تماشاگران مسابقات ورزشی بودند تا نمایش ایپسن یا رستیتال برامس حتی ترکیب بندی نمایش‌نامه های شکسپیر ماهیت بداهه کارانه‌ی سرگرمی او را فاش می‌کند. واگنر شکسپیر را بداهه کاری بزرگ خوانده و با این کار خود، بیش از صدها قد دانشگاهی، ماهیت نبوغ او را آشکار ساخت. به گمان من، اگر هر دانشجویی وادار می‌شد پیش از خواندن یک کلمه از درام الیزابتی با کم‌دیا آشنایی پیدا کند، روند آموزش شکسپیر پاک دگرگون می‌شد.

«تأثیر کم‌دی ایتالیایی بر درام فرانسوی و به خصوص مولیر حتی از مورد انگلیسی هم بارزتر است. محبوبیت بازیگران ایتالیایی در فرانسه که اقامت‌هایی دراز در این کشور داشتند، دوره‌ئی پدید آورد که در آن نثر جای نظم نشست و پی رنگ های ایتالیایی به تئاتر فرانسه معرفی شدند. وقتی بازیگران فرانسوی نقش‌های اصلی را عهده دار شدند، بریگتا تبدیل به تورلوین شد. نوکر صورتک‌دار رند و کلک و دوتوره (دکتر) ایتالیایی گوته –گارگی گشت-وکیل فرانسوی قد بلند، لاغر صورتک دار و عینکی، مولیر در بازی گری، اسکاراموتچای بزرگ را سرمشق خود قرار داد، و درست به دلیل خارجی بودن فوت و فن کار صحنه‌ای اش بود که به تازیانه‌ی منتقدان فرانسوی گرفتار شد» (اورلیا، ۱۳۸۳: ۱۳).

«هنر خودجوش بازیگران قرون وسطی و گولیارد‌ها بی تردید در تکوین پیچیده ی آن نقش داشته و سیر تکامل آن در موارد زیر ادامه یافته است؛ اجراها و آیین های کارناوالی، فارس‌های نتراشیده و قصه گوئی های مردمی با نویسندگان ناشناس و تئاترهای واقع گرای لهجه ای که بازیگر نمایش نویسانی چون جانجورجو آلیونه، آنجلو پتولکو معروف به ایل روتسانته (روستایی) در آن تیپ هائی ثابت آفریدند. روند تکامل ایمپروویزا خلاف کم‌دی فرهیخته یا کم‌دی مکتوب رنسانس بود، زیرا به شخصیت‌ها و پی‌رنگ های خود رنگی مردمی می بخشید، به خصوص که بازیگران حرفه ای آن می بایستی برای جمع گسترده‌ئی از مردم قابل فهم می بودند» (اورلیا، ۱۳۸۳: ۲۳).

خدمتکاران، پیرمردان و عاشق‌ها سه ستون اصلی کم‌دیا دل‌آرته هستند و شخصیت های دیگر مکمل آنان به شمار می‌آیند. هر ماسکره سبک اجرایی مشخص و متمایز خود را دارد. ماسکره‌ها به انواع و اقسام گویش‌ها، ایتالیایی مخلوطی از گویش‌ها و اصطلاحات صحبت می‌کنند. پرده‌ی پر نقش و نگار هزار رنگ و فریباییست، پوشاک مخصوص این ماسکره‌ها در تقابل با کنتراست های ادا و صدا قرار می گیرد و کل کار با کنترپوان اجرای عملی متوازن و هم آهنگ می شود (خدادادی، ۱۳۸۵: ۳۲).

کم‌دیا دل آرته در اصل حرف اصلی است میان بد بینی و خوش بینی که به تئاتر (باروک) تحرک بخشد ولی سرانجام در زمان روشنفکری از بین رفت. تخت حوضی نیز با ورود تئاتر های فرنگی و ورود جامعه ما به تجدد طلبی و روشنفکری رو به افول نهاد و روشنفکران ما حتی دیدن اینگونه نمایش ها را نیز کسر شأن خود دانستند. از نظر دیگر اگر بخواهیم به تفاوت میان دو گونه از نظر تاریخی و خاستگاهشان نگاهی داشته باشیم، باید بگوییم تفاوت میان آن ها تقریباً کم است. ابتدا از نظر زمان تاریخی است که کم‌دی دل آرته در قرن شانزدهم یعنی از حدود ۱۵۵۰ م شروع و تا ۱۷۵۰ ادامه داشت اما نمایش های تخت حوضی ما از اواخر سلطنت قاجاریه شکل گرفت و تا دهه ۱۳۴۰ ه.ش با موفقیت ادامه داشت. همچنین می بینیم که کم‌دیا دل آرته کاملاً پیشرفت نمود و گسترش یافت و به کشورهای دیگر اروپایی مانند فرانسه، انگلستان و آلمان نفوذ پیدا کرد و تازه بعد از افولش نویسندگانی مانند «گولدونی» و «مولیر» از داستان ها و تیپ های کم‌دیا دل آرته به شکلی زنده تر و مدرن تر در آثارشان استفاده کردند. مثل نمایشنامه های (طبيب اجباری)، (حلقه های اسکاپن) در آثار مولیر و (خدمتکار و ارباب) در اثر گولدونی. همچنین در قرن بیستم در آستانه جنگ اول جهانی کارگردانان تئاتر دوباره به قدرت کم‌دیا دل آرته پی برده و آن را کشف کردند. اما نمایش تخت حوضی ما به غیر از ایران به کشورهای دیگر حتی کشورهای مجاور خود نیز منتقل نشد و تمام قدرتش در داخل کشور خاستگاهش ایران بود. همچنین به غیر از تعداد اندکی نمایشنامه که نگاه جدید و مدرنی در داستان ها و تیپ های نمایش رو حوضی آنچنان که باید ایجاد نگردیده است. تنها در چند نمایشنامه آقای بهرام بیضایی مانند نمایش (سلطان مار) ایشان و نیز نمایشنامه های (بنگاه تئاترال) و (سیاه) از آقای علی نصیریان و چندین نمایشنامه از آثار داود فتحعلی

ببگی (مانند انسانم آرزوست و...)، در مابقی نمایشنامه ها هیچ نوع تحول و نگاهی جدید دیده نمی شود. و تماماً همان تیپ ها را به شکلی ابتدایی تکرار کرده اند (خدادادی، ۱۳۸۵: ۴۱).

نتیجه گیری

دل آرتّه عالی ترین شکل تئاتر کمیک است. ماجرای نمایشی اغلب مهمتر از کلام است و گاه جسورانه ترین و خطرناک ترین حرکات آکروبات را دارد. نیز می توان آن را نمایشی انقلابی البته در گسترده ترین معنا شمرد. زیرا توانست خود را به تمام دنیا تحمیل کند. دل آرتّه آفریده بازیگران حرفه ای بود. این بازیگران در دفاع از شأن خود؛ به صورتی تجاوزمآبانه و غیر معمول به نظر مردم پناه می بردند و انفجاری از هجو تلخ و تباه کننده را می انداختند و بدون گوشه و کنایه ها و لطیفه ها و پی رنگ های پر از ناسازشان هم سهمی عظیم، اگر نه کاملاً آگاهانه در شکستن مرزهای طبقات داشتند. محدودیت هایی که کمدیا دل آرتّه برای خود تعیین کرد، بداهه کاری استادانه و بی اعتنائی به متن مکتوب علت اصلی بزرگی آن بود همه ی قدرت ای قالب پرشرو شور بیانی انسان نیز، که جسورانه ترین و به یاد ماندنی ترین وجوه فرهنگ ایتالیا و اروپاست، در همین پارادوکس است.

در مورد وجوه اشتراک و افتراق دو گونه نمایشی (کمدی دل آرتّه و تخت حوضی) باید گفت که هر دو از ژانرهای شهری اند. در اروپا و در ایران در پایان دوران فئودالیت و آغاز مدنیت و شهرنشینی بوجود آمده و هیچکدام قبل از این دوران نمی توانست شکل بگیرد. در واقع هر دو گونه در دوره گذرا بوجود آمده اند. دل آرتّه بین قرون وسطی و رنسانس و تخت حوضی بین صفویه و قاجاریه. در ایران با شروع شهر نشین و تشکیل قهوه خانه ها و کافه ها نیاز به این نمایش دیده شد و تخت حوضی روز به روز گسترش یافت. همچنین از نظر خاستگاه این دو گونه از ژانرهای نمایشی قبل از خود نشأت گرفته اند. مثلاً یکی از ریشه های کمدی دل آرتّه از فارس های آتلان که در روم باستان بوده و بعدها در قرون وسطی نیز ادامه داشت. دلایل هم شباهت زیاد تیپ های ثابت نمایشی در هر دوی آن ها است. از طرفی نمایش تخت حوضی ما هم از بازی های دلچکی تک نفره که در گذشته بود و بعدها همان طور که گفتیم تبدیل به بقال بازی شده سرچشمه گرفته است و مانند کمدیا دل آرتّه دلایلش را باید در تیپ های مشابه آن ها دید، مثلاً تیپ های بقال و دزد که بعدها در تخت حوضی به (حاجی ارباب) و (نوکرسياه) تبدیل شد.

منابع

- ۱- اورلیا، جاکومو، ۱۳۸۳، "کمدیا دل آرتّه"، ترجمه ناتالی چوبینه، چاپ اول، نشر افکار و نشر تجربه.
- ۲- براکت. اسکار، (۱۳۸۳)، *تاریخچه تئاتر جهان (جلد اول)*، ترجمه هوشنگ آزادی و، چاپ دوم، تهران: انتشارات مروارید
- ۳- خدادادی، حسین، ۱۳۸۵، *ریشه های آیینی نمایش در ایران*، پایان نامه کارشناسی ارشد نمایش گرایش کارگردانی، استاد راهنما ابوالفضل (امیر) دژاکام، استاد مشاور محمود عزیزی، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشکده هنر و معماری، گروه نمایشی.
- ۴- داداشی، نوشین. ناظرزاده کرمانی، فرهاد. موسوی لر، اشرف السادات،، *مظاهری، مهرانگیز، ۱۳۸۹، پژوهش تطبیقی گونه های کلان کمدی غربی و کمدی سنتی ایرانی، نشریه هنرهای زیبا (هنرهای نمایشی و موسیقی)*، شماره ۴۰: ۷۳-۸۴.
- ۵- میهن. مهین، ۱۳۶۹، *گریم برای تئاتر*، انتشارات جهاد دانشگاهی
- ۶- میک، کنستان، ۱۳۹۳، "کمدیا دل آرتّه"، ترجمه: معصومه زواریان، چاپ نخست، نشر قطره.
- ۷- هنسل، جورج، ۱۳۶۵، *کمدیا دل آرتّه و ریشه های تئاتر کمدی*، ترجمه ی رضا کرم رضائی، مجموعه مقالات، کتاب تئاتر، دفتر اول.
- 8- Clubb, Louise George., 2001, *Italian Renaissance, from the Oxford Illustrated History of the Theatre*, Oxford, Oxford University Press.
- 9- PERROT, GEORGES., 1968, "A History of Art in Ancient Egypt", Vol. 1 (of 2).
- 10- <https://www.britannica.com/art/commedia-dellarte>.

ساختار پرسپکتیو در نگارگری ایرانی و نظریه ابصار ابن هیثم

پروانه دلفانی ارکسی^{۱*}، اسماعیل بنی اردلان^۲

۱- عضو هیأت علمی گروه نقاشی دانشگاه زنجان و دانشجوی دکترای تاریخ تطبیقی و تحلیلی هنر اسلامی دانشگاه هنر.

۲- دکترای پژوهش هنر و دانشیار گروه پژوهش هنر، دانشگاه هنر.

delfani.parvaneh@znu.ac.ir

چکیده

آشنایی نقاشان دوره رنسانس با نظریه ابن هیثم پیرامون بینایی از جنبه طبیعی، منجر به شکل‌گیری پرسپکتیو خطی و ترسیم وقایع براساس نقطه تمرکز دید ناظر شد. این مطلب در نقطه مقابل ساختار پرسپکتیو در نگارگری ایرانی و غیاب آن از چشم ناظر فرضی قرار دارد. در این پژوهش توصیفی-تحلیلی مسئله اصلی یافتن نقاط اشتراک میان نظریه ابصار ابن هیثم و ساختار پرسپکتیو در نگارگری ایرانی است. یافته‌ها گویای این هستند که شیوه سنتی آموزش نقاشی در ایران، از نظر عملی براساس اصول هفت‌گانه‌ای قرار دارد که محدود کننده ساختار پرسپکتیو در نگارگری ایرانی بوده‌اند؛ و در نتیجه ساختار پرسپکتیو در نگارگری ایرانی تابع اصول و قواعدی از پیش تعیین شده است که براساس آنها همه عناصر بصری در روشن‌ترین حالت ترسیم می‌شوند، و از این جهت با نظریه ابن هیثم پیرامون ادراک فاصله متعادل که یکی از شروط واضح دیدن عناصر مرئی است، نقاط اشتراک دارد.

واژگان کلیدی: ابن هیثم، پرسپکتیو، نظریه ابصار، نگارگری ایرانی

۱- مقدمه

پرسپکتیو خطی اسلوبی جهت بازنمایی فضا فراهم می‌کند که با برخی قوانین علم ابصار ارتباط دارد. این نوع از پرسپکتیو از سده پانزدهم م/ نهم هـ تحت تأثیر نظریه ابصار ابن هیثم^۱، در اروپا رواج یافت و در نتیجه آشنایی هنرمندان دوره رنسانس با نظریه او پیرامون بینایی از جنبه طبیعی، به لحاظ علمی و فنی این امکان برای آنان فراهم شد که بتوانند وقایع را براساس نقطه تمرکز دید ناظر که در واقع وارون مخروط بصری چشم اوست ترسیم کنند. این در حالی است که در نگارگری ایرانی اسلوب‌های دیگری از پرسپکتیو برای نشان دادن توهّم عمق در تصویر به کار گرفته شده‌است.

هدف اصلی در این پژوهش یافتن نقاط اشتراک میان نظریه ابصار ابن هیثم و ساختار پرسپکتیو در نگارگری ایرانی است. در راستای این هدف ابتدا نظریه ابصار ابن هیثم به اختصار معرفی شده و سپس انواع تمهیداتی که نگارگر برای ایجاد توهّم عمق در آثارش به کار برده، و ضرورت‌هایی که منجر به چنین تصویرگری شده است در بستر آموزش سنتی نگارگری ایرانی، مورد مطالعه قرار می‌گیرد؛ و در ادامه یافته‌های این بخش با ارکان نظریه ابصار ابن هیثم به منظور یافتن نقاط اشتراک تحلیل می‌شود. به این منظور از میان حجم انبوه آثار نگارگری ایرانی تمرکز بر روی یک اثر از شاهنامه طهماسبی است. در راستای نیل به هدف ذکر شده تلاش شده تا حد ممکن براساس اسناد کتابخانه‌ای موجود مطالعه‌ای توصیفی-تحلیلی پیرامون موضوع پژوهش ارائه گردد.

برای رسیدن به هدف اصلی، این پرسش‌ها مطرح می‌شود: ۱- در آموزش سنتی نگارگری ایرانی شرایط عملی برای پیدایش کدام اسلوب‌های پرسپکتیو فراهم بوده است؟ و آیا این شرایط منجر به حصول پرسپکتیو خاص ایرانی شده است؟ ۲- با فرض وجود «پرسپکتیو ایرانی» در نگارگری، آیا نقاط اشتراکی میان این پرسپکتیو با نظریه ابصار ابن هیثم وجود دارد؟

۱- ابو علی حسن بن حسن بن هیثم یکی از نامدارترین دانشمندان سده پنجم هجری می‌باشد که اروپاییان او را با عنوان "Alhazen" می‌شناسند، او در سال ۳۵۴ هـ. در شهر بصره متولد، و در سال ۴۳۰ یا ۴۳۲ هـ. در قاهره وفات یافت (حسن بلخاری، ۱۳۸۷: ۲۶-۲۵).

۲- پیشینه تحقیق

مطالعات مقدماتی حاکی از آن است که تاکنون مشابه با عنوان ذکر شده پژوهشی انجام نشده، اما با توجه به اینکه مطالعات ابن‌هیثم در علوم مختلف از فلسفه تا نجوم و هندسه و ریاضیات گسترده است و پژوهش‌های صورت گرفته در بخش‌های مختلف نظریات او متمرکز شده‌اند، در این بخش، تنها به ذکر تعداد مختصری از پژوهش‌ها در زمینه دانش نورشناسی و همچنین زیبایی‌شناسی کتاب *المناظر* اکتفا می‌کنیم.

کامل‌ترین پژوهش درباره تحقیقات ابن‌هیثم در نورشناسی کتاب مصطفی نظیف بک؛ *الحسن بن الهیثم بحوثه و کشفه البصریه* (۱۹۴۲-۱۹۴۳) است. این کتاب بر نسخه‌های موجود *المناظر* و دیگر آثار نوری ابن‌هیثم مبتنی است، و بسیار جامع، واقع‌بینانه و بی‌طرف نگارش شده است. آخرین نسخه چاپی آن با نام *ابن‌هیثم و دانش نورشناسی؛ آراء و اکتشافات* توسط خانم فاطمه موحدی طوسی (۱۳۹۴) به فارسی ترجمه شده است.

پایان‌نامه‌های مرتبط با موضوع پژوهش نیز اندک هستند و تنها دو مورد از آنها مشابهت‌هایی با موضوع پژوهش حاضر دارد. اولی پژوهشی است در ارتباط با نظریات نورشناسی ابن‌هیثم و چگونگی پیوند این نظریات با نگارگری، با عنوان «نور فیزیکی و نور متافیزیکی در نگارگری ایرانی با تکیه بر آراء ابن‌هیثم و سهروردی» که به قلم مرجان سید خسروشاهی در مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه علامه طباطبائی به انجام رسیده است. پژوهشگر در بیان نتایج به‌دست آمده چنین عنوان می‌کند که آنچه در هنرهای تصویری و از آن جمله نگارگری ایرانی نمود می‌یابد، در حوزه فیزیک با مباحث مربوط به ابصار و قوانین مناظر و مرایا پیوند یافته و در حوزه متافیزیک با بعد اعتقادی (دینی، اسطوره‌ای، عرفانی) مرتبط می‌گردد.

پایان‌نامه دیگر پژوهشی است با عنوان «مبانی نظری پرسپکتیو در جهان اسلام» به قلم آقای بویه سادات‌نیا، که در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۹۶ در دانشگاه علامه طباطبائی به پایان رسیده است. ایشان در این پایان‌نامه براساس نظریه هانس بلتینگ^۱ مورخ هنر و فیلسوف معاصر آلمانی، نظر اروین پانوفسکی^۲ مبنی بر این که پرسپکتیو نوعی صورت سمبلیک است را به عنوان یک تکنیک فرهنگی می‌پذیرد و براساس نظریه ابصار ابن‌هیثم آن را به هنرهای اسلامی بسط داده و آنها را به عنوان صورت سمبلیک محسوب کرده است.

درباره بخش دیگر پژوهش حاضر، یعنی قواعد بصری حاکم بر طراحی در نگارگری ایرانی پژوهش‌های فراوانی با گرایشات مختلف انجام شده است. با توجه به شناخت عمومی از این پژوهش‌ها و با توجه به این که ذکر تمام آنها در این مجال ممکن نیست، تنها به مواردی به عنوان نمونه اشاره می‌شود. علی‌اکبر جهانگرد در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل مفاهیم عینیت‌گرایی و ذهنیت‌گرایی در نگارگری ایرانی بواسطه بررسی جایگاه پرسپکتیو» این چنین نتیجه می‌گیرد که نقاشی با کاربری قواعد پرسپکتیو خطی کیفیتی ذهن‌گرایانه دارد. این رویکرد در نگارگری ایرانی بواسطه عدم به‌کارگیری اصول پرسپکتیو خطی به مراتب گرایش بیشتری به سمت عینیت دارد. چرا که نگارگر به جای ترسیم دنیای پیرامون براساس قوای بینایی و ذهن انسانی-اش، سعی در حذف خود به عنوان مشاهده‌گر در جهت رسیدن به خود پدیده را دارد و به همین خاطر از به‌کارگیری زاویه دید خود صرف نظر می‌کند.

آقایان محمد خزایی و رضا افهمی در مقاله‌ای با عنوان «نقش بیننده در فضای نگارگری ایرانی» به نحوه بازنمایی واقعیت درون این آثار پرداخته و مرجع اصالت این تصاویر را از دیدگاه فرهنگ بصری و نقش بیننده در درک این تصاویر مورد بررسی قرار می‌دهند.

۳- پرسپکتیو چیست؟

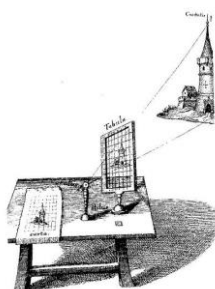
پرسپکتیو^۳ به معنای دید، بینایی، منظره، چشم انداز، مناظر و مرایا، جنبه فکری و لحاظ است، و از حیث هنری «نظام بازنمایی فضای سه بعدی واقعیت است بر پهنه دوبعدی تصویر» (پاکباز، ۱۳۸۹: ۱۱۸). در طول تاریخ اسلوب‌های مختلفی برای ایجاد توهم عمق در تصویر به‌کار گرفته شده است که عبارتند از پرسپکتیو فوقانی-تحتانی، پرسپکتیو همزمان، پرسپکتیو موازی، پرسپکتیو با استفاده از همپوشانی سطوح و پرسپکتیو خطی. هر کدام از این شیوه‌ها با قواعد خاص خود و با شدت و ضعف توهم عمق بر روی سطح دوبعدی ایجاد می‌کنند. در واقع هر کدام از این شیوه‌ها به عنوان ساختار مسلط و تعیین‌کننده

1 Hans Belting
2 Ervin Panofsky
3 Perspective

در طراحی آثار تجسمی از آن جهت که همه‌ی قواعد بصری در ارتباط و تحت تأثیر مستقیم با آن قرار دارند، جلوه‌ای متفاوت در اثر هنری ایجاد می‌کنند. از میان انواع اسلوب‌های پرسپکتیو، پرسپکتیو خطی و رواج آن در نقاشی، تاریخچه و ریشه‌های علمی آن مباحث زیادی را به خود اختصاص داده است، که بخش بعدی به بررسی این موضوع اختصاص یافته است.

۴- تأثیر نظریه ابصار ابن هیثم بر رواج پرسپکتیو خطی

اغلب کلمه پرسپکتیو خطی یادآور اسلوبی برای ایجاد توهم عمق در نقاشی است که در غرب اختراع شده است؛ تا آنجا که کتاب‌های تاریخ هنر از آن به عنوان اسلوبی هنری یاد می‌کنند که توسط هنرمندان فلورانسی در دوران رنسانس رواج یافته است. «هنرمندان فلورانسی سده پانزدهم چون برنلیسکی^۱، پیرو دلا فرانچسکا^۲ و آلبرتی^۳ - دست به تکمیل و تدوین قواعد «ژرفانمایی خطی» زدند.» (همان: ۱۱۸). اکثر منابع تاریخ هنر معمولاً تنها روند تغییرات تکنیکی تصاویر نقاشی شده قبل از آن را به عنوان پیشینه رواج این اسلوب در نظر می‌گیرند و به این ترتیب پیشینه دانشی که منجر به شکل‌گیری پرسپکتیو خطی شده است، مبهم باقی می‌ماند.



تصویر (۱) (Belting, 2011)

در اینجا لازم به ذکر است منظور از پرسپکتیو خطی به کار بردن اسلوبی است که براساس آن همه خطوط اصلی سطح تصویر به سوی زاویه دید ناظر متمرکزند. در این معنی پرسپکتیو خطی به معنای ثبت تصویری دوبعدی بر روی سطح است به صورتی که برای بیننده ایجاد توهم عمق و فضای سه‌بعدی کند. به زبان دیگر پرسپکتیو خطی ثبت برشی عمودی از مخروطی است که بازتاب شعاع‌های نور بین جسم و چشم ما تشکیل می‌دهند (تصویر ۱). این امر مستلزم دریافتی از ادراک بصری است که تا قبل از ابن‌هیثم به صورت شواهد تجربی و قابل سنجش وجود نداشت.

ابن‌هیثم با فراگیری و نقد جدیدترین دستاوردهای علم بصريات که تا زمان او شامل دو نظریه^۴ مهم و اصلی می‌شد، نظریه ابصار خود را بنا نهاد؛ و پس از بررسی و نقد همه دیدگاه‌های موجود، در مقاله اول از کتاب المناظر شرایط لازم برای پیدایش احساس بینایی را تبیین می‌نماید. او در این راستا نقش چشم در فرایند بینایی، اجزای مهم چشم و لایه‌ها و رطوبت‌های مختلف آن را مورد مطالعه قرار داده و به توصیف آنها در حد ابزار بینایی که با اهداف وی در مورد نور و ادراک با چشم متناسب می‌باشد، اکتفا می‌نماید (نظیف، ۱۳۹۴: ۲۳۱). او به صورت تجربی پس از بررسی اجزای مهم چشم بدین حقیقت رسید که از هر نقطه شیء مرئی در داخل «مخروط شعاع» (میدان دید) پرتوهایی به سطح چشم در برابر روزنه عنبیه^۵ می‌رسند. مجموع این پرتوها را می‌توان به شکل مخروطی به تصور درآورد که رأس آن بر روی نقطه مبصر بوده و قاعده آن، آن قسمت از سطح چشم می‌باشد که مقابل سوراخ عنبیه قرار دارد. تمامی این شعاع‌ها به صورت شکست‌یافته در لایه‌های مختلف چشم نفوذ می‌یابند به جز شعاعی که به صورت عمود وارد آن می‌شود که بدون اینکه شکست پیدا کند، در همان راستای مستقیم وارد چشم می‌شود. چشم تمام این شعاع‌ها را حس می‌نماید؛ اما شعاع شکست‌یافته در نقطه‌ای به خط عمود برخورد می‌نماید که وی آن را براساس دیدگاه خود، نقطه خیال می‌نامد؛ بنابراین چشم تصویر این نقطه را با ادراک خیال بر روی عمود دریافت می‌نماید. حالا مخروطی را در نظر می‌گیریم که رأس آن نقطه «م»، یعنی مرکز چشم بوده و قاعده آن سوراخ عنبیه می‌باشد (تصویر ۲) و فرض می‌نماییم که این مخروط از چشم خارج شده و در فضا امتداد می‌یابد و شیء مبصر نیز مقابل این مخروط قرار گرفته و آن را قطع می‌نماید. بدین ترتیب نورهایی که از نقاط این شیء خارج شده و در راستای خطوط مستقیمی حرکت می‌نمایند که

۱ Brunelleschi فیلیپو دی سیر برنلیسکو، معمار ایتالیایی، ۱۳۷۷-۱۴۴۶ (پاکباز، ۱۳۸۹: ۸۷)

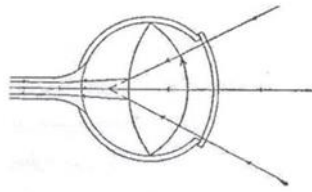
۲ Pierodellafrancesca نقاش و ریاضی دان ایتالیایی، حدود ۱۴۱۶-۱۴۹۲ (همان: ۱۳۹)

۳ Alberti لئون باتیستا - معمار، پیکره ساز و نظریه پرداز ایتالیایی، ۱۴۰۴-۱۴۷۲ (همان: ۴۲)

۴ نظریه «اصحاب التعالیم» و «اصحاب الطبیعه». «اصحاب التعالیم» کسانی بودند که اعتقاد داشتند «بصار با خروج شعاعی از چشم و برخورد آن به مبصر صورت می‌پذیرد.» و «اصحاب الطبیعه» معتقد بودند «بصار، پیامد انطباق یا ورود صورت یا شبی از مبصر (شیء مرئی) به چشم است.» (طباطبایی، ۱۳۷۸: ۱۴۳)

۵ پرده‌ای است در چشم شبیه دیافراگم در دوربین عکاسی که میزان ورود نور به چشم را تنظیم می‌کند. رنگ عنبیه در افراد متفاوت است.

این مخروط را تشکیل می‌دهند، بدون هیچ‌گونه شکست در همان راستا به داخل لایه‌های چشم نفوذ نموده و به سطح قدامی جلیدیه^۱ می‌رسند. بدین ترتیب اگر جلیدیه تنها نورهایی را حس نماید که در راستای این خطوط وارد چشم می‌شوند، می‌تواند نورهایی را که از تمام نقاط سطح مبصر به چشم می‌رسند در محل تلاقی خط مستقیمی که هر نقطه آن را به مرکز چشم وصل می‌نماید، در سطح قدامی جلیدیه حس نماید.

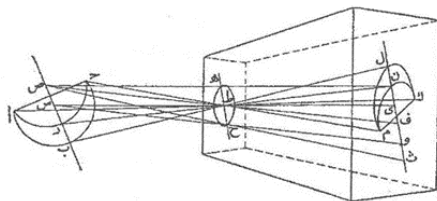


تصویر ۲ (نظیف، ۱۳۹۴)

بدین‌سان تأثیر حسی بوجود آمده بر سطح جلیدیه در نقاطی صورت می‌گیرد که ترتیب آنها دقیقاً به همان ترتیب شیء رؤیت شونده می‌باشد؛ بنابراین حس نمودن آن نیز به‌صورت مرتب خواهد بود و از این‌رو، ترتیب اشیاء مبصر و رنگ‌های آنها به صورت آمیخته و درهم دریافت نمی‌شود و امکان اشتباه و عدم تشخیص از بین می‌رود (همان: ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۵۹).

این مطلب خلاصه‌ای از نظریه ابصار ابن‌هیثم پیرامون احساس بینایی از جنبه طبیعی است که وی به شرح مفصل آن در کتاب *المناظر* پرداخته است. مطالعات تاریخی حاکی از آن است که در قرن دوازدهم کتاب *المناظر* ابن‌هیثم در آندلس و جنوب اسپانیا به‌دست محققان و دانشمندان رسیده، و در قرن سیزدهم ترجمه لاتین این کتاب با نام *De Aspectibus* یا *Perspectiva* در محافل علمی اروپا همه‌گیر شده است و پس از مدتی منجر به رواج پرسپکتیو خطی در نقاشی دوره رنسانس می‌شود (سادات نیا، ۱۳۹۶: ۲۴).

نسبت نظریه ابصار ابن‌هیثم و رواج پرسپکتیو خطی در هنر دوره رنسانس از دو جهت قابل بحث است: اول با ترجمه کتاب *المناظر* به زبان لاتین و آشنایی هنرمندان اروپایی با آن بخش از نظریات علمی ابن‌هیثم که او با تکیه بر آثار بازمانده در چشم بسته پس از مشاهده نور به مسأله رسیدن بازتاب اشیاء به چشم و فیزیولوژی دیدن دست یافته و با ارایه‌ی مدل مخروط بصری، نحوه‌ی تشکیل تصویر در چشم را توضیح می‌دهد. و دوم با انتقال اتافک تاریک (تصویر ۳) ابداعی ابن‌هیثم در زمان جنگ‌های صلیبی به اروپا؛ وسیله‌ای که مورد توجه نقاشان ایتالیایی در سده شانزدهم میلادی قرار گرفت و از آن برای طراحی دقیق چشم اندازه‌ها و دیدن دورنمای بهتر بهره بردند. به این ترتیب که کاغذ را بر روی سطح مقابل روزنه قرار داده و تصویر شکل‌گرفته را ترسیم می‌کردند. در دوره رنسانس اتاق تاریک یکی از وسایلی است که به ساخت تصویری از جهان براساس هندسه بصری کمک می‌کند، و امکان اندازه‌گیری چشم‌انداز را برای هنرمند فراهم می‌نماید.



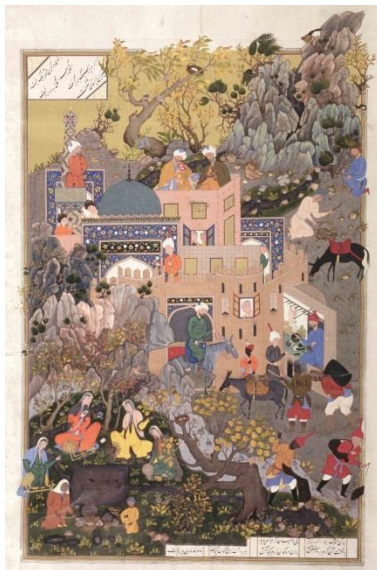
تصویر ۳ (نظیف، ۱۳۹۴)

در اینجا این سوال مطرح می‌شود که آیا می‌توان میان این بخش از نظریه ابصار ابن‌هیثم با ساختار پرسپکتیو در نگارگری ایرانی نیز نقاط اشتراکی پیدا نمود؟ برای پاسخ‌گویی به این سوال در بخش بعدی شیوه کاربست پرسپکتیو در یک اثر از شاهنامه طهماسبی به عنوان نمونه منتخب از مجموع آثار نگارگری ایرانی مورد بررسی قرار می‌گیرد تا زمینه پاسخ‌گویی به این پرسش فراهم شود.

۵- شاهنامه طهماسبی

در اوایل دوران حکومت صفویان و در دوره شاه اسماعیل صفوی (سلطنت: ۹۳۰-۹۰۷ ق) یک دولت واحد و قدرتمند در سراسر کشور ایجاد شد، که در سایه آن بسیاری از هنرمندان گرد هم جمع آمدند و به این ترتیب امکانی برای تلفیق و اجتماع سنت‌های هنری و جریان‌ها و سبک‌های نگارگری ایران در قالب مکتب تبریز به‌وجود آمد. این مکتب اوج تحول و تکامل نقاشی ایرانی و پیشرفت سریع و شکوفایی آن را در سده‌های ۹ و ۱۰ ق به ارمغان آورد. این نظام زیبایی‌شناسی خاص و تکامل یافته که برپایه سنت تصویری ایران شکل گرفته بود در نگاره‌های یکی از بهترین نسخ خطی تاریخ نگارگری ایران، شاهنامه طهماسبی تجلی می‌یابد. نگاره‌های این نسخه به دلیل دارا بودن برترین ویژگی‌های زیبایی‌شناسی فنی و ساختاری خود در میان سایر آثار تاریخ نگارگری ایران، بی‌نظیر و در اوج زیبایی و درخشندگی هستند.

^۱ جلیدیه درست در پشت عنبیه قرار دارد و کره‌ای است شامل مایع غلط شفاف که شفافیت آن کامل نیست، مانند یخ (جلید). جلیدیه به عصب بینایی متصل است و اولین بخش از لایه‌های چشم است که به نور حساس است.



تصویر ۴- دختر هفتواد و ریسنده، اثر دوست محمد، برگه از نسخه خطی شاهنامه فردوسی، تبریز ۹۴۶-ه. ۹۲۶. مجموعه سابق آ. هوتن (رجبی، ۱۳۹۲)

این شاهنامه «در اصل ۲۵۸ تصویر داشته است. زمان آغاز و پایان تدوین کتاب روشن نیست؛ ولی در بالای یکی از صفحات مصور آن تاریخ ۹۳۴ به چشم می‌خورد.» (پاکباز، ۱۳۸۹: ۸۷). آثار این کتاب از آن جهت که حاصل دست چندین هنرمند است دارای کیفیت‌های متفاوتی به لحاظ فرم و ساختار هستند. در این مجموعه آثار نه نقاش شناسایی شده است که عبارتند از: «سلطان محمد، میرمصور، آقا میرک، دوست محمد، میرزا علی، مظفر علی، شیخ محمد، میرسیدعلی و عبدالصمد. پنج نقاش دیگر که شهرت کمتری دارند نیز شناسایی شدند.» (گرابار، ۱۳۹۰: ۱۰۴-۱۰۳).

از میان آثار این شاهنامه اثری منسوب به دوست محمد وجود دارد با چشم اندازی وسیع که از مجموع آثار نگارگری ایرانی متمایز است. در این اثر که به تصویرگری داستان دختر هفتواد و ریسنده می‌پردازد، پشم‌ریسی دختران در دامن کوه در حالی به تصویر درآمده که دختر هفتواد سیبی را گاز زده است و شهر نیز با مردمان از دور پیداست (تصویر ۴).

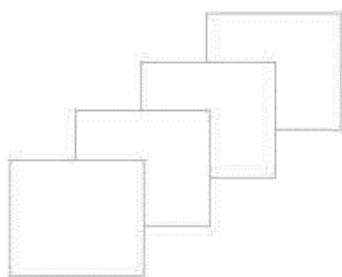
۶- بررسی انواع اسلوب‌های پرسپکتیو در داستان دختر هفتواد و ریسنده

۶-۱- پرسپکتیو فوقانی - تحتانی:

پرسپکتیو فوقانی - تحتانی عبارت است از پلان‌بندی عمودی از پایین به بالای تصویر، به صورتی که «موجوداتی که در پایین تابلو قرار دارند، به بیننده نزدیک‌تر و هرچه به تدریج، بالاتر ترسیم شده‌اند، دورترند. معمولاً در چنین تابلوهایی، موجوداتی که در طبیعت هم‌اندازه‌اند، چه در سطح پیشین و چه در پس‌زمینه، به یک اندازه ترسیم شده‌اند.» (سبأ، ۱۳۷۷: ۱۶۱). برای فراهم شدن شرایط پلان‌بندی عمودی تصویر، نگارگر از شگرد «افق رفیع» استفاده کرده است که سبب حجم‌دار شدن فضا در محدوده حرکت اصلی می‌شود. افق رفیع بدین معناست که «خط فرضی افق تا نزدیک مرز فوقانی تصویر بالا می‌رود و سطح آسمان بسیار باریک‌تر از زمین نموده می‌شود.» (مقدم اشرفی، ۱۳۶۷: ۶۹). در این حالت دنیای تصویر شده مانند رویه کاغذ مسطح و دوبعدی است و بیرون و درون از یکدیگر جدا نیستند؛ از این دیدگاه همه اندرونی، بیرونی است؛ به این ترتیب نقاش برای نشان دادن خانه، باغ یا درون هر دژ و دروازه‌ای دیوار را ندیده می‌گیرد (حیدری و دیگران، ۱۳۸۹: ۶۱).

۶-۲- پرسپکتیو با همپوشانی سطوح

امروزه در بررسی اصول پرسپکتیو گفته می‌شود که «دو شکل همپوشانده می‌تواند تصور و یا توهمی از عمق به وجود آورند، زیرا که ما به طور طبیعی تمایل داریم تا شکلی که در جلوی شکل دیگری قرار دارد و بخشی از آن پنهان شده است را ببینیم. همپوشانی به خودی خود فضاهای بسیار کم‌عمق را خلق می‌کند.» (تصویر ۵) (د.ک. چینگ، ۱۳۷۹: ۹۴). در این حالت نقشی که سطح قابل رویت نقش دیگر را محدود می‌کند، نقش نزدیک‌تر ارزیابی می‌شود.



تصویر ۵ (نگارندگان)

هنرمند فرانسوی آندره لوت^۱ می‌گوید: در نگارگری ایرانی هنرمند سطح‌های متوالی مختلف را در سطح تصویر تنظیم نموده و بیننده را قدم‌به‌قدم در مکان‌های گوناگون رهبری می‌کند. در این تصاویر هر سطح بخش دیگر را به عقب می‌راند و چشم

1 Andre Lhote

بیننده با توجه به سطوح پی در پی، بعد سوم را به ذهن القا می‌کند. بدون توسل به این تمهید، چشم بی‌آنکه سیر نماید و بی‌آنکه با توقف بر روی سطوح پشت‌سر هم، فضای حقیقی را متناوباً دریابد، یکباره به‌سوی آخرین نقطه افق توجه می‌یابد و به این ترتیب از دریافت لذت لطیفی که از گشت و گذار در قسمت‌های مختلف اثر عاید می‌شود محروم خواهد ماند (تجویدی، ۷۵: ۱۳: ۱۴).

۳-۶- پرسپکتیو همزمان

در نگارگری ایرانی شکلی از پرسپکتیو همزمان که عبارت است از نمایش همزمان چند زاویه دید در آن واحد، فراوان دیده می‌شود. در این شیوه زوایای دید متعددی وجود دارد که شخص یا شیء واحد از دو یا چند زاویه دید در یک تصویر به طور همزمان دیده می‌شود، و یا فضا یا اشیاء با چندین خط افق مختلف در تصویری واحد به نمایش در می‌آیند. و این همزمانی باعث می‌شود «رویدادهای متقارن، بی هیچ رابطه زمانی در کنار هم ظاهر شوند.» (داریوش شایگان، ۱۳۸۳: ۸۲).

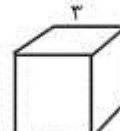
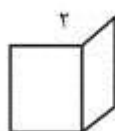
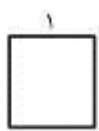
این سطوح فضایی متحرک ایجاد می‌کنند که تماشاگر به کمک مشارکت بصری خود، آن را می‌سازد. و نگارگر با کنترل چگونگی حرکت چشم بین یک عنصر و عنصر دیگر در سطح نگاره و تکرار رفت و برگشت حرکت چشم در یک محدوده معین چگونگی مشاهده نگاره خویش را کنترل کرده و آن را طبق خواسته خود تنظیم می‌کند. این روش عمق‌نمایی، یکی از مهم‌ترین اصول در نگارگری اسلامی است که هنرپژوهان مختلف مانند، الکساندر پاپادوپولو و شیلا کنبی با نام‌هایی چون «فضاسازی همزمان» و «نمایش فضاهای چندساحتی بدون توالی زمانی و مکانی به طور همزمان در یک تصویر»، به آن اشاره دارند (کنبی، ۱۳۸۱، ۷۳ و Papadopoulos, 1979: 109). در تصویر شماره ۶ برش‌هایی از اثر منتخب ارایه شده است که نشان دهنده زوایای دید مختلفی است که هنرمند در این اثر به نمایش گذاشته است. به عنوان مثال برکه آب از بالا، پیکره‌های انسانی، کوه‌ها و درختان از روبرو، لانه پرنده از سه وجه و نمای ساختمان از چند زاویه نمایش داده شده است.



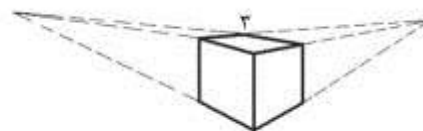
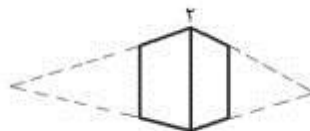
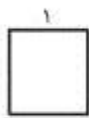
تصویر ۶

۴-۶- کاربرد نوعی از پرسپکتیو موازی (کاوالیر):

در بررسی شیوه کاربست پرسپکتیو در ترسیم شکل مکعب در نگارگری به طور کلی سه نوع مکعب دیده می‌شود: شکل مکعبی که یک وجه آن پیداست (مکعب شماره ۱)، شکل مکعبی که دو وجه آن پیداست (مکعب شماره ۲) و شکل مکعبی که سه وجه آن پیداست (مکعب شماره ۳) (تصویر ۷).

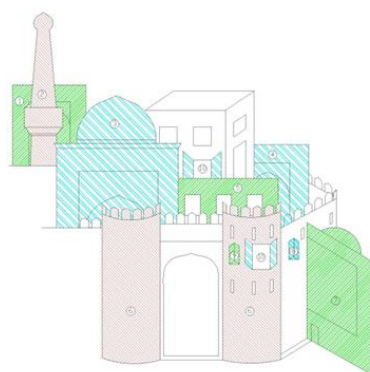


تصویر ۷ (پوپ، ۱۳۶۹: ۸۱)



تصویر ۸ (همان)

تفاوت این نوع پرسپکتیو با پرسپکتیو خطی (تصویر ۸) در این است که یال‌های این مکعب‌ها دو به دو و سه به سه با هم موازی هستند. و در مکعب‌های به کار رفته در نگارگری بعد سوم را شکل متوازی‌الضلاع به وجود می‌آورد. مکعب شماره ۳ همان مکعبی است که امروزه به علت سادگی هنوز هم در رسم فنی مورد استفاده قرار می‌گیرد و به اسم پرسپکتیو کاوالیر مشهور است (تصویر ۹). تصویرسازی با این سیستم نیز قوانین خاصی دارد ولی در برخی آثار دیده می‌شود که نگارگر گاهی از آن نیز سرپیچی کرده و به دلخواه در آن دخل و تصرف می‌نماید. به منظور توضیح پیرامون این نکته در تصویر ۹ سطوحی که بر خلاف قوانین رسم فنی نقاشی شده‌اند، با هاشور مشخص می‌شوند.



تصویر ۹ (نگارندگان)

در سطح هاشور خورده شماره ۶، مقطع دایره‌ای شکل بارو، طبق قوانین رسم فنی و با توجه به زاویه دید در این نقاشی، می‌بایست به صورت بیضی ترسیم می‌شد. در سطح هاشور خورده شماره ۷، دکان به صورت مسطح و بدون عمق نقاشی شده و نیم دایره‌ای که در بالای دکان دیده می‌شود از جهت کاربردی نامشخص است زیرا از یک جهت تصور می‌شود که بخش پشت دکان را نمایش می‌دهد چنانچه گویی این دکان نیم استوانه است و از سوی دیگر این تصور را پیش می‌آورد که گنبدی بر روی سقف دکان قرار دارد که در هر دو صورت تابع قوانین رسم فنی نیست. در سطح هاشور خورده شماره ۸ و ۹ پنجره‌های منشوری شکل با توجه به زاویه دید اشتباه نقاشی شده و رأس مثلث می‌بایست به سمت پایین باشد. در سطح هاشور خورده شماره ۱۰ نیز رأس لنگه‌های باز شو پنجره با توجه به زاویه دید می‌بایست به سمت پایین باشد.

بررسی انواع اسلوب‌های پرسپکتیو در ترکیب‌بندی اثر مورد نظر، گویای این نکته است که هدف نگارگر ایجاد توهم عمق بر- اساس زاویه دید ناظر فرضی نبوده؛ و در عوض به دلخواه روشن‌نگرترین وجوه اشیاء و پیکره‌ها را از زوایای دید متعدد در یک کلیت واحد به نمایش می‌گذارد. بنابراین پرسپکتیو در این نگاره به عنوان یک نمونه منتخب از نگارگری ایرانی، نشان دهنده نوعی از پرسپکتیو است که می‌توان آن را پرسپکتیو ایرانی نامید. این نوع از پرسپکتیو، قراردادی حاکم بر قواعد بصری است که تابع قوانین مواجهه مستقیم چشم با اشیاء و طبیعت در دنیای واقعی و فیزیک نور نیست. این دیدگاه در مقابل کاربرست پرسپکتیو خطی در دوره رنسانس قرار می‌گیرد که در آن هنرمند از ساختار هندسی میدان بینایی به عنوان یک زیرمجموعه و یا یک شبکه نامرئی برای ترسیم تصاویر استفاده نموده و فضایی یکنواخت و همگن را به تصویر می‌کشد.

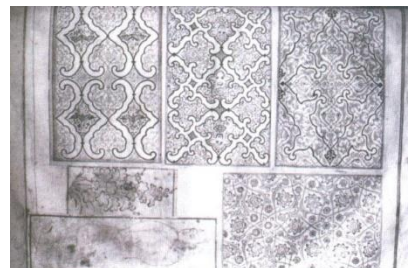
به این ترتیب در پاسخ سوال بخش پیشین باید گفت اشتراکی میان آن رکن از نظریه ابصار ابن‌هشیم که منجر به شکل- گیری پرسپکتیو خطی در هنر دوره رنسانس براساس ارایه‌ی مدل مخروط بصری و نحوه‌ی تشکیل تصویر در چشم شد با نگارگری ایرانی وجود ندارد. می‌توان این نکته را ناشی از دو رویکرد متفاوت به تصویر در دو فرهنگ متفاوت دانست. یکی از مهمترین عوامل فرهنگی تأثیرگذار بر شرایط شکلی نگارگری ایرانی شیوه سنتی آموزش این هنر و اصول حاکم بر آن است، که در بخش بعدی مورد مطالعه قرار می‌گیرند.

۷- آموزش سنتی نگارگری ایرانی و اصول حاکم بر آن

در سنت ایرانی شیوه آموزش نقاشی رابطه‌ای استاد- شاگردی است که از نظر فنی برپایه اصول معین و مشخصی قرار دارد. این اصول در هفت مورد خلاصه شده‌اند که عبارتند از اصل اسلیمی، اصل ختایی، اصل فرنگی، اصل فصالی و نیلوفر، اصل ابر، اصل واق، و اصل بند رومی و گره چینی (تصاویر ۱۰ تا ۱۶). اولین نشانه‌های تاریخی از وجود این اصول به رشیدیه بازمی‌گردد. «از اوایل قرن چهاردهم م. / هشتم ه. و نسخه‌های رشیدیه بود که نقاشی ایرانی به کسب مجموعه‌ای از اصول برای بازنمایی اشیاء و انسان‌ها می‌پردازد.» (گرایار، ۱۳۹۰، ۱۷۴) این اصول هفتگانه هنرهای سنتی ایران، اصولی بنیادی و ضروری در ساختار مبانی هنرهای منقوش ایران، خصوصاً در اوج آن، در قرن یازدهم قمری بودند. قاضی احمد در گلستان هنر (۱۳۸۳) پس از معرفی هفت اصل بصری هنر ایران می‌گوید: «هم‌چنان‌که در خط شش قلم اصل است. در این فن نیز هفت اصل معتبر است» در واقع نگارگران باید پیش از هر چیز این اصول را فرا می‌گرفتند و در صورت نیاز در فروع دست به ابداع می‌زدند. البته نباید فراموش کرد که در کنار کاربرد این هفت اصل، ضوابط و اصول دیگری نیز وجود داشته که مصور ملزم به فراگیری آنها بوده است که از جمله آنها می‌توان به رنگ‌شناسی و اصول طراحی، رعایت قواعد، توازن، تناسب و تعادل در وجنات یک نگاره اشاره کرد (آژند، ۱۳۹۳: ۳۳). این اصول قواعد مشخص را برای بازنمایی اشیاء ملموس - پیکره‌های انسانی، حیوانات، درختان، مناظر، دشت‌ها و بناها در اختیار هنرمند قرار می‌دهند، و باعث می‌شوند در نگارگری به عنوان یک سنت تصویری به طور منظم طی چند قرن تکرار شده و تنها تغییراتی جزئی در آن رخ دهد (تصویر ۱۷). به عنوان مثال در روش سنتی نگارگری برای عوامل ساخت و ساز هر قسمت از قطعه و نگاره، اصطلاح ویژه‌ای معمول است مانند: طلائندازی، رنگ‌آمیزی، زمینه، کار کاشی‌کاری، کوه‌سازی، درخت‌سازی. گویی هر یک از این اقدامات باید در قالب ویژه‌ای انجام گیرد و با روشی خاص و اسلوبی معین به کار رود که جز بدان طریق، دست‌یافتن به نمایش واقعیت آن میسر نیست. هنگامی که هنرمند، مثلاً اصطلاح «کوه‌سازی» یا «درخت‌سازی» را به کار می‌برد، توجه وی به‌سوی نوعی خاص از این اشیاء است و گویی برای هنرمند، کوه و درخت و سنگ هر یک دارای تشخیص می‌باشد و جز نمونه‌های ویژه‌ای که استادان فن به کار گرفته‌اند، در خارج واقعیت‌های دیگری ندارند. از همین مقوله است ساختن گل و برگ، تذهیب، ترصیع، جامه‌سازی و ... (محمد خزایی، ۱۳۸۴: ۱۸۷).



تصویر ۱۱- ترکیبی از گل‌های ختایی و اسلیمی، مرقع خط و نقاشی بایستقر میرزا، هرات، حدود ۸۲۰ ه. موزه توپقاپسرای، استانبول (همان)



تصویر ۱۰- انواع اسلیمی در مرقع خط و نقاشی، مکتب هرات، موزه توپقاپسرای، استانبول (آژند، ۱۳۹۳)



تصویر ۱۳- مستعصم، آخرین خلیفه عباسی، مجمع التواریخ حافظ ابرو، هرات، ۸۲۸ ه.، مجموعه خصوصی صدرالدین آقاخان، ژنو (همان)



تصویر ۱۲- نقش‌مایه گلدان فرنگی، موزه توپقاپسرای، استانبول (همان)



تصویر ۱۵- نقاشی واق، گلچین اشعار، یزد، ۸۳۵ هـ. (آژند، ۱۳۸۷)



تصویر ۱۴- نقش ابر در اثر معراج حضرت محمد (صل الله علیه و آله)، از نسخه‌ای از هفت اورنگ جامی، ۹۶۳-۹۷۲ هـ.، گالری هنر فریر، موسسه اسمیتسونیان، واشنگتن دی. سی (گرابار، ۱۳۹۰)



تصویر ۱۷- طراحی‌های گوناگون، هرات، حدود ۸۰۲-۸۵۴ هـ. موزه تویقایی سرای، استانبول (آژند، ۱۳۸۷)



تصویر ۱۶- سرلوح مذهب قرآن، با گره‌سازی، هرات، نیمه اول سده ی نهم هـ. (آژند، ۱۳۹۳)

نظام آموزشی در قالب یک الگوی واحد و بر مبنای اصول واحد منجر به این می‌شود که ساختار ترکیب‌بندی در نگارگری ایرانی از اجزایی با ماهیت مستقل تشکیل یابد. «...اجتماع عناصر خودمختار و با هویت مستقل، شکل‌های اصلی ترکیب‌بندی نقاشی ایرانی را تشکیل می‌دهند.» (آیت اللهی، ۱۳۸۸: ۲۴). بنابراین می‌توان بنیاد نظری ترکیب‌بندی در نگارگری ایرانی را در ارتباط جزء با کل مورد مطالعه قرار داد، و به این جمع‌بندی رسید که کلیت اثر با تأکید بر هویت مستقل و خود مختار «اجزاء» حاصل می‌شود. تأکید بر این نکته باعث می‌شود اجزاء در فضایی که از پیش کیفیت بازنمایی اجزای خویش را مشخص کرده، حل و جذب نشده و هر یک از اجزاء به صورت منفرد در بارزترین شکل خویش به نمایش درآیند (آقایی، ۱۳۹۴: ۱۸). در نتیجه مطالعه پیرامون نظام آموزشی و اصول بصری حاکم بر نگارگری ایرانی ما را به مهم‌ترین ویژگی این تصاویر که وضوح عناصر و قاعده‌مندی آنها در سایه اصول هفت‌گانه هنرهای بصری ایرانی است، می‌رساند. در این راستا در بخش بعدی آنچه به عنوان عوامل ناشناخته و کمتر شناخته شده مورد توجه قرار گرفته است، مقایسه بخشی از زیرمجموعه فرم و ساختار نگارگری ایرانی که منجر به وضوح تصاویر می‌شود با نظریه ابصار ابن هیثم است.

۸- قواعد حاکم بر طراحی در نگارگری ایرانی و نظریه ابصار ابن هیثم

نگارگر ایرانی متناسب با بستری که در آن شکل گرفته است، تصاویری را خلق می‌کند که عناصر بصری آن در وضوح کامل به نمایش درآمده‌اند. بر این اساس هر تصویر حاوی دستورالعمل‌هایی است که چگونه نگریستن به تصویر را برای بیننده مشخص می‌نماید. در این رابطه ذکر این نکته ضروری است که در فرایند تولید نگاره‌ها بنا به دلایلی که می‌توان ریشه آن را در سنت تصویرسازی ایرانیان و روند آموزشی آنان جستجو کرد، هنرمندان مواجهه مستقیم با سوژه‌هایی که ترسیم می‌کردند به عنوان الگو نداشتند؛ ضمن اینکه با توجه به جنبه روایی این آثار که با ادبیات فارسی در ارتباط بود عملاً امکان الگوبرداری از واقعهای عینی برای نگارگر وجود نداشت. با در نظر گرفتن این ویژگی؛ به مطالعه وضوح عناصر بصری در نگارگری و بخشی از نظریات

ابن هیثم که بر شرح شرایط لازم برای حصول بینایی متمرکز است، می‌پردازیم تا در این بستر رابطه تمهیدات تجسمی نگارگر برای حصول وضوح در اثر و تأثیر آن بر بیننده مورد مطالعه قرار گیرد.

ابن هیثم در مقاله اول کتاب *المناظر* شرایطی را برای پیدایش احساس بینایی در نهایت وضوح لازم می‌داند که عبارتند از: «روشنایی، فاصله متعادل، روبه رو شدن که حاوی شرط قرار گرفتن مبصر بر روی سهم مشترک می‌باشد، حجم مشخص، کدری، شفافیت محیط، زمان و سلامت چشم» (نظیف، ۱۳۹۴: ۳۲۳) او معتقد است شرط رؤیت شیء به صورت واضح و صحیح به حصول برخی از این شرایط یا تمام آنها بستگی دارد، از این رو نظر وی بر این است که هر کدام از این شرایط، عرضی (محدوده‌ای) دارد که ادراک مبصر به‌طور صحیح، براساس آن صورت می‌گیرد. و خروج از این عرض مختل کننده ادراک صحیح می‌باشد، وی این عرض را «عرض اعتدال» نام نهاده است. از نظر ابن هیثم عرض اعتدال در هر کدام از این شرایط، بنا بر شرایط دیگر تغییر می‌یابد. به عنوان مثال «عرض اعتدال در فاصله، براساس نور شیء مبصر و رنگ آن و براساس حجم، موقعیت، میزان کوری، محیط شفاف میان شیء و چشم و مفاهیم دیگری از این قبیل ... متفاوت می‌باشد» (همان).

ابن هیثم معتقد است از میان شروط ذکر ادراک فاصله از نظر طبیعی بیشترین ارزش را دارد. «چرا که ادراک فاصله، اصل و اساس ادراک مکان می‌باشد. و ادراک بیشتر خواص و ویژگی‌های طبیعی اجسام بسته به آن می‌باشد.» (همان: ۳۳). و شیء مرئی از نظر فاصله‌اش با ناظر حالت‌های مختلفی دارد. «گاهی نسبت به چشم «بیش از اندازه دور یا نزدیک است» و گاهی نیز شیء مرئی در فاصله‌ای «به اندازه» (یا به تعبیر ابن هیثم «معتدل») با ناظر قرار دارد، و از این رو ناظر آن را به صورت صحیح ادراک می‌کند» (طباطبایی، ۱۳۷۸: ۱۶۵).

ابن هیثم در مقاله اول خود فاصله متعادل و فاصله نامتعادل یا بیش از حد را تعریف نموده و از آن‌ها معنای مورد نظر خود از اعتدال و زیاده از حد بودن دوری یا نزدیکی را مشخص می‌نماید. بنابراین فاصله متعادل «فاصله‌ای می‌باشد که چشم بتواند از آن فاصله درک صحیحی از مبصر داشته باشد» و فاصله نامتعادل «فاصله‌ای است که تصویر مبصر در آن مشتبه شده و اجزای کوچک آن ناپیدا باشد و مفاهیم ظریف موجود در آن مشتبه شده و قابل تشخیص دقیق نباشند.» از این تعریف مشخص می‌شود که فاصله متعادل، یک فاصله واحد مشخص نمی‌باشد، به این معنی که اگر مبصر بسیار به چشم نزدیک باشد چشم نمی‌تواند مفاهیم ظریف آن، مانند نقش‌های بسیار ظریف، چین و چروک‌ها و خال‌ها، نقاط موجود روی سطح آن و امور دیگر از این قبیل را مشاهده نماید. و اگر آن‌ها را دریافت نماید، به صورت ناواضح و در هم و غیرقابل تشخیص می‌بیند. و به همین ترتیب اگر شیء مبصر، بسیار دور باشد، این مفاهیم از چشم پنهان مانده و قابل تشخیص نمی‌باشد (نظیف، ۱۳۹۴: ۲۷۹).

پیش‌تر اشاره شد از نظر ابن هیثم هر کدام از این شرایط، عرضی (محدوده‌ای) دارد که ادراک مبصر به‌طور صحیح، براساس آن صورت می‌گیرد. و خروج از این عرض مختل کننده ادراک صحیح می‌باشد. در اینجا لازم به ذکر است ابن هیثم در شرح ادراک فاصله و تأثیر آن بر حصول بینایی به صورت واضح، رابطه‌ای که بین چشم و شیء در جهان واقعی برقرار است را مورد بررسی و مطالعه قرار می‌دهد. در حالی که شرایط حصول بینایی به‌صورت درست و واضح در زمانی که چشم با یک واقعه یا ایزه در دنیای واقعی در ارتباط است، با دنیای تصویر متفاوت است. شاید در دنیای واقعی درخصوص یک شیء مشخص بتوان همه شروط مورد نظر ابن هیثم را در یک فاصله مشخص جمع نمود، اما در یک منظره گسترده امکان تجمع این شروط در حد اعتدال فراهم نیست، این در حالی است که در دنیای تصویر هنرمند با استفاده از تمهیدات مختلف می‌تواند شروط مختلفی را که ابن هیثم بیان نموده است را در یک حد متعادل به تصویر بکشد.

در ادامه با توجه به تفاوت ماهیتی میان خصوصیت ادراک فاصله اشیاء و مناظر در جهان واقعی با جهان تصویر، نقش اعتدال در فاصله و تأثیر آن در واضح دیدن اشیاء، به عنوان یک شرط لازم و ضروری که تنها در صورت حصول آن امکان اعتدال برای بقیه شروط نیز ممکن می‌شود، در نگارگری ایرانی مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

۹- ادراک فاصله در نگارگری

گزینش و کنترل فاصله شخصیت‌ها، اشیاء و رخدادها در نگارگری ایرانی، یکی از روش‌هایی است که می‌تواند معنا را آنچنان که نگارگر تمایل دارد، به بیننده انتقال دهد. یکی از کارکردهای فاصله تعیین محدوده‌ای از منابع اطلاعاتی تصویری است که گستره معینی را برای دیده شدن در اختیار بیننده قرار می‌دهد و با توجه به تعداد نقاط اطلاعاتی‌ای که به بیننده عرضه می‌کند، حرکت چشم بیننده را کنترل نموده و برای او تعیین می‌کند چگونه و چه مقدار اطلاعات دریافت نماید. نگارگر در این آثار براساس آموخته‌هایش فرقی میان ادراک فاصله اشیاء از یکدیگر نمی‌گذارد و به این ترتیب به دنبال استفاده از ترفندهای

تجسمی برای ایجاد توهم عمق در جهت نشان دادن فاصله اشیاء از افق بی‌نهایت دور تا سطح تابلو نیست، و در این آثار اشیا و پیکره‌ها در نزدیک‌ترین سطح به بیننده قرار گرفته و هرگز از سطح کاغذ و نزدیک چشم بیننده دور نمی‌شوند.

منظور از تعادل در نگارگری ایرانی این است که همه چیز در یک فاصله متعادل تا چشم قرار دارند و بیننده دور بودن و نزدیک بودن آنها را از طریق کوچک و بزرگ شدنشان درک نمی‌کند، بلکه از طریق محل جای‌گیریشان در قاب تصویر حدس می‌زند. در این نما فاصله به‌گونه‌ای اعمال شده است که مخاطب می‌تواند با کل مکان یک صحنه و محل وقوع رویداد و اشیای درون صحنه و چگونگی وضع و محل استقرار آنها آشنا شود. مکان و موضوع هر دو ارزش تصویری یکسان داشته و توجه بیننده به مکان داستان و شخصیت‌های داخل تصویر به یک اندازه خواهد بود. به این ترتیب مخاطب متوجه می‌شود که ماجرا کجا اتفاق می‌افتد و پیوند میان قسمت‌های مختلف مکان را درک می‌کند.

نگارگر در انتخاب زاویه دید زوایایی را انتخاب می‌نماید که گویاترین حالت برای شیء مورد نظر بوده و بیشترین اطلاعات بصری را در اختیار بیننده قرار می‌دهد؛ در این راستا برای او اینکه اجزا در چه زاویه نوری در صحنه و نسبت به هم قرار گرفته‌اند، مهم نیست. مهم این است که هر جز در وهله اول در گویاترین شکل خود بازنمایی شود و از اجتماع این اجزای به نسبت مستقل و خود مختار روایت به زیباترین شکل بیان شود. این زیبایی بیان‌گر نوعی از تناسب و هماهنگی بصری است که ریشه در فرهنگ تصویری ایرانی دارد؛ که در نتیجه آن نور و رنگ و فاصله و زاویه دید و شفافیت در کنار هم و در حد اعتدال در یک تصویر امکان ظهور می‌یابند.

زیبایی در نگارگری ایرانی نوعی از تناسب و هماهنگی بصری است؛ از نظر ابن‌هیثم نیز، نقش تناسب در ایجاد زیبایی بسیار مهم است تا آنجا که وی معتقد است هر کدام از مفاهیم جزئی^۱ اگر متناسب و هماهنگ باشند «حسن و زیبایی مبصر را در نفس به وجود می‌آورند». یا آنچنان که وی می‌گوید: «یکی از انواع حسن را می‌آفرینند.» و حتی وی عقیده دارد که تناسب چنان زیبایی به وجود می‌آورد که هیچ کدام از مفاهیم جزئی نمی‌توانند به‌تنهایی آن را به‌وجود آورند؛ اما وی به چگونگی درک این تناسب و هماهنگی نمی‌پردازد. پر واضح است که زیبایی تناسب و هماهنگی امری نسبی می‌باشد که محیط زندگی و آموزش و پرورش و تمرین و تجربه، تاثیر بسیار زیادی در آن دارد و تکرار مفاهیم جزئی براساس شکلی معین با ساختارهایی متشابه، خود به تنهایی موجب می‌شود که نفس با آنها خو گرفته و به آنها عادت نماید و همین عادت نفس باعث می‌شود که این مفاهیم زیبا به نظر رسیده و زشت نباشد. اما اگر انسان دیگری از یک محیط دیگر که قبلاً با آن خو نگرفته است، به آنها نگاه نماید، در نظرش زشت آمده و از آنها بدش آید (همان: ۲۹۱-۲۹۲).

نتیجه

آنچه در این مقاله در خصوص یافتن نقاط اشتراک میان ساختار پرسپکتیو در نگارگری ایرانی و نظریه ابصار ابن‌هیثم گذشت، نشان می‌دهد که میان ساختار پرسپکتیو در نگارگری ایرانی با آن رکن از نظریه ابصار ابن‌هیثم که براساس ارایه‌ی مدل مخروط بصری نحوه‌ی تشکیل تصویر در چشم را توضیح می‌دهد، اشتراکی وجود ندارد. در نگارگری ایرانی برخلاف نقاشی‌هایی که براساس ساختار پرسپکتیو خطی شکل گرفته‌اند تصویر با ظواهر دیداری هماهنگ نیست، می‌توان این نکته را ناشی از رویکردی متفاوت به تصویر در فرهنگ ایرانی دانست که در سایه آن نگارگری ایرانی براساس تعریف متفاوتی از هنر به وجود آمده و ریشه در سنت‌های متفاوتی دارد. در سنت ایرانی اثر تجسمی محصولی است از یک فرایند آموزشی براساس اصول هفت‌گانه‌ای که در آن امکان پیدایش پرسپکتیو خطی فراهم نیست، و نگارگر ایرانی آنچه را در سنت تصویری خود می‌آموزد به تصویر می‌کشد نه آنچه را می‌بیند. و در نتیجه ساختار پرسپکتیو در نگارگری ایرانی تابع اصول و قواعدی از پیش تعیین شده است که براساس آنها همه عناصر بصری در روشن‌ترین حالت ترسیم می‌شوند، و از این جهت با نظریه ابن‌هیثم پیرامون ادراک فاصله متعادل که یکی از شرایط واضح دیدن عناصر مرئی است نقاط اشتراک دارد.

۱ ابن‌هیثم در بخشی از کتاب *المناظر* پیرامون بحث بینایی از جنبه روانشناسی به معرفی بیست و دو مفهوم جزئی ای می‌پردازد که انسان توسط حس بینایی از اشیاء دریافت می‌دارد، که عبارتند از: «نور، رنگ، فاصله، وضعیت، تجسم، شکل، بزرگی، جدایی، اتصال، عدد، حرکت، سکون، زبری، نرمی، شفافیت، کدری، سایه، تاریکی، زیبایی، زشتی، تشابه، تفاوت» (نظیف، ۱۳۹۴: ۲۶۱)

منابع

- ۱- آژند، یعقوب، (۱۳۹۳)، «هفت اصل تزینی هنر ایران»، تهران: انتشارات پیکره
- ۲- آژند، یعقوب، (۱۳۸۷)، «مکتب نارگری هرات»، تهران: فرهنگستان هنر
- ۳- آقایی، عبدالله، (۱۳۹۴)، «مواجهه دو مفهوم فضا در نگارگری ایرانی با نقاشی رنسانس»، مجله متافیزیک، سال ششم دوره جدید، شماره ۱۸
- ۴- آیت اللهی، حبیب الله، (۱۳۸۸)، «طبیعت در هنر مشرق زمین»، در مجموعه مقالات همایش طبیعت در هنر شرق، گردآورنده منیژه کنگرانی، تهران: انتشارات فرهنگستان هنر
- ۵- بلخاری، حسن، (۱۳۸۷)، «معنا و مفهوم «زیبایی» «المنظر» و «تنقیح المناظر»»، تهران: انتشارات فرهنگستان هنر
- ۶- پاکباز، رویین (۱۳۸۹)، «دایره المعارف هنر»، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر
- ۷- پاکباز، رویین، (۱۳۸۹)، «نقاشی ایران از دیرباز تا امروز»، تهران: انتشارات زرین و سیمین
- ۸- پوپ، آرتور اپهام، (۱۳۶۹)، «آشنایی با مینیاتورهای ایرانی»، ترجمه حسین نیر، تهران: انتشارات بهار
- ۹- تجویدی، اکبر، (۱۳۸۹)، «نقاشی ایران از کهن ترین روزگار تا دوران صفویان»، چاپ اول، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- ۱۰- حیدری، مرتضی و دیگران، «مناظر و مرایا در نگارگری ایرانی»، مجله کتاب ماه هنر، شماره ۱۴۰، ۶۵-۵۸
- ۱۱- خزایی، محمد، (۱۳۸۴)، «مبادی آموزش هنر اسلامی (با تأکید بر هنر نگارگری)»، در مجموعه مقالات اولین هم اندیشی معنویت و آموزش هنر، تهران: فرهنگستان هنر
- ۱۲- د.ک. چینگ، فرانسیس، (۱۳۷۹)، «اصول و مبانی طراحی»، ترجمه فرهاد گشایش و محمد اثباتی، تهران: انتشارات مارلیک
- ۱۳- سادات نیا، بویه، (۱۳۹۶)، «مبانی نظری پرسپکتیو در جهان اسلام»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی
- ۱۴- سبا، سیاوش، (۱۳۷۷)، «پرسپکتیو- مینیاتور»، فصلنامه هنرهای تجسمی، سال اول، شماره یک، ۱۶۰-۱۶۴
- ۱۵- شایگان، داریوش، (۱۳۸۳)، «بت های ذهنی و خاطره ازلی»، تهران: انتشارات امیرکبیر
- ۱۶- طباطبایی، صالح، (۱۳۷۸)، «ابن هیثم فیزیکدان اسلامی»، تهران: انتشارات نشر روزنه
- ۱۷- کنبای، شیدا، (۱۳۸۱)، «نگارگری ایرانی»، ترجمه مهناز شایسته فر، تهران: انتشارات مطالعات اسلامی
- ۱۸- گرابار، اولگ، (۱۳۹۰)، «مروری بر نگارگری ایرانی»، تهران: انتشارات فرهنگستان هنر
- ۱۹- مقدم اشرفی، (۱۳۶۷)، «همگامی نقاشی با ادبیات در ایران»، ترجمه رویین پاکباز، تهران: انتشارات نوبهار
- ۲۰- منشی قمی، احمد بن حسین، (۱۳۸۳)، «گلستان هنر»، بتصحیح و اهتمام احمدسپهیلی خوانسار، تهران: منوچهری
- ۲۱- نظیف، مصطفی، (۱۳۹۴)، «ابن هیثم دانش نورشناسی، آراء و اکتشافات»، ترجمه فاطمه موحدی طوسی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
- 22- Belting, Hans, (2011). *Florance and Baghdad Renaissance Art and Arab Science*, Translated by Deborah Lucas Schneider. Cambridge. Massachusetts, and London, England: Belknap Press of Harvard University.
- 23- Papadopoulos, Alexandre, (1979). *Islam and Muslim Art*, New York, H. N. Abrams Press.

نگاهی به آزادی‌های فردی و جمعی در پرتو حقوق بین‌الملل

عباس شجاعی^۱، زهرا قاسمی^۲، فاطمه بیرجندی^۳

۱- گروه حقوق، واحد داریون، دانشگاه آزاد اسلامی، داریون، ایران، دانشجوی کارشناسی حقوق

۲- گروه حقوق، واحد داریون، دانشگاه آزاد اسلامی، داریون، ایران، دکترا

۳- گروه حقوق، واحد داریون، دانشگاه آزاد اسلامی، داریون، ایران، دانشجوی دکتری و هیات علمی

z.ghasemi1986@yahoo.com

چکیده

آزادی‌های فردی و جمعی یکی از موضوعات مهم و اساسی در عرصه حقوق بین‌الملل به شمار می‌رود که در اعلامیه و توصیه‌های منبعث از حقوق بین‌الملل بر رعایت آن به عنوان یک اصل خدشه ناپذیر تأکید شده است. حتی توصیه‌ها و اعلامیه‌های موجود در زمینه آزادی‌های فردی و جمعی باعث چالش‌هایی میان حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی دولت‌ها شده است؛ این مجادله در عرصه حقوق بین‌الملل و حقوق خصوصی دولت‌ها نمود بیشتری یافته است. در این میان، اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوقی مدنی و سیاسی، میثاق بین‌الملل حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و ... به عنوان مبانی نظری حقوق بین‌الملل محسوب می‌شوند که هرکدام به نحوی بر آزادی‌های فردی و جمعی تأکید کرده‌اند. آزادی‌هایی نظیر حق آزادی بیان، مذهب، عقیده، اظهارات سیاسی، به عنوان مهم‌ترین ابعاد آزادی فردی به شمار می‌روند و در مقابل، آزادی اجتماعات، تشکیل اتحادیه، سندیکا، حق مالکیت عمومی، آموزش جمعی و برابر و ... نیز به عنوان ابعاد آزادی‌های اجتماعی محسوب می‌شوند که در عرصه حقوق بین‌الملل بسیار مورد توجه هستند و به صورت سلبی و ایجابی، دولت‌ها موظف و ملزم به رعایت آن هستند.

واژگان کلیدی: حقوق بین‌الملل، آزادی فردی، آزادی جمعی، حقوق بشر، میثاق‌های بین‌المللی

۱- مقدمه

عصر کنونی، عصر آزادی‌های فردی و اجتماعی به شمار می‌رود. به طوری که کمتر دولت یا نظام سیاسی را مشاهده می‌کنیم که نسبت به این مسأله بی‌توجه باشد. حتی در دولت‌های اقتدارگرا نیز چنین وانمود می‌شود که حفظ آزادی‌های فردی و جمعی شهروندان برای دولتمردان مهم است. در این که حقوق بین‌الملل و اعلامیه‌هایی نظیر اعلامیه جهانی حقوق بشر باعث توجه بیشتر به آزادی‌های فردی و اجتماعی در کشورهای مختلف جهان شده است، تردیدی وجود ندارد، اما نحوه مواجهه دولت‌ها و نظام‌های سیاسی با این مسأله نیز مهم است. به طوری که برخی دولت‌ها، این اصول و قواعد بین‌المللی را ناهمخوان و ناسازگار با فرهنگ و حقوق داخلی خود تلقی می‌کنند. از سوی دیگر در مقابل، حقوق بین‌الملل عمومی، حقوق خصوصی نیز مشاهده می‌شود، که در واقع به نحوه تصمیم‌گیری‌های حقوقی یک کشور در رابطه با اتباع خود و حتی اتباعی که وارد این کشور می‌شوند، مربوط می‌شود. بنابراین تنوع دیدگاه‌های حقوقی ممکن است حقوق بین‌الملل را با چالش‌هایی روبرو سازد.

با این حال، حقوق بین‌الملل، عام و فراگیر است و اغلب در موضع‌گیری و تصمیمات نهادهای بین‌المللی نظیر سازمان ملل متحد، نهادهای زیرمجموعه آن نظیر شورای امنیت، شورای حقوق بشر، سازمان‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی وابسته به این نهاد بزرگ بین‌المللی و ده‌ها نهاد غیردولتی و فراملی قابل مشاهده است. ضمن اینکه، حقوق بین‌الملل به دلیل تلاش برای گسترش صلح و امنیت بین‌الملل، ضرورتاً با مقوله آزادی سروکار دارد. به طوری که می‌توان درباره آزادی گفت، اجازه یافتن دولت‌ها به کنترل شهروندان ممکن است تبعات خطرناکی به بار آورد. مدافعان حقوق بین‌الملل در زمینه آزادی یادآور می‌شوند که اجازه یافتن حکومت‌ها برای کنترل گفته‌ها و نوشته‌ها خطرناک است. با این حال، عموماً موافقت وجود دارد که

[آزادی] بیان باید مشمول بعضی حدود باشد (جونز، ۱۳۹۰: ۵۵). چنان چه روشن است در عرصه بین الملل، این حدود توسط حقوق بین الملل بیان می شود و شرایط و قواعد آن نیز معلوم می گردد. به طوری که این محدودیت ها و امکان ها، بالاتر از قوانین و حقوق مطرح شده توسط دولت ها اعمال می شود.

به همین دلیل دغدغه دولت ها برای حفظ و رعایت آزادی های فردی و جمعی و همچنین سازش دادن حقوق داخلی خود با حقوق بین الملل، امری مهم و تأثیرگذار است. از این جهت که نهادهای بین المللی متولی آزادی های فردی و جمعی در صورت نقض موارد بیان شده، با اعمال فشار بر دولت های نقض کننده حقوق فردی و جمعی، سعی می کنند تا زمینه ای برای تحقق آزادی در سطح جهان فراهم آورند. به نظر می رسد حقوق بین الملل همچنان به عنوان یک تهدید و یک فرصت برای دولت های مختلف باقی می ماند. این چالش مخصوصاً برای نظام های سیاسی ای که حقوق بین الملل را ناسازگار با حقوق داخلی خود می دانند، محسوس تر است. به هر حال، نقض آزادی های فردی و جمعی از منظر حقوق بین الملل، چالشی اساسی محسوب می شود، زیرا عدم رعایت و پایبندی دولت ها بدان، خطری برای صلح و امنیت بین المللی محسوب می شود. در همین راستا نوشتار حاضر این سؤال را مطرح می کند: دلایل و توجیهات حقوق بین الملل در زمینه آزادی های فردی و جمعی چیست؟ فرضیه این است: مهم ترین توجیه حقوق بین الملل، فرا رفتن از رویکرد خودسرانه دولت ها در زمینه نقض حقوق بنیادین بشر نظیر آزادی های فردی و جمعی است.

۲- آزادی؛ فردی و جمعی

یکی از پرکاربردترین و مناقشه برانگیزترین اصطلاحات در واژگان سیاسی، آزادی است. آزادی واژه ای است که هیچ کس نمی تواند به مخالفت با آن برخیزد. از این رو فیلسوفان و سیاستمداران، آزادی را آنگونه که مورد پسندشان است، بازتعریف می کنند (تنسی و جکسون، ۱۳۹۲: ۱۱۱). به همین دلیل، تعاریف و برداشت های متفاوتی از این واژه پدید آمده است که اصطلاحاتی نظیر آزادی مثبت، آزادی منفی، آزادی فردی و آزادی جمعی را پدید آورده است. به هر جهت، آزادی فردی و جمعی از شاکله های حکومت و سیاست محسوب می شود. چنان چه گفته می شود اندیشه بنیادی در دموکراسی، حکومت مردم بر مردم است، و این امر صورت پذیر نیست اگر مردم نتوانند نظر خویش را به یکدیگر عرضه کنند (جونز، ۱۳۹۰: ۵۸). تعریف آزادی در نظریه های سیاسی و اعطای آن در عمل، به دیدگاه مکاتب سیاسی و فلسفی بر می گردد که براساس آن به تعریف حدود و دامنه آزادی برای جامعه خود می پردازند. برخی مکاتب اصالت را به فرد می دهند و آزادی بیشتری را به مردم می دهند و برخی نیز با تقدم بر منافع جمعی، به محدودیت آزادی اقدام می کنند. هر چند نمی توان گفت مکاتب جمع گرا، به آزادی واقعی نمی نهند.

بدین ترتیب در می یابیم که آزادی مفهومی نسبی است و تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله شرایط یک جامعه خاص بستگی دارد. در حقیقت نقش اصلی جامعه را باید در زمینه سازی و آماده سازی شرایط جستجو کرد. به دیگر سخن، جامعه همچون بستری است که می تواند به گزینش ها و انتخاب های افراد کمک نماید. بنابراین، آثار اجتماعی را نمی توان منکر شد. جامعه نقش تعیین کنندگی مطلق ندارد، بلکه با شرایط و زمینه های خود، نمی تواند احتمال نوع انتخاب ها و گزینش ها را افزایش داده یا کاهش دهد (شمشیری و بدخشان، ۱۳۹۴: ۱۲۲). از طرفی دیگر در جوامع دموکراتیک و وجود شهروندان مسئولیت پذیر و آگاه، میزان بیشتری از آزادی های فردی و اجتماعی وجود دارد ولی در جوامع بسته و اقتدارگرا، آزادی معنای چندانی پیدا نمی کند. به هر هر جهت، آزادی رابطه ای تنگاتنگ با فردیت و فردگرایی دارد و در جامعه ای که ارزش ها و ایده های افراد از اعتبار بالایی برخوردار هستند، می توان از آزادی سخن گفت. برحسب این رویکرد، فرد یک واحد مستقل و دارای هویتی قائم به ذات است. فرد انتخاب گری خودمختار است و براساس آگاهی از ترجیحات خود دست به انتخاب می زند. در این دیدگاه تنها مرجع تشخیص خیر، خواه بر حق مقدم باشد و یا مؤخر، فرد است و در نتیجه منظور از خیر در هر دو رویکرد «خیر فردی» و به عبارت دیگر خیری است که مرجع قضاوت در مورد خیر بودن آن خود فرد است (لشکری، ۱۳۹۶: ۷۰).

آزادی با حقوق شهروندی و حقوق بین الملل ارتباط پیدا می کند. به این دلیل که شهروندان در عصر جهانی که از آنان با عنوان ملت ها یاد می شود، به دنبال حقوق اساسی و بنیادی خود از جمله آزادی هستند. با این حال، آزادی شهروندان تنها یک حق محسوب نمی شود، آزادی علاوه بر حق، تکالیفی نیز بر عهده انسان می گذارد. در تکلیف شهروندی، انسان به مثابه «شهروند» باید به تکالیفی عمل نماید که این تکالیف در نتیجه منافع، مصالح، اخلاق و سیاست ها و در یک کلام عقل جمعی و عمومی است و دولت به مثابه شخصیتی حقوقی، نماینده مشروع و مقبول آن اجتماع است که نقشی محوری در ترسیم آن

تکالیف دارد؛ بنابراین، تکلیف شهروندی به تکالیفی اطلاق می‌شود که ناشی از قانون اساسی هر کشوری است که بر اثر رابطه شهروندی یا اقامت افراد در کشور خاصی بر آنها تحمیل شده و واجد ضمانت اجرای قانونی قرار گرفته است (جاوید و دیگران، ۱۳۹۱: ۹۳). از این دیدگاه، حقوق خصوصی و حقوق داخلی در هر کشوری بر وظایف و تکالیف شهروندان نظارت می‌کنند و این رویکرد تا زمانی که تزامنی با حقوق بین الملل نداشته باشد، می‌تواند مدافع آزادی شهروندان در یک جامعه تلقی شود.

آزادی به عنوان زیربنای شهروندی نیز تلقی می‌شود و نمی‌توان شهروندی را بدون عنصر آزادی تصور کرد. به همین دلیل به نظر می‌رسد که «شهروندی» وقتی محقق می‌شود که همه افراد یک جامعه از کلیه حقوق مدنی و سیاسی برخوردار باشند و همچنین به فرصت‌های مورد نظر زندگی از حیث اقتصادی و اجتماعی دسترسی آسان داشته باشند و همچنین، شهروندان به عنوان اعضای یک جامعه در حوزه‌های مختلف مشارکت دارند و در برابر حقوقی که دارند، مسئولیت‌هایی را نیز در راستای اداره بهتر جامعه و ایجاد نظم بر عهده می‌گیرند. شناخت این حقوق و تکالیف نقش مؤثری در ارتقاء مرتبه شهروندی و ایجاد جامعه‌ای بر اساس نظم و عدالت دارد (جاوید و دیگران، ۱۳۹۱: ۹۱). بنابراین آزادی در کنار شهروندی، علاوه بر ایجاد حق برای شهروندان، تکالیفی را نیز به آنان اعطا می‌کند. اعطای آزادی و وجود آن در یک جامعه به پرورش شهروندانی آگاه منجر می‌شود که در نهایت باعث رشد و شکوفایی استعدادهای جامعه و جلوگیری از دست اندازی‌های دولت بر آنان می‌شود. بنابراین قوام و دوام آزادی به فردگرایی ارتباط پیدا می‌کند. فردگرایی وجوه متعددی از قبیل معرفت شناختی، روش شناختی و اخلاقی دارد. فردگرایی اخلاقی از جهت اینکه هر فرد را منشأ ارزش‌ها و اصول اخلاقی معرفی می‌کند و این ارزش‌ها را قائم به فرد می‌داند، اهمیت می‌یابد. افزون بر این، فردگرایی اخلاقی در ارتباطی تنگاتنگ با موضع فلسفی در مورد فرد و جامعه است و بنابراین فردگرایی فلسفی و پارادایم‌های مقابل نظیر جمع گرایی در این راستا مورد توجه است (لشکری، ۱۳۹۶: ۶۵).

در نهایت اینکه آزادی وجوه متعددی دارد. بنابراین آزادی، طیف متعددی از رفتارهای فردی و شخصی نظیر داشتن عقیده آزاد، مذهب آزاد، دیدگاه سیاسی آزاد و ... تا آزادی اجتماعات و حق انتخاب حکومت را در بر می‌گیرد. بنابراین آزادی به طور طبیعی، حاصل باور به فرد و تمایل به تضمین این نکته است که همه بتوانند هرچیز که دوست دارند یا بر می‌گزینند، عمل کنند (هیوود، ۱۳۸۹: ۶۸). علاوه بر این، آزادی اجتماعات نیز از جمله آزادی‌هایی است که از یک بُعد موضوعیت و از بُعد دیگری طریقت دارد. آزادی اجتماعات علاوه بر اینکه خود حقی است مستقل، ابزاری جهت تحقق سایر حقوق و آزادی‌ها از قبیل آزادی بیان، اندیشه و تفکر است (اسلامی و کمالوند، ۱۳۹۳: ۱۸۹). به هر حال آزادی، یکی از مباحث اصلی حقوق بین‌الملل و از ضرورت‌های آن به شمار می‌رود.

۳- آزادی و حقوق بین الملل؛ زمینه‌های واگرایی

چنانچه گفتیم آزادی با حقوق و از جمله حقوق بین‌الملل ارتباط پیدا می‌کند. بدین معنا، مسأله آزادی از اساسی‌ترین بحث‌های زندگی آدمی است که در طی تاریخ حیات آدمی مورد توجه بوده است. اهمیت آزادی از آن جهت است که آزادی خواسته همه انسان‌ها است. این اصل در جهان جدید معنای جدیدی پیدا کرده است و از امور ویژه انسان و از مطلوب درجه اول به شمار می‌آید. وقتی از آزادی سخن می‌گوییم، دو معنا را اراده می‌کنیم؛ یکی آزادی به منزله «یک واقعیت» و دیگری آزادی به منزله «یک حق». اما آزادی به منزله یک «واقعیت» چندان مورد بحث و تحقیق در فلسفه سیاسی نیست. آزادی به منزله یک واقعیت چیزی نیست که کسی به کسی اعطا یا کسی از دیگری سلب کند (میرغیائی، ۱۳۹۳: ۱۰۹). آزادی به منزله واقعیت برای همگان قابل تصور است، اما آزادی به معنای قابل اعطا یا سلب است و از این‌رو آزادی در معنای دوم با حقوق ارتباط پیدا می‌کند.

اعلامیه جهانی حقوق بشر مهم‌ترین سند حقوقی بین‌المللی است که بر آزادی انسان‌ها تأکید کرده است. چنانچه در بند ۱ این اعلامیه چنین آمده است: «تمام افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق باهم برابرند. همه دارای عقل و وجدان می‌باشند و باید نسبت به یکدیگر مانند برادر رفتار کنند». (اعلامیه جهانی حقوق بشر). بدین ترتیب اهمیت آزادی چنان مهم است که اعلامیه جهانی حقوق بشر به کرات بدان پرداخته است و علاوه بر اصولی که مستقیم به این مسأله اشاره می‌کنند، اصول دیگری نیز وجود دارند که به نوعی با آزادی افراد در ارتباط هستند. بنابراین اسناد و اعلامیه‌های حقوقی بین‌المللی گنجینه‌ای برای آزادی‌های فردی و جمعی محسوب می‌شوند. به علاوه در ماده ۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر این‌گونه بیان شده است:

«هرکس می تواند بدون هیچ گونه تمایز، خصوصاً از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی و یا هر عقیده دیگر و همچنین ملیت، وضع اجتماعی، ثروت، ولادت و یا هر موقعیت دیگر، از تمام حقوق و کلیه آزادی هایی که در اعلامیه حاضر ذکر شده است، بهره مند گردد. به علاوه هیچ گونه تبعیضی به عمل نخواهد آمد که مبتنی بر وضع سیاسی، اداری و قضایی و یا بین المللی کشور یا سرزمینی باشد که شخص به آن تعلق دارد. خواه کشور مستقل، تحت قیمومیت و غیر خودمختار بوده و یا حاکمیت آن به شکلی محدود شده باشد». همچنین ماده ۳ بیان می کند که هرکس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد. به علاوه مطابق ماده ۴؛ «هرکس حق دارد از آزادی فکر، وجدان و مذهب بهره مند شود. این حق متضمن آزادی تغییر مذهب یا عقیده و ایمان می باشد و نیز شامل تعلیمات مذهبی و اجرای مراسم دینی است. هرکس می تواند از این حقوق یا مجتمعاً به طور خصوصی یا عمومی برخوردار باشد».

براساس مواد و مفاد اسناد بین المللی حقوق بشر در راستای حمایت از حق آزادی و امنیت شخصی افراد، اصل بر منع دستگیری و بازداشت افراد است و از هیچ کس مگر به جهت و طبق آیین دادرسی مقرر به حکم قانون نمی توان سلب آزادی کرد (صادقی زبیری و ابراهیمی منش، ۱۳۹۲: ۱۷۵). بدین ترتیب، حق آزادی بیان یکی از آزادی های اساسی بشر است که در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق های بین المللی حقوق بشر به رسمیت شناخته شده است. این حق در ردیف آزادی های سیاسی-مدنی و نسل اول حقوق بشر به شمار می رود و تعهدات دولت ها درباره این دسته از حقوق در باب تعهدات به نتیجه است؛ یعنی دولت های عضو میثاق های مربوطه متعهدند بدون ملاحظه امکانات موجود و یا شرایط و اوضاع و احوال حاکم بر جامعه، این حقوق را تضمین و محترم بشمارند (رضوانی، ۱۳۹۵: ۶۸). همین رویکرد باعث می شود تا حقوق بین الملل ورای حقوق خصوصی و داخلی دولت ها قرار گیرد و به عنوان پایه حقوق شهروندی، حقوق فردی و جمعی افراد و جوامع در عرصه های داخلی و بین المللی تلقی شود.

با این حال، اعلامیه جهانی حقوق بشر مهم ترین سند بین المللی در زمینه حقوق به شمار می رود. به طوری که اغلب سازمان ها و نهادهای بین المللی بدان استناد می کنند. اعلامیه جهانی حقوق، اگرچه در ظاهر به صورت یک اعلامیه تصویب شده است، ولی با توجه به تکرار آن در اسناد بین المللی بعدی حقوق بشر و نیز تأکید بر اهمیت آن در تمام قطعنامه های حقوق بشری صادر شده توسط مجمع عمومی ملل متحد و کمیسیون و متعاقباً شورای حقوق بشر، به خوبی روشن است که مفاد آن جنبه حقوق بین الملل عرفی یافته است. در این خصوص، حتی لازم به توضیح است که کمیسیون حقوق بشر در سال ۱۹۸۰ در قضیه فیلازتگا به صراحت بیان می کند که این اعلامیه به عنوان یک منبع حقوق بین الملل عرفی تلقی می گردد (رضوانی، ۱۳۹۵: ۶۹-۷۰).

میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل متحد نیز یکی دیگر از اسناد مهمی است که به آزادی بیان به عنوان مسأله ای اساسی نگاه می کند. مطابق این میثاق جهانی، با توجه به اعلامیه جهانی حقوق بشر، کمال مطلوب انسان آزاد، بهره-مندی از آزادی سیاسی، مدنی و رهایی از ترس می باشد و دستیابی به این شرایط فقط به وسیله بهره‌مندی هرکس از حقوق سیاسی و مدنی خود و نیز حقوق فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی میسر است؛ با توجه به منشور ملل متحد، دولت ها متعهد به رعایت و احترام به حقوق و آزادی های انسان و ترویج آنها در سراسر جهان می باشند؛ با درک این حقیقت که افراد نسبت به یکدیگر و اجتماعی که بدان تعلق دارند دارای مسؤولیت در جهت اعتلا و ترویج رعایت حقوق شناخته شده مندرج در این میثاق می باشند (میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل متحد مصوبه ۲۶ دسامبر ۱۹۶۶). در همین زمینه، در ماده دوم میثاق بین الملل حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل متحد و در بند سوم آن چنین آمده است:

هریک از اعضای عضو این میثاق متعهد است که:

- ۱- تضمین نماید، فردی که حقوق و آزادی هایش که در این میثاق به رسمیت شناخته شده است، نقض گردد، باید وسیله ای جهت جبران خسارت مؤثر داشته باشد؛ هرچند این نقض به وسیله افرادی انجام گرفته باشد که در سمت رسمی خود قرار داشته اند.
- ۲- در ماده سوم میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، از مکلف بودن دولت ها در زمینه رعایت آزادی های اساسی انسان ها صحبت به میان آمده است.
- ۳- مطابق این ماده، «دولت های عضو این میثاق تعهد می نمایند که برابری حقوق مردان و زنان در بهره‌مند شدن از تمام حقوق سیاسی و مدنی که در این میثاق بیان شده است، تضمین شود».

هرچند طرح همه اسناد و موادی حقوقی بین المللی در زمینه آزادی های فردی و جمعی، از بحث حاضر خارج است، اما به هر حال مواد ذکر شده در اسناد ذکر شده و سایر اسناد بین المللی همواره به عنوان مدافع آزادی در سراسر جهان به شمار می-روند.

۴- نقش حقوق بین الملل در دفاع از آزادی های فردی و جمعی

حقوق بین الملل در عرصه داخلی و بین المللی به عنوان حامی صلح و امنیت جهانی و به تبع آن دفاع از آزادی فردی و جمعی افراد مشهور است. این رویکرد باعث توجه همه جانبه به امنیت فردی در مقابل دولت ها و نظام های سیاسی است و می تواند منبعی برای دفاع از حقوق بنیادین انسان ها محسوب شود. در این معنا، آزادی خواهی در مشخص ترین تعبیر معاصرش بر اهمیت وجدان و عدالت در سیاست تأکید می کند؛ از حقوق اقلیت های نژادی و دینی حمایت می کند و پشتیبان آزادی های مدنی و مدافع احقاق این حق است که هر فرد معمولی باید در تصمیم هایی که مستقیماً به او مربوط می شود، به نحوی هرچه مؤثرتر طرف مشورت قرار گیرد (میر غیاثی، ۱۳۹۳: ۱۱۷). چنان چه از متن مفاد ماده ۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۲۰ اعلامیه اسلامی حقوق بشر و ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی های اساسی، می توان این گونه نتیجه گرفت که آزادی و امنیت شخصی یکی از حقوقی است که برای همه انسان ها به رسمیت شناخته شده و دولت ها موظف به پاسداری از آن شده اند. بر پایه این حقوق افراد همواره باید از حق آزادی برخوردار باشند و سلب آزادی از اشخاص باید استثنایی باشد که تنها بر پایه قانون و دستور مرجع قضایی و به حکم ضرورتی گریزناپذیر انجام گیرد و هرچه زودتر دادرسی عادلانه درباره کسانی که آزادی شان سلب شده است، به عمل آید و اشخاص دستگیر شده حق اعتراض به دستگیری یا بازداشت خود را داشته باشند (صادقی زبیری و ابراهیمی منش، ۱۳۹۳: ۱۷۵-۱۷۴). به عنوان مثال، در ماده نهم میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی چنین آمده است:

«هرکس حق آزادی و امنیت فردی دارد. هیچ کس نباید تحت بازداشت و یا دستگیری خودسرانه قرار گیرد. هیچ کس نباید از آزادی خود محروم شود مگر در صورتی که قانون و مقررات آئین دادرسی حکم کند» (میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، مصوبه ۲۶ دسامبر ۱۹۶۶). به علاوه در همین راستا، نیز میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوبه ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶، اولین ماده این میثاق نیز به آزادی ملل اختصاص دارد.

۱- کلیه ملل دارای حق خودمختاری هستند. به موجب حق مزبور ملل، وضع سیاسی خود را آزادانه تعیین و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را آزادانه تأمین می کنند.

۲- کلیه ملل می توانند برای نیل به هدف های خود در منابع و ثروت های طبیعی خود بدون اخلاف به الزامات ناشی از همکاری اقتصادی بین المللی مبتنی بر منافع مشترک و حقوق بین الملل آزادانه هرگونه تصرفی بنمایند. در هیچ موردی نمی توان ملیت را از وسایل معاش خود محروم نمود.

۳- کشورهای طرف این میثاق از جمله کشورهای مسؤول اداره سرزمین های خودمختار تحت قیمومیت مکلف اند، تحقق حق خودمختاری ملل را تسهیل و احترام این حق را طبق مقررات منشور ملل متحد رعایت نمایند (میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوبه ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶).

هر دو میثاق با توجه به ضرورت های آزادی در نزد آحاد بشری و ضرورت حفاظت از آن، رویکردهایی در زمینه مسائل سیاسی، مدنی، اقتصادی و اجتماعی مطرح کرده اند که ضامن صلح، امنیت و توسعه بشری به شمار می رود. اسناد موجود همچون شمشیر داموکلس بر سر حقوق داخلی کشورها نیز قرار دارد. هرچند ضمانت اجرای اسناد و میثاق های بین المللی چندان مؤثر نیست. ضمن اینکه بیش از اینکه ملت ها از منافع میثاق های مذکور بهره مند شوند، دولت ها از آن به نفع خود استفاده می کنند. بدین معنا با وجود حق توسعه که به عنوان حق افراد، مردم و دولت ها مطرح شده است، این حق بیشتر به عنوان حق دولت مورد توجه قرار گرفته است و جنبه فردی این حق به شدت مغفول مانده است (صلح چی و درگاهی، ۱۳۹۲: ۱۵۶).

هرچند بررسی موضوع آزادی فردی و جمعی در اسناد حقوق بین الملل حاکی از تسلط آزادی منفی (عدم قدرت خارجی که مخل آزادی فردی باشد)، می باشد، اما با این حال، آزادی مثبت به معنای فراهم بودن شرایطی برای شکوفا شدن استعداد های افراد مدنظر است. چنان چه با بررسی اسناد بین المللی نتیجه گرفته می شود که حق آزادی بیان فقط در معنای خاص آن یعنی سخن گفتن و آزادی کلام (Freedom of Speech) به کار نمی رود، بلکه مصادیق گوناگونی از جمله حق

دسترسی به اطلاعات، حق دسترسی به تکنولوژی های جدید اطلاع رسانی از جمله اینترنت و دیگر شبکه های خبری، حق دسترسی به ماهواره، حق آزادی بیان در قالب آثار ادبی و هنری (همچون نقاشی، فیلم، سینما و تئاتر)، حق تبلیغات تجاری را نیز شامل می گردد. در واقع مفهوم عام عبارت (Freedom of Expression) به کار می رود (رضوانی، ۱۳۹۵: ۷۴).

همچنین در ماده پنجم میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، دخالت دولت ها به عنوان خطرات تهدیدکننده آزادی فردی و جمعی مورد توجه قرار گرفته است. مطابق این ماده:

«هیچ یک از مواد این میثاق نباید به نحوی تفسیر گردد که به موجب آن حقی برای کشوری یا گروهی و یا فردی در جهت فعالیت و یا انجام هر عملی که باعث از بین رفتن هریک از حقوق و آزادی های شناخته شده در این میثاق می گردد و یا محدود کردن آن حقوق بیش از آنکه در این میثاق پیش بینی شده است، ایجاد نماید». (میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، مصوبه ۲۶ دسامبر ۱۹۶۶). ضمن اینکه تعهد به قوانین حقوق بین الملل عمومی راهکار مؤثرتری نسبت به حقوق بین الملل خصوصی و حتی حقوق داخلی کشورها ایجاد می کند. به این دلیل که هرچند دولت ها برای انتظام امور اتباع خود قوانینی دارند، اما به هنگام ارتباط این اتباع با اتباع خارجی، دولت ها نیاز دارند تا نظامی برای تعیین صلاحیت خود وضع کنند که از آن به «حقوق بین الملل خصوصی» یاد می شود. اما مشکل آنجاست که دولت مقابل نیز با همین دیدگاه، حقوق بین الملل خصوصی خاص خود را دارد؛ ناگزیر این دو نظام حقوقی در مواردی با یکدیگر تعارض می یابند. لذا برای رفع تعارض چاره ای جز تحدید حدود نظام های حقوق بین الملل خصوصی نیست؛ این مهم جز از طریق «حقوق بین الملل عمومی» امکان پذیر نیست. بنابراین تعیین مشروعیت صلاحیت قانونی و قضایی یک دولت، مستلزم انطباق حقوق بین الملل خصوصی با حقوق بین الملل عمومی است (ضیایی، ۱۳۹۰: ۴۳). بدین ترتیب حقوق بین الملل به شکل مطلوب تری می تواند حافظ آزادی های فردی و جمعی انسان ها تلقی شود.

۵- راهکارهای تحقق آزادی های فردی و جمعی در حقوق بین الملل

به نظر می رسد برای تحقق آزادی های فردی و جمعی در حقوق بین الملل نیازمند تکیه بر اسناد بین المللی در این زمینه هستیم. به طوری که زمینه های تفسیر اسناد و اعلامیه بین المللی توسط دولت ها از بین برود. توجه به اعلامیه جهانی حقوق بشر می تواند مؤثرترین راهکار تلقی شود. از این جهت، امروزه توسعه حقوق بشر دو بُعد دیگر نیز دارد؛ نخست، افزایش حمایت از حقوق موجود در تمام سطوح، از جمله سطح ملی، منطقه ای و جهانی از طریق قانون گذاری، تفسیر مفاد معاهدات حقوق بشر توسط نهادهای ناظر، تقویت نظام اجرایی، تصویب پروتوکل های الحاقی و فعالیت های سازمان های مردم نهاد. دومین بُعد از توسعه حقوق بشر در جهان معاصر توسعه و گسترش تعداد این حقوق است. در واقع، در نظام حقوق بشر-که هنوز در مراحل اولیه توسعه خود قرار دارد-سعی شده است تا براساس نیازهای در حال تغییر و فرآیندها، حقوق جدیدی به لیست قدیمی افزوده شود. این امر موجب پویایی و توسعه حقوق بشر می شود، اما نمی توان هر ادعایی را جزو این حقوق قرار داد (صلح چی و درگاهی، ۱۳۹۲: ۱۴۵).

چنان چه در بند الف، ماده ۲۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر چنین آمده است که «هرکس حق دارد آزادانه مجامع و جمعیت های مسالمت آمیز تشکیل دهد». همچنین به موجب، بند ب ماده ۲۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر: «هیچ کس را نمی توان مجبور به شرکت در اجتماعات کرد». ضمن اینکه سایر اسناد بین المللی نظیر میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی که با الگوبرداری از اعلامیه جهانی حقوق بشر نوشته شده است، در ماده بیست و دوم خود چنین آورده است:

۱- هرکس حق آزادی (تشکیل) اجتماعات با دیگران را دارد. این حق شامل تشکیل و پیوستن به اتحادیه ها و برای حفاظت از علاقه مندی ها و منافع خود می باشد.

۲- اعمال این حق تابع هیچ محدودیتی نیست مگر اینکه محدودیت ها مطابق قانون آن هم در یک جامعه دموکراتیک و به طور ضروری جهت نفع (مصلحت)، امنیت ملی، ایمنی عمومی، نظم عمومی، حفاظت از سلامت و اخلاق عمومی و یا حفاظت از آزادی های دیگران باشد. (همچنین) این ماده مانع از آن نمی شود که اعضای نیروهای مسلح و پلیس در اعمال این حق، تابع محدودیت های قانونی باشند.

نکته مهم تر آنکه، میثاق بین المللی حقوق سیاسی و مدنی، دخالت دولت ها را مجاز نمی شمارد و تنها از آنان می خواهد حقوق مندرج در این قوانین را رعایت کنند. به موجب یکی از اصول مربوطه در این زمینه: «هیچ یک از مقررات این ماده، کشورهای عضو مقاله نامه سازمان بین المللی کار، مورخه ۱۹۸۴ که مربوط به آزادی (تشکیل) اتحادیه و حمایت از مشکل

شدن است، مجاز نمی‌شمارد که با اقدامات قانون گذاری و یا با نحوه اجرای قوانین به تضمین های ارائه شده در این مقوله نامه مخالفت کنند و به آن لطمه وارد کنند» (میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، مصوبه ۲۶ دسامبر ۱۹۶۶).

در حوزه آزادی جمعی نیز میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوبه ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶، معاهداتی را در نظر گرفته است. به عنوان مثال، در ماده هشتم چنین آمده است:

۱- حق هرکس به این که به منظور پیشبرد و حفظ منافع اقتصادی و اجتماعی خود با رعایت مقررات سازمان ذیربط مبادرت به تشکیل اتحادیه نماید و به اتحادیه مورد انتخاب ملحق شود. اعمال این حق را نمی‌توان تابع هیچ محدودیتی نمود مگر آنچه که به موجب قانون تجویز شده و در یک جامعه دموکراتیک برای مصالح امنیتی یا نظم عمومی یا حفظ حقوق و آزادی های افراد دیگر ضرورت داشته باشد.

۲- حق اتحادیه ها (سندیکاها) که به تشکیل فدراسیون ها یا کنفدراسیون های ملی و حق کنفدراسیون ها به تشکیل سازمان های سندیکایی بین المللی یا الحاق به آنها.

۳- حق اتحادیه ها (سندیکاها) که آزادانه به فعالیت خود مبادرت نمایند، بدون هیچ محدودیتی جز آنچه به موجب قانون تجویز شده و در یک جامعه دموکراتیک برای مصالح امنیت ملی یا نظم عمومی یا برای حفظ حقوق و آزادی های دیگران ضرورت داشته باشد.

۴- حق اعتصاب مشروط بر اینکه با رعایت مقررات کشور مربوط اعمال شود (میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوبه ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶).

به نظر می‌رسد در اکثر قوانین اساسی، حق آزادی عمل و یا حق آزادی بیان به عنوان یک حق بنیادین تضمین شده است، بنابراین هرگونه ایجاد محدودیت برای این حق‌ها چه از جانب قانون‌گذار و چه از جانب دادگاه‌ها خلاف قانون اساسی تلقی خواهد شد. اما دادگاه قانون اساسی و یا مرجع قانون گذاری می‌تواند برای حفظ حق بنیادین دیگر که در اوضاع و احوال خاص بر حق آزادی عمل و یا حق آزادی بیان ترجیح دارد، آنها را محدود نماید و به نوعی بین دو حق بنیادین به عنوان اصول حقوق تعادل ایجاد نماید. با پذیرش حقوق بنیادین به عنوان اصول، راه برای اعمال این حقوق در حقوق قراردادهای باز می‌شود، چرا که اصول حقوقی همانند نور خورشید بر کل نظام حقوق می‌تابد به گونه‌ای که هیچ دلیلی برای نقض آن و عدم اجرای آن پذیرفتنی نیست و حقوق قراردادهای به عنوان بخشی از حقوق نمی‌تواند خود را مصون از نفوذ آن بداند (حاجی پور، ۱۳۹۵: ۴۲-۴۱). بنابراین پذیرش قواعد حقوقی بین‌المللی در زمینه‌های مختلفی نظیر حقوق بشر، قضایی، آموزشی، توسعه فرهنگی و اقتصادی تا اطلاع ثانوی می‌تواند به عنوان حافظ آزادی‌های فردی و جمعی نیز تلقی شود.

از منظر حقوق بین الملل و حفاظت از آزادی های فردی و جمعی افراد باید گفت هر حق بشری حامل یک وظیفه است و در طی توسعه حقوق بشر، این حقوق به‌عنوان تعهدات الزام‌آور شناخته شده‌اند. تعهدات ممکن است مختلف باشند، مانند تعهدات مثبت یا منفی. هرچند در خصوص حقوق فردی همیشه این تعهدات بر عهده دولت هستند، اما در خصوص «حقوق مردم» این حقوق، موظفان مختلفی دارد؛ افراد، گروه‌ها (از جمله مردم) دولت‌ها و حتی سازمان‌های بین‌المللی (صلح چی و درگاهی، ۱۳۹۲: ۱۶۰). چنان چه مواد اعلامیه حقوق بشر، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی طیف متعددی از آزادی منفی و مثبت را شامل می‌شود. به عنوان مثال، در ماده هجدهم میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی چنین آمده است:

۱- هرکس حق آزادی اندیشه، عقیده و مذهب دارد. این حق شامل اختیار و آزادی در پذیرش یک مذهب و یا عقیده ای، به انتخاب خود است. همچنین هرکسی در بیان آشکار مذهب یا عقیده خود به طور فردی یا گروهی آشکارا یا در نهان و نیز انجام تعلیمات مذهبی خود اختیار و آزادی دارد.

۲- در این موارد هیچ کس نباید با زور و اجبار (روبرو گردد) و نیز نباید به آزادی او در پذیرش یک مذهب یا عقیده ای که براساس انتخاب خودش انجام گرفته است، آسیب رساند.

۳- در صورتی ممکن است آزادی بیان، مذهب یا اعتقادات کسی محدود گردد که به موجب قانون آن هم جهت حفظ امنیت عمومی، نظم، سلامتی اخلاق یا حقوق و آزادی های اساسی دیگران، پیش بینی شده باشد.

۴- کشورهای عضو این میثاق، متعهد می‌گردند که آزادی والدین و سرپرستان قانونی را در مورد آموزش مذهبی و اخلاقی کودکانشان و مطابق با عقایدشان محترم بشمارند ((میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، مصوبه ۲۶ دسامبر ۱۹۶۶).

در زمینه حقوق قضایی نیز حقوق بین الملل، محدودیت ها و امکاناتی را پیش روی دولت ها گذاشته است. به عنوان مثال، بند ۳ ماده ۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی در این باره مقرر می دارد: «هرکسی که به اتهام جرمی دستگیر و یا بازداشت می گردد، باید بی درنگ در مقابل قاضی یا دیگر مقام مجازی که به وسیله قانون قدرت قضایی را اعمال می کند، آورده شود و شایسته است که در مدت معقولی دادرسی شود و یا آزاد گردد، نباید بازداشت و انتظار دادرسی افراد به صورت قاعده عمومی کلی درآید». ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مقرر نموده است: «توقیف متهم نباید از مدت معقول تجاوز نماید». (صادقی زیاری و ابراهیمی منش، ۱۳۹۳: ۱۸۵). در زمینه آزادی جمعی نیز حق اعتراض و انتقاد چه به صورت فردی و چه به صورت جمعی برای افراد صرفنظر از تفاوت های نژادی، قومی، زبانی، فرهنگی و گرایش سیاسی محفوظ مانده است. حقوق بین الملل در موارد متعددی این مسأله را به دولت ها هشدار داده است. به عنوان مثال، آزادی اجتماعات یکی از انواع آزادی های منفی به شمار می رود که تحقق هرچه بیشتر این آزادی با عدم مداخله دولت صورت می پذیرد ولی این موضوع نافذی تعهدات مثبت دولت ها نیست، بلکه در پاره ای از موارد تأمین امنیت اجتماع کنندگان که جنبه مثبت دارد، دولت باید آزادی مزبور را تضمین کند. آزادی اجتماعات در کنار آزادی بیان، مطبوعات، مذهب و وجدان، جزو آزادی های مدنی کلاسیک است (اسلامی و کمالوند، ۱۳۹۳: ۱۸۷).

علاوه بر آزادی منفی و توجه به ابعاد فردی و جمعی آن از منظر حقوق بین الملل، به دولت ها توصیه شده است که آزادی مثبت را نیز مدنظر قرار دهند. بدین معنا که با شرط عدم دخالت (آزادی منفی)، زمینه ساز تعالی انسان ها در جامعه خود شوند (آزادی مثبت). یکی از جنبه های آزادی مثبت در بُعد فردی و جمعی، توجه به مسأله آموزش به عنوان زیربنای توسعه فرهنگی است. چنان چه علاوه اعلامیه حقوق بشر و میثاق بین المللی حقوق سیاسی و مدنی، در ماده ۱۳، میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوبه ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶، بر مسأله آموزش آزادانه نیز تأکید داشته است. به موجب یکی از اصول این میثاق:

«کشورهای طرف این میثاق حق هرکس را به آموزش و پرورش به رسمیت می شناسد. کشورهای مزبور دارند که هدف آموزش و پرورش باید نمودی کامل شخصیت انسانی و احساس حیثیت آن و تقویت احترام حقوق بشر و آزادی های اساسی باشد. علاوه بر این، کشورهای طرف این میثاق موافقت دارند که آموزش و پرورش باید کلیه افراد را برای ایفای نقش سودمند در یک جامعه آزاد آماده سازد و موجبات تفاهم و تساهل و دوستی بین کلیه ملل و کلیه گروه های نژادی، قومی یا مذهبی را فراهم آورد و توسعه فعالیت های سازمان ملل متحد را به منظور حفظ صلح تشویق نماید» (میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوبه ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶). مسأله آموزش و حق بر آموزش افراد از جمله کودکان یکی از مهم ترین اهداف اعلامیه حقوق بشر به شمار می رود. به طوری که سازمان ملل هر ساله هزینه های زیادی در این زمینه صرف می کند. این موضوع هر دو جنبه آزادی فردی و جمعی را دربر می گیرد. در واقع بُعد فردی حق بر آموزش، برای حق کودک و والدینش در برابر جامعه و دولت، اولویت و برتری قائل می شود. جنبه اجتماعی حق بر آموزش ایجاب می کند که دولت، کنترل آموزش را در جامعه به عنوان امری عمومی بر عهده گیرد و سیاست گذاری ها و برنامه ریزی های لازم را برای موجود بودن، در دسترس بودن، با کیفیت بودن و قابل انطباق بودن آموزش با نیازهای کودکان صورت دهد (انصاری، ۱۳۹۲: ۱۲۶).

از ویژگی های مهم برخی اسناد بین المللی در زمینه حقوق افراد این است که دولت ها را به رعایت برخی موارد در زمینه حفظ و پاسداری از آزادی های افراد مکلف می کند. به طوری که در میثاق بین الملل حقوق مدنی و سیاسی واژه «تضمین کردن» به کار رفته است. این واژه به خوبی تصریح می کند که دولت های عضو میثاق ملزم هستند یک رشته اقدامات ایجابی و مثبت را برای تحقق کامل حقوق حمایت شده تحت میثاق انجام دهند، در نتیجه کافی نیست دولتی اظهار نماید که در اعمال این حق مانع ایجاد نکرده و مداخله ننموده است، بلکه دولت مکلف است وسایل احقاق حق را فراهم کند و باید هم با وضع قوانین و مقررات ضروری در این عرصه و هم با ایجاد و تقویت یک سیستم قضایی کارآ و دارای کیفیت و قابل اتکا و مبتنی بر اصول دموکراسی و شایسته سالاری زمینه های لازم برای احقاق حق افراد نسبت به حقوق انسانی را فراهم نماید (رضوانی، ۱۳۹۵: ۷۰). علاوه بر دفاع از آزادی بیان، عقیده، اجتماعات، مذهب و ... از سوی اسناد بین المللی، در زمینه آزادی های اقتصادی شهروندان در سراسر جهان نیز موادی دیده می شود. به عنوان مثال، در ماده ششم میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوبه ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ در زمینه حقوق و آزادی مالکیت این گونه بیان شده است:

الف. کشورهای طرف این میثاق حق کار کردن را که شامل حق هرکس است به این که فرصت یابد به وسیله و کاری که آزادانه انتخاب یا قبول می نماید معاش خود را تأمین کند، به رسمیت و اقدامات مقتضی برای حفظ این حق معمول خواهند داشت.

ب. اقداماتی که کشورهای طرف این میثاق به منظور تأمین اعمال کامل این حق به عمل خواهند آورد باید شامل راهنمایی و تربیت فنی و حرفه ای و طرح برنامه ها و خط مشی ها و تدابیر فنی باشد، که از لوازم تأمین توسعه مداوم اقتصادی اجتماعی و فرهنگی اشتغال تام و مولد است تحت شرایطی که آزادی های اساسی سیاسی و اقتصادی را برای افراد حفظ نماید» (میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوبه ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶). بدین ترتیب اسناد بین المللی حقوقی در زمینه های گوناگونی از آموزش کودکان تا دفاع از مالکیت و حقوق مالی افراد گرفته تا حق آزادی های شخصی و خصوصی و حق اجتماعات برنامه ها و اعلامیه های متعددی به دولت ها ابلاغ کرده اند که اجرایی شدن آنان به عواملی نظیر همکاری دولت ها، پذیرش قواعد حقوق بشر به عنوان سندی برتر و جهانی و توجه به ارزش های سایر جوامع در تدوین تغییرات حقوق بشری است.

نتیجه گیری

با توسعه حقوق بین الملل در عرصه های گوناگون و از جمله در عرصه آزادی های فردی و جمعی، فضا برای گسترش صلح و امنیت بین الملل فراهم تر شده است. اما این فراهم بودن به معنای رعایت حقوق فردی و جمعی در نزد نظام های سیاسی در سراسر جهان نشده است. به طوری که حتی قوانین حقوقی الزام آور بین المللی همچنان نتوانسته اند قواعد خود بر کشورهای مختلف بقبولانند و زمینه ساز صلح و امنیت بین المللی شوند. ضمن اینکه عدم سازگاری حقوق بین الملل عمومی و حقوق خصوصی مدنظر کشورهای مختلف، تسلط رویکردهای غربی بر حقوق بین الملل در سازمان مختلف بین المللی، عدم نقش آفرینی کشورهای در حال توسعه در تهیه و تدوین لوایح حقوق بشری و حقوق بین الملل و همچنین عدم ضمانت اجرای قوانین حقوق بین الملل از جمله چالش هایی است که اجرای حقوق بین الملل را با دشواری روبرو کرده است.

با این حال، و علیرغم همه محدودیت ها و چالش های داخلی در کشورها و عرصه نظام بین الملل، حقوق بین الملل همچنان بر فراز حقوق داخلی کشورها ایستاده است و خود را متولی برقراری صلح و امنیت بین المللی قلمداد می کند. در این زمینه نیز آزادی بیان در حوزه های فردی و جمعی به عنوان یک اصل بدیهی و خدشه ناپذیر مطرح می شود که رعایت اصول و قواعد آن توسط همه کشورها، انجمن ها و نهادهای دولتی و غیردولتی و ... ضروری اعلام شده است. این موضوع هم در قالب توصیه ها و اعلامیه غیرالزام آور و هم در قالب فشار و اجبار کشورهای گوناگون دنبال می شود. در اصل، سازمان های بین المللی نظیر سازمان ملل متحد برای تبیین لزوم شکل گیری اصول و هنجارهای جهانشمولی نظیر حقوق بشر و آزادی های اساسی مندرج در آن، نقش قابل ملاحظه ای ایفا کرده اند. به طوری که اصل آزادی و شاخه های منبعث از آن نظیر آزادی بیان، آزادی مذهب، عقیده، حق اجتماعات فردی و جمعی و ... به صورت یک اصل خدشه ناپذیر در عرصه حقوق بین الملل درآمده است که نقض موارد آن با واکنش نهادهای مزبور روبرو می شود حتی دولت های ناقض آن نیز در پرتو حقوق بین الملل به عنوان خاطی و ناقض حقوق بشر شناخته می شوند. به نظر می رسد علیرغم تلاش گسترده نهادهای مرتبط با حقوق بین الملل، فاصله زیادی تا رسیدن به آرمان های آزادی های فردی و جمعی وجود دارد و البته خطرات نوظهوری نظیر تروریسم و سلطه ابرقدرت ها بر تدوین این حقوق بر سر نظام های سیاسی در حال توسعه سنگینی می کند. با این حال، فرایند جهانی شدن و رشد ارتباطات این امید را پدید آورده که آزادی های فردی و جمعی با جدیت و حساسیت بیشتری پیگیری شود. گسترش شبکه های اجتماعی و ظهور سازمان ها و نهادهای غیردولتی متعدد نیز بر این امیدواری افزوده است.

منابع

- اسلامی و کمالوند، رضا و محمدمهدی (۱۳۹۳)، چالش های آزادی اجتماعات در سیستم حقوقی ایران در پرتو نظام بین المللی حقوق بشر، مجله حقوقی بین المللی، شماره ۵۰، بهار و تابستان ۹۰، صص ۲۲۲-۱۸۷.
- انصاری، باقر (۱۳۹۲)، حق کودک به آموزش در نظام بین المللی حقوق بشر، فصلنامه حقوق اسلامی، سال دهم، شماره ۳۶، بهار ۹۲، صص ۱۴۶-۱۱۵.

- تنسی و جکسون، استیون دی و نایجل (۱۳۹۲)، مبانی سیاست، ترجمه جعفر محسنی دره بیدی، چاپ اول، تهران: نشر ققنوس.
- جاوید، صادقی و شفیع زاده خولنجانی، محمد، محمد و مصطفی (۱۳۹۱)، نسبت «تکالیف طبیعی» و «تکالیف شهروندی»، فصلنامه دیدگاه های حقوق قضایی، شماره ۵۹، پاییز ۹۱، صص ۸۳-۱۱۶.
- جونز، پیت (۱۳۹۰)، آزادی بیان، در فلسفه و جامعه و سیاست، آثاری به قلم و درباره ماریو بارگاس یوسا و دیگران، ترجمه عزت الله فولادوند، چاپ دوم، تهران: نشر ماهی.
- حاجی پور، مرتضی (۱۳۹۵)، تأثیر حقوق بنیادین بشری بر آزادی قراردادی، فصلنامه پژوهش های حقوق خصوصی، سال ششم، شماره بیستم، پاییز ۹۶، صص ۶۲-۳۵.
- رضوانی، حسین (۱۳۹۵)، حق آزادی بیان و مسؤولیت بین المللی کشورها در قبال آن، فصلنامه سیاست خارجی، سال سی ام، شماره ۴، زمستان ۹۵، صص ۹۲-۶۵.
- شمشیری و بدخشان، بابک و نعمت الله (۱۳۹۴)، نسبت فرد و جامعه در نگاه اسلامی، پژوهش های اجتماعی اسلامی، سال بیست و یکم، شماره چهارم (پیاپی ۱۰۷)، زمستان ۹۴، صص ۱۳۳-۱۰۳.
- صادقی زبیری و صادقی منش، حاتم و مهران (۱۳۹۲)، حق آزادی و امنیت شخصی در اسناد بین المللی حقوق بشر و حقوق ایران؛ با نگاهی به نوآوری های قانون آیین دادرسی کیفری، نشریه مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۵، شماره ۱، بهار و تابستان ۹۳، صص ۱۹۰-۱۷۱.
- صلح چی و درگاهی، محمدعلی و رامین (۱۳۹۲)، بررسی ماهیت حقوق همبستگی: حقوق جمعی یا مردمی، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال پانزدهم، شماره ۴۱، زمستان ۹۲، صص ۱۶۷-۱۴۳.
- ضیایی، یاسر (۱۳۹۰)، مبانی نظری صلاحیت فراسرزمینی دولت از منظر حقوق بین الملل عمومی، مجله حقوقی دادگستری، سال ۷۵، شماره ۷۶، زمستان ۹۰، صص ۵۲-۹.
- لشکری، علیرضا (۱۳۹۶)، مصالح فردی و عمومی از منظر اسلام و مکاتب رقیب، جستارهای اقتصادی ایران، سال ۱۴، شماره ۲۷، بهار و تابستان ۹۶، صص ۸۸-۶۳.
- میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مصوبه ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶.
- میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، مصوبه ۲۶ دسامبر ۱۹۶۶.
- میرغیائی، عبدالله (۱۳۹۳)، اصل آزادی به منزله یک حق و ظهور جریان های فکری در اندیشه سیاسی اسلام، فصلنامه پژوهش های سیاسی جهان اسلام، سال چهارم، شماره چهارم، زمستان ۹۳، صص ۱۲۸-۱۰۷.
- هیوود، اندرو (۱۳۸۹)، سیاست، ترجمه عبدالرحمن عالم، تهران: نشر نی.

پژوهش در هنر و علوم انسانی

تحلیل اثرات کالبد-عملکردی بازارچه‌های مرزی با

تاکید بر توسعه پایدار و آمایش نواحی شهری؛ شهر

پیرانشهر

سلیمان احمد مرادی، ابراهیم الیاسی

مطالعه و طرح معماری خانه کودک در کاشان

مبتنی بر پرورش خلاقیت کودک؛ برای کودکان ۴

تا ۷ سال

حمیدرضا فرشچی، زهره غلامی

کمدی دلآرته و شخصیت‌های نمایشی آن

سمانه عشقی، احمد حیدری

ساختار پرسپکتیو در نگارگری ایرانی و نظریه

ابصار ابن هیثم

پروانه دلفانی ارکسی، اسماعیل بنی اردلان

نگاهی به آزادی‌های فردی و جمعی در پرتو حقوق

بینالملل

عباس شجاعی، زهرا قاسمی، فاطمه بیرجندی